

آموزش ابتدایی

| برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی |
| دوره‌ی نوزدهم | اردیبهشت ۱۳۹۵ | شماره‌ی بی‌درزی ۱۵۷ | ۴۸ صفحه |
| ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی ۱۰۰۰۰ ریال |



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشریات و تکنولوژی آموزشی

فکر ندارد، باز هم معلم می‌شوم

پیچیدگی در عین سادگی





تلنگری برای تفکر

مسابقه‌ی شماره‌ی ۸

سال تحصیلی ۹۴-۹۵

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۲۰ خردادماه
۱۳۹۵

در آخرین مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» سال تحصیلی ۹۴-۹۵ براساس محتوای مقاله‌ی صفحات ۸ تا ۱۰ یک پرسش طرح شده است. با مطالعه‌ی مجله و ارسال جواب‌های تفصیلی، در پربار شدن مجله‌ی خود سهیم باشید.

فصلی مدرسه محیطی غنی و سرشار از فرصت‌ها و سؤزهای یادگیری است که بهره‌گیری از آن‌ها تعمیق و توسعه‌ی یادگیری دانش‌آموزان را در پی دارد. در این صورت فضای یادگیری از چهار دیواری محدود کلاس به دنیای وسیعی به نام «زندگی» گسترش می‌یابد. بخشی از این فرصت‌ها در مقاله‌ی دکتر سلیمه‌نار و خاتم اعتمادی اشاره شده است.

به‌منظر شما:

چه فرصت‌های دیگری در مدرسه وجود دارد که می‌توانند به‌عنوان منبع یادگیری استفاده شوند و چگونه می‌توان آن‌ها را به موقعیت‌های یادگیری تبدیل کرد؟



آموزش ابتدایی

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی نوزدهم/اردیبهشت ماه ۱۳۹۵/شماره ی بی-دربی ۱۵۷
ماهنامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدیر: اصغر ندیری
شورای برنامه ریزی:
فاطمه رمضانی، سیده زهرا یاسینی، یدالله رهبری نژاد
صادق صادق پور
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامنگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵
شمارگان: ۲۹۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکاس روی جلد: اعظم لاریجانی



یادداشت سردبیر داستانی پر از زندگی / اصغر ندیری / ۲

گفت و گو بازی درمانی / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۴ • استعدادیابی مهارت من است /

محمود یحیوی / ۶ • نوآوری از طریق آموزش غیر مستقیم و مهارتی / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۱۴ •

گزارش پیچیدگی در عین سادگی / لیلا سلیقه دار-مهناز اعتمادی / ۸ • فرصتی برای شناخت دانش آموزان نیست /
سمانه آزاد / ۳۴ •

یادداشت شمع شدی، سوختی! / محمدرضا حیدری / ۱۱ • شیوه ی رندان بلاکش / معصومه حسن پور / ۱۶ •

• آموزگار من تلفیقی از زمین و آسمان / دکتر پریسا ایران نژاد - دکتر نیره شاه محمدی / ۲۲ • حکم / شکوه تقدیسپان / ۳۰ •

• آموزگار فراموش نشدنی اقلید / ۴۲ •

داستان فکر ندارد باز هم معلم می شوم / دکتر زهرا بازرگان / ۱۲ •

آموزش تمرین دادن توپ مغز با راکت فکر / دکتر نیره شاه محمدی / ۱۴ • آموزش ریاضی دبستان با رویکرد ریاضیات

واقعیت مدار / بهناز ساویزی / ۱۸ • روش های جلب توجه دانش آموزان / ابوالفضل بختیاری - انسیه رمضان پور / ۲۶ •

• کج فهمی های دانش آموزان درباره ی نور / پریوا صفری / ۳۲ •

خاطره اثر توصیف در ارزشیابی / جعفر ربانی / ۱۷ •

اطلاع رسانی موزه ی علوم طبیعی بهاباد / ۲۱ •

تجربه ی سبز این گوش است یا علامت سؤال؟ / فاطمه دهقانی فیروزآبادی / ۲۳ • سنگ تراش / فاطمه مریدی / ۳۱ •

• دل نوشته ای برای معلمان دیروز / بتول راد / ۴۳ • پاک کن های تقویتی / مهتاب مجردی / ۴۴ •

هنر نوشتن سفرنامه نویسی / ناصر نادری / ۲۴ •

تربیت بدنی و سلامت مدیریت کلاس درس تربیت بدنی در ابتدایی / محسن وجدانی - نجمه رضاسلطانی / ۲۸ •

نقد و نظر هر کسی کار خودش! / مصطفی محمدی / ۳۷ • خط مرغوب استفاده ی نامربوط / خسرو شیرچی،

مهدی غنی پارسا / ۳۸ •

فناوری آموزشی من و کلاس هوشمندم / محمد صادق اسماعیلی فر - نادیا غلامی پور / ۴۰ •

همراهان ما پاسخ به نامه ها و نوشته های خوانندگان / ۴۶ •

فعالیت آغازین بویایی تا همیشه / طاهره خردور / ۴۸ •

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. • مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD و یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند.
- نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. • مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. • کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. • مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. • معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. • مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

داستانی پراز زندگی

اصغر ندیری

زندگی جریان دارد. نه به خاطر خون که البته جریان زندگی است، به خاطر کودکانی که با قدم‌های آهسته یا کوبان بر زمین و حتی روی ویلچر می‌آیند. به خاطر آن شادابی که قرار است در پس چهره‌ی تکیده‌ی هر بیمار، به خصوص کودکان، پس از بهبودی، دیده شود. و در پشت تمام گریه‌ها، آه‌ها و دردها، هر گاه کودکی از مقابل دیدگان بیماری نالان و بی‌رمق بگذرد، نشاط و سرزندگی به رگ‌ها می‌دود. زیر لب با تبسمی زمزمه می‌کند: «چطوری کوچولو؟»

۶ دوره‌ی نوزدهم مجله نیز به عبارتی در یک چشم بر هم زدن پر می‌شد. سعی عوامل مجله بر این بود که در این دوره هم محتوایی پربار و با مشارکت خوانندگان و علاقه‌مندان تهیه و عرضه شود. برای دوره‌ی بیستم منتظر آثار و همکاری آموزگاران، پدران و مادران، کارشناسان و به ویژه «دانشجویان دانشگاه فرهنگیان» هستیم. شاید بگویید از این سطرها بوی خداحافظی به مشام می‌رسد. آری، ما سلامتی شما را می‌خواهیم، اما به قطع ارتباط ما همچنان پایدار است. از طریق راه‌های ارتباطی مجله با ما در ارتباط باشید. سایت مجلات رشد نیز به‌طور همیشگی و حتی تابستان (مانند دفتر مجلات رشد) فعال و به‌روز است. در این فرصت از همه‌ی عزیزان مخاطب و همکاران عزیز خود، از بالاترین رده‌ی دفتر انتشارات و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله، از دفتر آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش، مؤلفان و مدیر داخلی مجله، طراح گرافیک، عکاس، ویراستار و حروف‌چین و دیگر عوامل فنی تقدیر و تشکر می‌کنم. برای همه تابستانی شاد، آرام و به یادماندنی آرزو می‌کنم.

به تازگی داستانی می‌خواندم از رخداد‌های یک آزمایشگاه پزشکی؛ داستان اموری که در آزمایشگاه به‌طور روزانه انجام می‌شوند. نویسندگان حتماً حرف‌های بسیاری داشت از نوع کار، حالات مراجعات و بخش‌های گوناگون آزمایشگاه که افرادی مانند من به احتمال زیاد خیلی از آن‌ها را تا آن هنگام ندیده و نشنیده بودند و آن‌ها شده بود داستان آزمایشگاه. این قصه در نوع خود جالب توجه و فنی بود. نگاه تیز، اجتماعی و ادیبانه‌ی یک کارشناس به فعالیت‌های موجود در حوزه‌ی کاری خود. آمدن‌ها، نشستن‌ها، نوبت گرفتن‌ها، حرف‌ها، میمیک چهره‌ها و زبان بدن مردم هنگامی که متحیرند یا سر در گریبان و زمانی که نگران‌اند و شاید امیدوار از جوابی که می‌گیرند.

کودکانی که می‌آیند و همراهان، پدر یا مادر، دست‌هایشان را گرفته و با هر قدم و با نگاه به نشانه‌های راهنما به سویی کشیده می‌شوند. تصور می‌کنم نویسندگان خیلی خوب توانسته بود از وضعیت و رفتار افراد، به ویژه کودکان، گزارش بدهد: «تق تق، صدای کفش بچگانه، اشک‌های روی گونه هنگامی که بچه‌ها دست سوزن خورده‌ی خود را گرفته‌اند و حق‌سرمی‌دهند. از چیزی ترسیده‌اند! کشیده شدن روی زمین... مامان... خسته‌شدم. نمی‌آیم... عزیزم بنشین اینجا، من زود می‌آیم. جایی نرو... بابا بگذار اینجا بنشینم. برویم، من می‌ترسم. خوابم می‌آید. من آمپول نمی‌زنم... بچه بس است دیگر. کشتی مرا. دو روز است آواره‌ی این مطب و آن دکتر و آزمایشگاه هستیم. دیشب تو اتوبوس پلک روی هم نگذاشته‌ام... آدرس هم که عوضی بود!» با همه‌ی تلاش و موفقیتی که نویسنده در توصیف مکان خود به خرج می‌دهد، آنچه بر قوت متن می‌افزاید، چیزی دیگر است. او می‌نویسد: «اما اینجا زنده است. به خاطر خیلی چیزها. اینجا



این سال تحصیلی را در حالی پشت سر می گذاریم که شاهد جان فشانی ها و البته حوادث دلخراش برای چند تن از آموزگاران بودیم؛ آن هایی که کودکان را می بینند و دلسوز آن ها هستند. آوردن نام تعدادی از این بزرگان برای این است که بدانند دردل و دیده ی همه جای دارند.

- **ثریا مطهرنیا** از استان کردستان، برای شناسایی و حمایت از ۹۰ دانش آموز بی بضاعت.

- **زهرا معافی** از استان قزوین، به واسطه ی نجات ۴۰ دانش آموز از گاز گرفتگی.

- **فاطمه مولوی** از استان همدان، به واسطه ی نجات دانش آموز از کانال آب.



فاطمه مولوی

- **علیرضا هادی نژاد** از استان یزد، به واسطه ی ایاب و ذهاب دانش آموز معلول خود به دبستان توحید در فاصله ی ۹۰ کیلومتری.



علیرضا هادی نژاد

- **عسگر زاهد انزانی** از استان اردبیل، به دلیل نجات دو دانش آموز از خطر غرق شدن.



علی بخش نوروژی

- **علی بخش نوروژی**، آموزگار چند پایه از یاسوج کهگیلویه و بویراحمد، که بر اثر کولاک در جاده ی سرفاریاب درگذشت.

- **سیاوش صالحی** از استان خوزستان به دلیل نجات دانش آموز از سیل در ایذه.

- **مهری عندالله** از تهران، که با وجود داشتن بیماری سرطان و انجام چهار عمل جراحی همچنان در کلاس حاضر شد.

- **شبنم یوسفی** از استان کردستان، به واسطه ی نجات دانش آموزان از آتش سوزی و کمک به دانش آموزان بی بضاعت.

- **علیرضا شفیعی** از استان اصفهان، به واسطه ی نجات مصدومان تصادف و نجات دانش آموزان.

- **انیس شاه رحمانی** از استان یزد، به دلیل مراقبت از ۱۱ کودک بدسرپرست و بی سرپرست با هزینه ی شخصی.

انیس شاه رحمانی



- **مرحومه ریحانه بهشتی** از استان خراسان رضوی که با اهدای اعضا به چند نفر جان دوباره بخشید.

مرحومه ریحانه بهشتی



و با سپاس از **هاجر مفیدی محمودآبادی** و **خیران مدرسه ساز محمدرضا حافظی و عبدالله اسلامی** در استان چهارمحال و بختیاری.

در گفت و گو با دکتر مریم بهنودی مطرح شد:

بازی درمانی

روش های عملی یادگیری و مهارت دانش آموز در خانه و محیط اجتماعی

به کوشش دکتر ابوالفضل بختیاری

کلیدواژه ها: بازی درمانی، مهارت آموزی، محیط اجتماعی

خانم دکتر بفرمایید بازی چیست و چه آثار اجتماعی بر کودک دارد؟

بازی، به عنوان یک فعالیت، از جمله راه های اجتماعی شدن است. این فعالیت اگر هدفمند باشد، حتی می تواند افراد جامعه گریز یا بیش فعال را نیز دگرگون کند. هرچند گفته اند که بازی هر نوع فعالیت برای تفریح، بدون توجه به نتیجه ی نهایی آن است، اما ما می توانیم برای بازی برنامه و هدف تعریف کنیم. انجام دادن بازی های گروهی در خانه یا مدرسه مهم است و بر هوش های چندگانه، گاردنر و به خصوص هوش های معنوی و طبیعت گرای دانش آموز تأثیر می گذارد. کلینیک های رفع اختلال برای از بین بردن برخی اختلالات مانند کم رویی یا کم حرفی یا وابستگی شدید کودک به مادر، از فعالیت بازی استفاده می کنند. بازی ها انواع متفاوتی دارند و حتی می توانند با تصاویر و برای ارتقای هوش بصری، تمرکز و سرعت عمل انجام شوند.

برخی اصول بازی درمانی را بگویید.

- بازی درمانی غالباً برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که نسبت به حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می شود.

- بازی درمانی از ابزارهای طبیعی بیان حالت کودک برای کمک به او استفاده می کند. یعنی بازی به عنوان متد درمانی وی به کار گرفته می شود تا به کودک کمک کند فشارهای احساسی خویش را تحت کنترل قرار دهد.

- این روش در مورد کودکان سه تا هشت ساله ای به کار می رود که مشکلات خانوادگی مانند طلاق والدین و یا مشکلات فردی مانند ناخن جویدن، شب ادراری، اختلال رفتاری و یا بیش فعالی دارند و در روابط گروهی موفق نیستند.

- بازی درمانی ابزاری برای به چالش کشیدن انگیزه ی اندیشیدن و جستن راه حل مسئله است. در این روند، تحمل و شکیبایی توأم با تفکر آموخته می شود.

اشاره

مهارت های عملی زندگی در عمل به دست می آیند. این مهارت ها تنها با یک ابزار قابل دستیابی نیستند، بلکه می توان از راه های گوناگون آن ها را تقویت کرد. بازی یا حتی تنها گوش کردن نیز از مواردی هستند که به کمک می آیند و می توانند در کودکان به درک متقابل و ایجاد ارتباط عمیق منجر شوند. ماهمیشه در پی آن هستیم که اختلالات را کاهش دهیم و روابط یا مهارت ماندگارتری ایجاد کنیم.

در همین زمینه و در ارتباط با بازی کودکان و چگونگی ایجاد ارتباط و آثار بازی، با دکتر مریم بهنودی، دارای مدرک دکترای تخصصی در اختلالات یادگیری و فناوری تکنولوژی از دانشگاه کوبه ی ژاپن، گفت و گویی کوتاه انجام داده ایم. دکتر بهنودی مدرس دانشگاه تهران است و به عنوان مشاور در کلینیک دکتر کاردان در همین دانشگاه فعالیت می کند. او

به روش های عملی یادگیری در کودکان و نوجوانان علاقه دارد و از طریق ارتقای فن بیان در کودکان، به درمان اختلالات گویشی می پردازد.

در این گفت و گو به، نظرات تطبیقی و تجربه های ژاپنی نیز اشاره شده است.

عکاس: غلامرضا پیرامی





مهارت‌های زندگی در خانه چیستند؟ همان‌هایی که قرار است از مدرسه به خانه بیایند!

گاهی دیده می‌شود دانش‌آموز ۹ ساله‌ی ما حتی نمی‌تواند میوه پوست بکند. بستن دکمه یا بند کفش هم مشکلی برای بعضی‌هاست. در ژاپن کودکان از پنج سالگی یاد می‌گیرند کارد میوه را چگونه در درست بگیرند. کار در آشپزخانه و رعایت نظم و ترتیب را می‌آموزند و از نزدیک حس می‌کنند. حتی پدر و مادرها با برنامه‌ی درسی آشنا می‌شوند و قدم به قدم با آن پیش می‌روند. والدین و آموزگاران همراه فرزندان‌شان به اردو می‌روند و مهارت‌های مورد نظر را کنار هم و در طبیعت، با توجه به فصل، تمرین می‌کنند.

اگر می‌خواهیم بستر کاری درست شود، باید دانش‌آموزان را گاه‌گاهی از مدرسه خارج کنیم و در محیط اجتماعی به آن‌ها نقش بدهیم. آن‌ها باید در پارک، خیابان‌ها و فروشگاه‌های اطراف مدرسه یا منزل گشت بزنند تا بتوانند نقشه‌ی اطراف مدرسه را تصور و نقاشی کنند. دانش‌آموزی که با سرویس به مدرسه می‌رود، نمی‌تواند تعامل اجتماعی قوی داشته باشد.

به ورزش مستمر در مدرسه اهمیت دهیم. در مدارس ابتدایی ژاپن از ساعت ۸/۱۵ تا ۹ صبح، دانش‌آموزان لباس ورزشی می‌پوشند و ورزش صبحگاهی انجام می‌دهند. دانش‌آموزی که انرژی او به این شکل تخلیه شده و روحیه‌ی شادی به دست آورده است، با کلاس همراه می‌شود.

با در نظر داشتن اینکه شما در ژاپن تحصیل کرده‌اید، نظر آن‌ها درباره‌ی بازی چیست؟

آن‌ها باوری دارند مبنی بر اینکه کودک تا ۱۴ سالگی با بازی‌های گروهی همه چیز را یاد می‌گیرد. آن‌ها بر این باورند که قطر کتاب‌های درسی، حتی کم‌حجم‌ترین آن‌ها، هم زیاد است. کتاب‌های درسی آن‌ها معمولاً کم‌قطر و دارای تصویر است. فعالیت‌ها را به صورت تصویری می‌بینند و سپس آن‌ها را انجام می‌دهند. معمولاً این مهارت‌آموزی‌ها می‌تواند به مرور از مدرسه به خانه وارد شود. یعنی یک زندگی جدید در مدرسه تجربه می‌شود. آن‌ها حتی تکالیف را به خانه نمی‌برند. دور هم انجام می‌دهند. این حالت هم نوآوری و هم نشاط ایجاد می‌کند.

در اسناد بالادستی ما نیز به کسب مهارت‌ها و رسیدن به مراتبی از زندگی متعالی اشاره شده است. آیا این نظام تعریف شده ما را به حیات طیبه می‌رساند؟

در یک نگاه ما با مدرسه در ارتباطیم. از اساسی‌ترین مباحث ما در آموزش و پرورش، نداشتن مدارس استاندارد است. مدارس ژاپن در کوچک‌ترین یا بزرگ‌ترین شهرها با هم تفاوتی ندارند. زمین ورزش و سالن غذاخوری دارند. مدارس دولتی باید بیش از این تجهیز شوند. آرزوی ما این است که روزی هر کودک چگونه درست اندیشیدن را بیاموزد تا خود بتواند خویشتن را بیابد و چرایی زیستن را جست‌وجو کند که همانا هوش معنوی است.

استعدادیابی مهارت من است

حمید موسی‌زاده، آموزگاری که بچه‌ها را به همکاری و اختراع تشویق می‌کند

محمود یحیوی
عکاس: اعظم لاریجانی



مؤثر باشد. دیگر اینکه آن‌ها بتوانند کارهای خود را در جشنواره‌هایی مانند جابر ارائه دهند و باز خورد بگیرند. هر چند این ایده‌ها کوچک و ابتدایی هستند، اما با حمایت بزرگ‌ترها می‌توانند به طرح‌های بزرگ تبدیل شوند. نبوغ این بچه‌ها قابل تقدیر است. آن‌ها از بین هشت گروه حاضر در دبستان اول شده‌اند.

آیا فعالیت‌های دیگری هم به دانش‌آموزان خود محول می‌کنید؟

بله. چون کلاس ما هوشمند و تعاملی است، از بچه‌ها می‌خواهم برخی مطالب درسی را که قابلیت داشته باشند، به فیلم تبدیل کنند و در کلاس نمایش دهند. صحبت کردن درباره‌ی نحوه‌ی کار و ارائه‌ی کنفرانس نیز از دیگر فعالیت‌های دانش‌آموزان من است.

در کلاس، سایتی را با کمک اولیای دانش‌آموزان راه‌اندازی کرده‌ایم تا بعد از مدرسه هم بتوانیم فعالیت‌های آموزشی

آقای موسی‌زاده شما در فن استعدادیابی مدرسه‌ای توانا شده‌اید؟ چگونه چنین مهارتی کسب کرده‌اید؟

خواهش می‌کنم. برحسب وظیفه و علاقه، هر سال تحصیلی که کلاس‌ها شروع می‌شود، به توان و فعالیت‌های بچه‌ها توجه می‌کنم و دانش‌آموزانی مانند این افراد را شناسایی می‌کنم. این‌ها بسیار علاقه‌مند به دست‌ورزی و انجام فعالیت‌های مهارتی و اختراع هستند.

این دانش‌آموزان چه طرحی دارند؟ این‌ها با هم‌فکری و همکاری خود ایده‌ی ساخت زیردریایی را مطرح و به شکلی که می‌بینید اجرا کرده‌اند.

چگونه می‌توان دانش‌آموزان ابتدایی را در راه مطالعه و نوآوری تشویق کرد؟

تیزبینی اولیای خانه و مدرسه می‌تواند

اشاره

حمید موسی‌زاده آموزگار دبستان شهید بهشتی منطقه‌ی شش تهران است. تا لحظه‌ای که داشتیم با او گفت‌وگو می‌کردیم، ۲۹ سال سابقه‌ی خدمت داشت. او دلبستگی‌های خاصی به شناسایی دانش‌آموزانی دارد که از خود استعداد و مهارت‌های علمی و عملی نشان می‌دهند. به دفتر مجله که آمد، گفت: «دانش‌آموزان کلاس پنجم به نام‌های محمدعماد عنایتی آشتیانی، مهدیار بهبود و ایلیا هادی را معرفی می‌کنم. آن‌ها با ساخت زیردریایی، خود را برای حضور در جشنواره‌ی دانش‌آموزی جابر بن حیان آماده می‌کنند.» صحبت را با این آموزگار استعدادیاب آغاز می‌کنیم. با ما همراه باشید.

موسی زاده می گوید: «همیشه نوعی انگیزه در آموزگاران وجود دارد که به دانش آموزان خود توجه می کنند و در فرایند یاددهی یادگیری، از علاقه ها، دل بستگی ها و توان آن ها اطلاعاتی به دست می آورند.

چون این بچه ها را از پایه های پایین تر می شناسم، آن ها را رو به مسیری که در آن توانایی دارند، مانند دست و ورزی و فعالیت های مهارتی، پیش می برم. اکنون که آن ها خود را شیفته ی مطالعه و اختراع نشان می دهند، باید کمکشان کرد. آن ها از وسایل ارزان و قابل بازیافت استفاده کرده اند و این کار به نظر من بسیار مهم است.» این بار دومی است که با این آموزگار پایه ی پنجم دیدار می کنیم. او قبلاً دو دانش آموز دیگر را شناسایی و راهنمایی کرده بود که موفق به ساختن چند وسیله مانند دزدگیر یا اجاق خورشیدی شده بودند. درباره ی آن ها می گوید: «در پایه ی هفتم مشغول تحصیل هستند و مطمئناً از لحاظ علمی شکوفا می شوند.»

عنایتی درباره ی طرح خود می گوید: «اول می خواستم برای حضور در جشنواره ی جابر بشقاب پرند بسازم. البته چون وسایل دم دستی و دور ریز را انتخاب کرده بودم، دیدم که ظاهر کار به زیردریایی شبیه تر است. بنابراین، با تغییراتی، آن را در آب آزمایش کردم.»

مهدیار بهبود درباره ی زیردریایی خود می گوید: «مشکلی داشت که زیر آب نمی رفت. با راهنمایی آقای موسی زاده چند کتاب علمی مطالعه کردم. بعد از آن، چند وزنه ی کوچک در وسیله ام گذاشتم تا به زیر آب برود. من با دو دوست دیگرم همفکری می کنم. کار گروهی بهتر است.»

ایلیا هادی هم زیردریایی ساخته است. او می گوید: «باید روی شکل ظاهری این زیردریایی بیشتر مطالعه کنم تا نقص های آن را از بین ببرم. ضد آب کردن وسیله مهم است. در آینده باید بتوانم به کنترل از راه دور این زیردریایی هم فکر کنم.»

را با یکدیگر به اشتراک بگذاریم. با این امکان، حتی می توان برای تابستان بچه ها برنامه ریخت و تعطیلی را با برنامه و با انگیزه کرد. چون آن ها به پایه ی ششم نزدیک می شوند و برخی هم با تغییرات رشد روبه رو می شوند، خوب است این ارتباط حفظ شود.

آیا از دوره ی تحصیل خود در ابتدایی خاطره یا سخنی دارید؟

بچه های الان امکانات خوب و آموزگاران با انگیزه و تحصیل کرده ای دارند. در دوره ی ما گاهی آموزگاران نمی توانستند به کلاس بیایند و یکی از اقوامشان را به جای خود می فرستادند. این افراد گاهی تحصیلات بالا و تجربه ی کافی نداشتند و در نتیجه کار کلاس به سختی پیش می رفت.

دانش آموزان دبستان شهید بهشتی بچه های باهوشی هستند. **محمد عماد**



پدچیدگی در عین سادگی

نگاهی به فرصت‌های متنوع یادگیری در مدرسه

لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

مهنّا اعتمادی

مدیر دبستان دخترانه شاهد تجلی، منطقه ۴ تهران

فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری آن‌ها از طریق برنامه‌ریزی محتوا و اجرای آن خواهد بود. براساس این قدم تأثیرگذار، مقاصد آموزشی و تربیتی و ایجاد محتوایی که بتواند در راستای تحقق آن اهداف تعیین و اجرا شود، می‌تواند به خلق فرصت یادگیری بینجامد.

در مدرسه‌ی ما

کتابخانه از جمله منابع ارزشمند در مدرسه است. همواره این فکر که چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان را بیش از پیش در مواجهه با آن قرار دهیم، در ذهنمان بود. به همین دلیل، بعد از جلسات بارش فکری با همکاران، به‌دسته‌بندی و افزودن حالت‌هایی پرداختیم که دانش‌آموزان می‌توانند با کتاب و کتاب‌خوانی روبه‌رو باشند. اولین حالت کتابخانه‌ی مدرسه است. طوری برنامه‌ریزی کردیم که دانش‌آموزان بتوانند مطابق برنامه‌ی هفتگی خود، یک جلسه در هر هفته در آن حضور داشته باشند. این ساعت به کتاب‌خوانی اختصاص دارد و آن‌ها با هدایت معلم، از یک رده‌ی موضوعی کتاب، کتابی را

استفاده از آن، قابل قیاس است.

فرصت‌های یادگیری تمامی شرایطی است که در آن امکان یادگیری برای دانش‌آموز فراهم می‌شود و به همین سبب تنوع و گوناگونی بسیاری دارد، تا جایی که برای تأثیرگذاری بیشتر آن می‌توان مجموعه فرصت‌های یادگیری را در سطوح متفاوتی دسته‌بندی کرد. نمونه‌های پیش‌رو تعداد اندکی از فرصت‌های بسیار یادگیری قابل دسترس در مدارس هستند که تلاش شده است ضمن اشاره به آن‌ها، نمونه‌های عملیاتی آن‌ها با کمک تجربه‌های دبستان شاهد تجلی منطقه‌ی چهار تهران بازنمایی شود.

کتاب، فرصتی بی‌بدیل

برخی از فرصت‌های یادگیری، به لحاظ میزان و عمق تحریک ذهن دانش‌آموزان و درگیر کردن آن‌ها با موضوع و مقصودی خاص دسته‌بندی می‌شوند. در طبقه‌بندی دیگر، فرصت‌های یادگیری به جهت میزان سهولت دسترسی و قابلیت بهره‌برداری آن توسط دانش‌آموزان، قابل اعتنا هستند. بر این اساس، مهم‌ترین گام، شناسایی

اشاره

یکی از ویژگی‌های بارز در مدرسه‌ی مطلوب، ایجاد محیطی محرک برای یادگیری مؤثر و عمیق بخشیدن به یادگرفته‌های دانش‌آموزان است. در این نگاه، لازم است معلم و دیگر مربیان تلاش کنند محیطی را که موجب انگیزش و توجه در دانش‌آموز می‌شود، شناسایی و فراهم آورند. به بیان دیگر، نقش معلم در این زمینه، تلاش برای شناخت مخاطب، ویژگی و علاقه‌مندی او و نیز ویژگی‌ها و شرایط محیط است تا با تطبیق آن‌ها با یکدیگر، امکان بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌های یادگیری ایجاد شود.

فرصت‌هایی در دسترس

حتماً مثال ندیدن جنگل هنگامی که درست مقابل آن ایستاده‌ایم را شنیده‌اید. در چنین زمانی، به لحاظ در دسترس بودن بیش از اندازه، مؤلفه‌ی مورد نظر از چشم پنهان می‌ماند. مثال یاد شده در شناخت فرصت‌های یادگیری، یافتن و



برنامه‌های گوناگون، اعم از نمایشگاه کتاب یا قصه‌خوانی، یا در کلاس‌ها به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

گروه، فرصتی نایاب

از جمله فرصت‌های یادگیری ارزشمندی که در مدرسه به سهولت در اختیار معلم قرار دارد، گروه‌های دانش‌آموزی است. این همان فرصتی است که بسیاری از اندیشه‌پردازان برای به عمل درآوردن نظریات خود از آن به عنوان آرزویی که به سهولت در اختیارشان نیست یاد می‌کنند. آن‌ها ممکن است بتوانند فرزندان خود یا دوستان آن‌ها را در اختیار بگیرند و به مشاهده یا اجرای برنامه‌های نظری خود اقدام کنند، اما هرگز جمع دانش‌آموزان یک مدرسه که در اغلب موارد در یک توزیع طبیعی قرار گرفته‌اند، در همه جا ممکن نیست. این در حالی است که گروه‌های دانش‌آموزی، علاوه بر اینکه می‌توانند برای نظریه‌پردازان و دیگر عوامل در تعلیم و تربیت منبعی ارزشمند در راه کسب اطلاعات مفید باشند، برای خود دانش‌آموزان

پیش از گذشتن از موضوع کتاب و کتاب‌خوانی، به فرصت‌های بی‌شمار مرتبط با همین مقوله نیز می‌توان اشاره کرد که در آن دانش‌آموزان با تجربه‌ی انجام فعالیت‌های گوناگون می‌توانند از کتاب‌خوانی صرف به دنیایی از فرصت‌ها وارد شوند که هر کدام مجموعه‌ی منحصربه‌فردی از یادگیری را در دل خود دارد.

در مدرسه‌ی ما

یکی از فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان علاقه‌مند می‌توانند در آن شرکت کنند، آشنایی با قصه‌نویسی است. در این فعالیت، دانش‌آموزان از ابتدای سال تحصیلی با حضور در کلاس‌هایی ویژه، با ادبیات برخی کتاب‌های برجسته و داستان‌های موفق آشنا می‌شوند و به شیوه‌ی اکتشافی با برخی اصول داستان‌نویسی مانند گره‌افکنی، اوج و گره‌گشایی آشنا می‌شوند. در طول این جلسات، آن‌ها آمادگی پیدا می‌کنند داستان‌هایی بسازند و بنویسند. مجموعه داستان‌های آن‌ها در

انتخاب و مطالعه می‌کنند و به شیوه‌های گوناگون اطلاعات دریافتی خود را به دوستانشان انتقال می‌دهند.

حالت دیگر، کتابخانه‌ی کلاسی است. هر کلاس با کتاب‌های خاص آن پایه و خواندنی‌های مفیدی که گاهی خود دانش‌آموزان اهدا می‌کنند مجهز شده است. این کتاب‌ها گاهی توسط معلم برای تکمیل یا ارائه بخشی از درس استفاده می‌شوند و دانش‌آموزان از این طریق با محتوای کتاب و فعالیت کتاب‌خوانی روبه‌رو می‌شوند. علاوه بر این، می‌توانند کتابی را از این کتابخانه، همانند کتابخانه‌ی مدرسه، امانت بگیرند و به خانه ببرند.

حالت سوم کتابخانه‌ی آزاد است؛ کتابخانه‌ی کوچکی در گوشه‌ای از سالن مدرسه در بخش ورودی، با نیمکتی برای نشستن قرار داده شده است. دانش‌آموزان می‌توانند کتاب‌های این کتابخانه‌ی کوچک را برای گذران زمان خود در ساعات تفریح و بیکاری در مدرسه، در همان جا مطالعه کنند.



هم منبعی برای یادگیری‌های بیشتر و تنوع در کسب تجربه‌های گوناگون هستند.

در مدرسه‌ی ما

یکی از فعالیت‌های خاص مدرسه در مواجهه با گروه‌های دانش‌آموزی و به ویژه در برخورد با فعالیت‌های آزاد مانند ساعات تفریح، تعیین مسئولیت‌هایی برای دانش‌آموزان است که مبتنی بر اثربخشی آن‌ها در رابطه با یکدیگر و نیز بهره‌مند شدن از حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در اداره‌ی امور مدرسه است. دارنده‌ی این مسئولیت با عنوان «یاور» در مدرسه معروف است و هر دانش‌آموز می‌تواند در زمینه‌ی خاص مورد علاقه و توان خود یکی از نقش‌های یآوری را انتخاب و برای دوره‌ی خاصی آن را تجربه کند. برای مثال، یاور بازی در ساعت تفریح، فردی است که می‌تواند برای اجرای بازی گروهی خاص از دانش‌آموزانی که تمایل دارند، برنامه‌ریزی کند. این بازی‌ها غالباً گروهی، ساده و در عین حال به سابقه‌ی بازی در ایران وابسته هستند؛ مانند عمو زنجیر یاف.

در عین حال، هر دانش‌آموز یاور حل مسئله برای خودش و دوستانش است و برای حل مسائلی که با دوستان خود اختلاف‌نظر دارد، می‌تواند به محل مناسبی که در حیاط مدرسه به آن اختصاص داده شده است مراجعه کند تا ضمن گفت‌وگو با دیگران موضوع را شناسایی و حل کند. در نزدیکی این مکان، مشاور مدرسه نیز حضور دارد تا در مواقع ضرورت و احتیاج که دانش‌آموزان و در واقع یاوران درخواست یاری می‌کنند، راهنمایی لازم را ارائه دهد. این کار به توفیق مهارت ارتباطی دانش‌آموزان با یکدیگر و غلبه‌ی گفت‌وگو و تفکر، قبل از اقدام قهری، کمک بسیاری می‌کند.

جشنواره، فرصتی شیرین

از دیگر فرصت‌های یادگیری در مدارس، استقبال و توجه به جشنواره‌های گوناگون علمی و فرهنگی است. ممکن است در برخی موارد مدرسه جشنواره‌ای را طراحی

و اجرا کند و در مواقع دیگر، نهادها یا مسئولان آموزش و پرورش یا مدارس دیگر. در هر دو شکل، جشنواره‌ها نقش فرصتی را بازی می‌کنند که می‌تواند به شکل‌گیری یادگیری نوین یا تعمیق یادگرفته‌های گذشته و بسط آن کمک کند. هنگامی که مدرسه شرکت در جشنواره را دستاویزی برای تبلیغ خود یا اهرمی برای وادار کردن دانش‌آموزان به رقابت با یکدیگر و یادگیری بیشتر تبدیل می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت چنین شرایطی زمینه‌ی مناسبی برای یادگیری دانش‌آموزان باشد. قرین ساختن فرصتی مانند جشنواره‌ها با جوی سرشار از رقابت بین فردی، معنا و مقصودی متفاوت از انتظارات آموزشی و تربیتی، به ویژه برای گروه سنی کودکان در دوره‌ی ابتدایی، رقم می‌زند و می‌تواند بیراهه‌ی نامناسبی در مسیر یادگیری دانش‌آموزان ایجاد کند.

از دیگر موارد مؤثر در ارزشمندسازی و افزایش تأثیرات جشنواره به مثابه فرصت یادگیری در زندگی دانش‌آموزان، ارائه‌ی راهکارهای روشنگر به آنان و هدایت در انجام مراحل شرکت در جشنواره است. برای مثال، در مسابقات جابربن حیان که یکی از اهداف متصور در آن پرورش روحیه‌ی کاوشگری و آشنایی و توانمندسازی دانش‌آموزان در امر پژوهش است، دانش‌آموزان نیازمند راهنمایی‌هایی برای چگونگی انجام کار

در مدرسه‌ی ما

یکی از برنامه‌های سالانه‌ی مدرسه، شناسایی برنامه‌ها اعم از جشنواره‌ها و مسابقاتی است که می‌توانند مخاطب خاصی از بین دانش‌آموزان ما داشته باشند و ذائقه‌ی آنان را سیراب و خشنود کنند. بر این اساس، تمامی برنامه‌های مؤثر و مفید شناسایی و سپس به دانش‌آموزان معرفی می‌شوند. برای هر برنامه، از بین همکاران و نیز از بین دانش‌آموزان عضو شورای دانش‌آموزی، افرادی به عنوان پیگیر و هماهنگ‌کننده انتخاب می‌شوند تا بتوانند شرح و جریان اجرا را در مدرسه دنبال کنند. این برنامه‌ها گستره‌ای علمی و فرهنگی و هنری و ... را شامل می‌شود و همین تنوع کمک می‌کند از تک‌بعدی نگری که به دنبال خود از دست دادن توجه گروهی دیگر از دانش‌آموزان را به همراه دارد پرهیز شود.

شمع شدی سوختی!

محمدرضا حیدری
آموزگار چند پایه، ناحیه ۴ قم

اشاره

من خودم هم فکر می‌کنم بی‌حوصله بودن و اهمیت ندادن به بعضی چیزهای مهم، مثل یک بلاست که دست انداخته و گلوی خیلی از ماها را می‌فشارد. پس شما هم مثل ما کمی حوصله به خرج بدهید و این متن صمیمی را که پیام خوبی دارد، بخوانید و به محمدرضا حیدری و شاگردش تبریک بگویید.



شعله شدی، سوختی، تا هنرت را به من آموختی.»
یک جوری شدم. ماتم بُرد، بس که انتظارش را نداشتم. حال خوبی به من دست داد و به معنای دقیق کلمه حظّ وافر بردم. این تک بیت که شونصد بار از این و اون شنیده بودم، روی تخته دیده بودم، تو نامه‌ی بچه‌ها خونده بودم، و روی تابلوهای اعلانات اداره‌های آموزش و پرورش جا خوش کرده بود و از آن رو برگردانده بودم، بهم خیلی چسبید. خیلی خیلی بیشتر از صبحانه‌ی آن روز صبح و چای بعدش مزه کرد. پیش خودم فکر کردم چه خوب شد به او نگفتم باشد بعداً یا فعلاً وقت ندارم و از اینجور حرف‌ها. از طرف دیگر، خیالم راحت شد ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر هیچ کاربری در هیچ یک از شبکه‌های اجتماعی، زیر استتوس هیچ یک از شاگردانم مرا سرزنش و قضاوت نخواهد کرد که مثلاً می‌مردی و دو دقیقه به حرف طفل معصوم گوش می‌دادی مردک بی‌احساس؟ و بعدتر هم، توی کوچ‌های منتهی به نانوایی، به این فکر می‌کردم چقدر از این موقعیت‌ها پیش آمده که با این «باشد بعداً»‌ها آن را له کرده‌ایم! چقدر زیاد از این فرصت‌ها برای همه‌مان پیش آمده و ما دکش کرده‌ایم!

صدای زنگ تفریح که در آمد، از بچه‌ها خواستم دفتر و کتاب‌ها را جمع کنند و بروند بیرون. خودم هم با عجله کتابی را که دستم بود بستم و به دو رفتم سمت در کلاس. صبح موقع آمدن دیدم که نانوایی روستا بربری می‌پزد، ولی خب صبح‌ها صفش آن قدر شلوغ است که ترجیح می‌دهم زنگ تفریح اول بروم سمتش. هنوز در کلاس و دو تا آجر پشتش را کنار نزده بودم و حجم بیشترم تو کلاس بود که محمدمهدی با روپوش سبزرنگی که آن را از روپوش سرمه‌ای پوش‌های کلاس متمایز می‌کند جلویم را گرفت که آقا یک چیزی می‌خواهم به شما بگویم. به ذهنم آمد که مثل بیشتر وقت‌ها به او بگویم الان نه، بذار برای بعد و بروم سراغ کار خودم. فکر می‌کردم این بار هم که برسم نانوایی، یکی را می‌بینم که دارد بغل بغل نان می‌چیند توی صندوق عقب ماشینش و به من می‌گوید نان تمام شده. و باز هم دست من از نان تازه کوتاه می‌ماند. ولی ترجیح دادم دست راستم را از پشت گردن محمدمهدی رد کنم و بذارم روی شانه‌ی راستش. بعد سرم را خم کنم و به او بگویم: «همین‌طور که با هم داریم از کلاس و سالن می‌گذریم تا هر دو به کارمان برسیم، تو هم حرفت را بگو». که ایستاد و با چشم‌های لبریز از شوق به من گفت: «شمع شدی،

فکر ندارد باز هم معلم می شوم

دکتر زهرا بازرگان

اشاره

معلمی مثل بسیاری از مشاغل، علاوه برداشتن تخصص و توانایی علمی و حرفه‌ای، چیز دیگری هم نیاز دارد که ما به آن عشق و شوق می‌گوییم. بسیاری از معلمان، با علاقه و چشم باز این شغل و حرفه را آگاهانه انتخاب می‌کنند و برای این حرفه از دل و جان مایه می‌گذارند. در این نوشتار، نگارنده بر آن است که به این موضوع با بیانی دیگر بپردازد. دکتر زهرا بازرگان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دارای دکترای روان‌شناسی از بروکسل بلژیک است. وی در طول سه دهه‌ی گذشته، ریاست اداره‌ی آموزش کمیسیون ملی یونسکو در ایران را نیز به عهده داشته و همایش‌های متعددی را در سطح ملی و بین‌المللی برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش در ایران هدایت و اجرا کرده است.

خانم بازرگان دارای تألیفات بسیاری است که مخاطبان و به ویژه معلمان، مدیران مدارس، مربیان و دانشجویان را با گرایش‌های جدید در آموزش و پرورش و تجربه‌های موفق تدریس و فرایند یادگیری آشنا می‌سازد و به انجام نوآوری‌های آموزشی تشویق می‌کند.

در کلاس چهارم دبستان در فاصله‌ی دو درس، زمانی که متوجه خستگی بچه‌ها می‌شوم، از آن‌ها می‌خواهم کتابشان را ببندند تا به فعالیتی متفاوت بپردازیم. دانش‌آموزان همیشه از تغییر فعالیت‌ها، به‌خصوص در آخرین ساعت کلاس، استقبال می‌کنند. گویی دوباره انرژی خود را باز می‌یابند. می‌گویم: «می‌خواهم سؤالی از شما بپرسم.» - «آیا تا به حال به شغلی که دوست دارید در آینده داشته باشید، فکر کرده‌اید؟ دل‌تان می‌خواهد چه کاره بشوید؟» به مرجان، اولین شاگرد ردیف جلو که مدادش را به دندان گرفته اشاره می‌کنم و به شوخی می‌گویم:

- خانم، مداد مال نوشتن است نه جویدن!

مرجان مداد را از دهانش در می‌آورد و با شرمندگی می‌خندد.

می‌پرسم:

- تو دلت می‌خواهد چه کاره بشوی مرجان؟

بلافاصله می‌گوید:

- دکتر مغز و اعصاب.

تعجبی ندارد، پدر مرجان متخصص مغز و اعصاب است. این را مرجان بارها در کلاس گفته است. به نظر می‌رسد پاسخ او نوعی همانندسازی با پدری است که عادت دارد همیشه حرف آخر را بزند

و غالباً تنها تصمیم‌گیرنده‌ی خانواده است. به خود می‌گویم، بالاخره یک روز مرجان آنچه را دوست دارد انجام می‌دهد، نه آنچه برایش تصمیم‌گیری می‌شود.

شیوا نفر پهلودستی او می‌گوید:

- من می‌خواهم طراح جواهر بشوم. نمی‌دانم، شاید هم طراح پارچه! من بارها مهارت او را در کشیدن خطوط و انتخاب رنگ‌ها در نقاشی‌هایش تحسین کرده‌ام. سه تا از نقاشی‌ها و خط‌های او را به دیوار کلاس زده‌ایم. تردیدی ندارم که او روزی به دنیای زیبا و اعجاب‌انگیز هنر خواهد پیوست.

یاسمن کنار شیوا به دیوار تکیه داده است و با تحسین او را می‌نگرد.

می‌پرسم:

- شما چی یاسمن؟

دستش را جلوی دهانش می‌گیرد تا لبخندش را ببوشاند. خجالتی

است و اعتماد به نفس کافی ندارد. یکی از بچه‌ها داد می‌زند:

- خانه‌دار، خانم!

بعضی‌ها می‌خندند. می‌گویم:

- ساکت هر انتخابی که آدم بکند، اگر واقعاً انتخاب خودش باشد،

ارزشمند است. ضمناً همه‌ی خانم‌ها، هر کاری هم که به عهده داشته

باشند، باید خانه‌دار خوبی هم باشند.

یاسمن بالاخره خواسته‌ی خود را آهسته و با احتیاط به زبان می‌آورد:

- شاید دکتر شوم.

یاسمن زیر سنگینی شخصیت قوی خواهر بزرگ‌تر خود کمتر

جرئت عرض اندام داشته است. درسش خوب نیست. زود به گریه

می‌افتد و از پس حل مسائل و اختلافات کوچک خود با سایر

هم‌کلاسی‌ها بر نمی‌آید. سعی می‌کنم با نگاهم با حرکت سرم و با

کلامم تأییدش کنم. می‌گویم:

- می‌دانم که اگر روزی دکتر بشوی، دکتر خوب و با وجدانی

خواهی شد.

خودش را کمی عقب می‌کشد، تکیه می‌دهد و شانه‌های افتاده‌اش

را کمی بالا می‌کشد. فیروزه می‌خواهد و کیل شود. مثل عمویش. و

مینا فضاوردی را انتخاب می‌کند.

برایم جالب است. آن سال‌ها، زمانی که من به مدرسه می‌رفتم،

اگر چنین سؤالی از ما می‌کردند، انتخابمان بسیار محدود بود.

مشاغل زیادی را نمی‌شناختیم. مادرها اکثراً خانه‌دار بودند و پدرهای

اطرافمان شغل‌های ساده‌ای داشتند. در آن زمان، اغلب دخترها

دوست داشتند معلم بشوند، زیرا معلم را دانشمندترین و مهم‌ترین

بزرگسال اطراف خود می‌دیدند. اما امروزه محدودیت‌های اقتصادی این حرفه، شرایط نامطلوب کاری و انعکاس نارضایتی معلم‌ها در جامعه، بدون شک بر انتخاب دانش‌آموزان اثر گذاشته است. زهرا دختر کنجکاو و پرشور کلاس ناگهان می‌پرسد:

– شما چی خانم؟ غیر از معلمی کار دیگری را دوست دارید؟

بچه‌ها با شیفتگی فریاد می‌زنند:

– بله خانم، شما چی؟...

حالا من باید جواب دانش‌آموزان را بدهم. به راستی اگر قرار بود دوباره انتخاب کنم، چه می‌کردم؟ خیلی از مردم شغلشان را عوض می‌کنند. شوهرم سومین کارش را یک هفته پیش شروع کرد. پسر من به هنگام انتخاب رشته‌ی مورد علاقه‌اش، وقتی متوجه تردید من و پدرش شد، گفت: «اگر رشته‌ام را دوست نداشتم انصراف می‌دهم و رشته‌ی دیگری را انتخاب می‌کنم.» پرسیدم: «اگر ادامه دادی و شغلت را دوست نداشتی چه می‌کنی؟»

بلافاصله گفت: «آن وقت شغلم را عوض می‌کنم. بازار امروز آدم‌های چند مهارتی را می‌طلبد!»

همه‌ی مشاغلی را که می‌شناسم در ذهنم مرور می‌کنم. سعی می‌کنم بفهمم کدام شغل است که این همه شور و هیجان، این همه تازگی و در عین حال این همه چالش در خود نهفته دارد. کدام شغل است که هر سال و هر ماه با آنچه سال قبل، ماه قبل و روز قبل بود، تفاوت دارد، زیرا هر روز رویداد تازه و تحولی تازه را نوید می‌دهد.

امروز در آخرین ماه سال تحصیلی، پریسا همان دانش‌آموزی نیست که روز اول مهر وارد کلاس شد. او نمره‌گرا، مضطرب، ناراحت و پریشان بود. مادرش همه‌ی شب‌ها با او کار می‌کرد و برای هر نمره یا وضعیت کمتر از انتظار، از او بازخواست می‌کرد.

و من بودم که در طول روز در کلاس باید تنش و اضطراب پریسا را با میانجی‌گری تا حدودی حل می‌کردم تا آرامش نسبی برای او در خانه و کلاس برقرار شود.

در گذشته پدر و مادرها شکایت فرزندانشان را به مدرسه می‌کردند و معلم را برای ایجاد خشونت در تربیت بچه‌ها به مشارکت می‌طلبیدند. امروز بر عکس، معلم‌ها تعدیل روش‌های تربیتی خشونت‌آمیز خانواده را هم از رسالت‌های خود می‌پندارند و برای حل هر مشکلی، خانواده، مدرسه و خود کودک را به یاری می‌طلبند. یاسمن کم‌کم دارد یاد می‌گیرد خود را از زیر نفوذ خواهر بزرگ‌ترش بیرون بکشد. مینا بالاخره وجود برادر کوچکش را پذیرفته و عکس نوزاد را در حالی که در آغوش او جای گرفته، به من نشان داده است. مهسا به‌رغم تکررهای روزها و هفته‌های اول مدرسه، حالا متوجه شده است که دیگران هم حقوق و احترامی دارند و او نیز در برابر خود و دیگران مسئولیت دارد. مریم مدت‌ها تلاش کرد به من یاد دهد او را کشف کنم. به درس‌هایش علاقه‌ی چندانی ندارد. زنگ ورزش بود که متوجه توانایی‌های بی‌نظیر حرکتی او شدم. از همه جابک‌تر است و سریع‌تر می‌دود. با اینکه در کلاس فعالیت چندانی ندارد، در زمین ورزش رهبری فعالیت‌ها و مسابقه‌ها را به عهده می‌گیرد و داوری می‌کند. روز گردش علمی در طبیعت، سیما از کنار من تکان نمی‌خورد و در حالی که بچه‌ها از روی تپه‌ها و تخته‌سنگ‌ها با سر و صدا

بالا می‌رفتند، او برایم از بچه‌گربه‌اش، از کلکسیون تمبر برادرش، از بیماری مادرش، بیم‌ها و نگرانی‌هایش سخن گفت و من در این فرصت کوتاه بیرون از کلاس، توانستم با علاقه‌ها، نیازها و انتظارات این دانش‌آموز حساس و با استعداد آشنا شوم.

مادر من روان‌شناس است. مقاله‌های او را مرتب می‌خوانم و از آنجا که مسیر من به خانه یکی است، در طول راه با هم از کودکان و توانمندی‌های شگفت‌انگیزشان، از ندانم‌کاری‌های بزرگ‌ترها در خانه و مدرسه و از راهبردهای مناسب برای رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان صحبت می‌کنیم. ریحانه را معلم کلاس سوم به من سپرده است و تجربه‌های مثبت خود در رابطه با آموزش این کودک با توانمندی‌های محدود را با من در میان گذاشته است تا من هم به نوبه‌ی خود سهمی در پرورش و تقویت استعدادهای او داشته باشم و بتوانم کار او را ادامه دهم.

من دیگر در انزوای کلاس تدریس نمی‌کنم، زیرا دانش و تجربه‌های همکارانم و صدها کتاب و مقاله و پایگاه اینترنتی در اختیار دارم که مسیر پر پیچ و خم آموزش و پرورش را برایم هموار می‌سازد. معلمی دیگر یک شغل نیست. حرفه‌ای استثنایی است. به راستی، کدام حرفه است که انجام آن، این همه عشق، صبوری، خلاقیت، دانش، نگرش و مهارت می‌طلبد و مشاهده‌ی بازده و نتایج نیکوی آن در پایان سال، این همه غرور و رضایت و در همان حال احساس دلتنگی جدایی از عزیزترین‌ها را به همراه دارد؟

بچه‌های کلاس به دهانم چشم دوخته‌اند و منتظر جواب من هستند. آن‌ها می‌خواهند بدانند

که اگر می‌توانستم دوباره انتخاب کنم، چه حرفه‌ای را انتخاب می‌کردم؟ جواب من به آن‌ها، صریح، سریع و روشن است: «فکر ندارد، باز هم معلم می‌شوم.»





تمرین دادن توپ مغز با راکت فکر

دکتر نیره شاه‌محمدی

بازی ابزار رشد تفکر

مقدمه

وقتی کودک به سن مدرسه می‌رسد، به جز کارها و تکلیف‌های مدرسه‌ای، آموزش‌های دیگری مانند موسیقی، نقاشی، شنا و غیره مورد توجه قرار می‌گیرند. در این سن، دانش‌آموز می‌تواند مثلاً شعر جدیدی را از سنتور خود به گوش دیگران برساند، بدون ترس به استخر ببرد و شناکنان خود را به طرف دیگر آن برساند. روشن است که توانایی و هنر همیشه احترام انگیز است. آشنا کردن دانش‌آموز با ورزش و شعر و غیر آن و ایجاد مهارت نسبی در آن‌ها، خیلی خوب است، ولی مهم‌ترین توانایی که می‌تواند برای دانش‌آموز آینده‌ساز باشد، قدرت تفکر و تقویت آن است.

کلیدواژه‌ها: بازی، تفکر، رشد تفکر فکر کن!

فکر آدمی را می‌توان همچون بازی تنیس یا هنر خیاطی تمرین داد و بهتر کرد. اگر

معلم وجود ندارد، به این نکته هم باید توجه داشت که به خصوص سه سال اول مدرسه از لحاظ تکامل فکری کودک سال‌هایی سرنوشت‌ساز هستند و اگر این فرصت از دست برود، جبران آن بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است.

ممکن است به نظر آید ارزیابی میزان تفکر کار ساده‌ای است و می‌توان با توجه به مقدار موفقیت دانش‌آموز در درس‌های خود، به آن پی برد. اگر دانش‌آموز خوب درس بخواند و نمره‌های بالا بگیرد، پیشرفتی رضایت‌آمیز خواهد داشت، ولی اگر نمره‌های او از متوسط به پایین باشد، باید نسبت به پیشرفت او نگران بود. ولی تجربه‌ی معلم نشان داده است که موفقیت‌های درسی دانش‌آموز، در بیشتر موارد به پشتکار و ضمناً قدرت حافظه‌ی او، نه به نیروی تفکر، مربوط می‌شود. آموزگار با طرح مسئله‌هایی، متناسب با سن کودک و خارج از کتاب درسی، هم می‌تواند میزان رشد تفکر دانش‌آموز را ارزیابی کند. حسن این گونه مسئله‌ها در

توان تفکر دانش‌آموز در جهت‌های گوناگون پیش رفته باشد، هیچ کار تازه‌ای او را نگران نمی‌کند و در زمانی کوتاه، خود را با وضع تازه تطبیق می‌دهد و بر آن مسلط می‌شود. اگر کسی بخواهد در زمینه‌ی موردعلاقه‌ی خود آفریننده باشد، ذهنی خلاق داشته باشد و بر محیط خود اثر بگذارد، به رشد فکری در حد بالای خود نیاز دارد.

خیلی از پدرها و مادرها امید دارند وقتی کودک خود را به دبستان فرستادند، او بتواند راه فکر کردن را یاد بگیرد. البته این یک واقعیت است که مدرسه اندیشیدن را پیش می‌برد، ولی باید توجه داشت که در مدرسه، این جنبه جزئی از یک کل است، چرا که کار معلم تنها پرداختن به این موضوع نیست. او باید خیلی چیزها به کودک بیاموزد و توانایی‌های گوناگونی را در او به‌وجود آورد (مثل حساب کردن، نوشتن، خواندن). از طرف دیگر، به خاطر زیاد بودن تعداد افراد کلاس (در هر کلاس بیش از ۴۰ نفر)، امکان توجه به تک‌تک دانش‌آموزان برای



- پرویز از سوسن مؤدب‌تر است. سوسن از مریم مؤدب‌تر است. کی از همه مؤدب‌تر است؟
- فرشته ۴ کیلو سبک‌تر از توکاست.
فرشته ۲ کیلو سنگین‌تر از مریم است. کی از همه سبک‌تر است؟

برای کلاس دوم

- جمشید بلندتر از فرزاد است. جمشید غمگین‌تر از افشین است. جمشید کوتاه‌تر از افشین است. جمشید خوش‌حال‌تر از فرزاد است. کی خوش‌حال‌تر و کی بلندتر است؟
- جواد قوی‌تر از احمد است. احمد به اندازه‌ی داریوش مؤدب نیست. داریوش ضعیف‌تر از جواد است. جواد مؤدب‌تر از احمد است. کدام پسر نیرومندتر و کدام مؤدب‌تر است؟

برای سال سوم

- حسن ضعیف‌تر از محمود است. محمود جوان‌تر از احمد است. احمد کوتاه‌تر از حسن است. حسن بزرگ‌تر از احمد است. احمد قوی‌تر از محمود است. محمود بلندتر از حسن است. کدام قوی‌تر از همه، کدام بلندتر از همه و کدام بزرگ‌تر از همه است؟

منابع

1. Watanabe, Ken (2009) Problem Solving. 2009, Penguin Publication, USA
2. Buijs, Jan, Meer, Han van der (2013) Integrated Creative Problem Solving, Wetenschappelijk Onderwijs Publication
3. Springer, Steve, Alexander, B. et al (2008) Creative Teacher; An Encyclopedia of Ideas to Energize Your Curriculum, McGraw-Hill Publication

نقاشی، بازی‌های فکری، و به‌طور خلاصه همه‌ی آن کارهایی را که مستلزم تصور ذهنی و تفکر است در برنامه قرار دهند، می‌توان انتظار داشت در چنین مدرسه‌ای، به‌طور متوسط، رشد ذهنی دانش‌آموزان در سطح بالایی قرار گیرد.

یکی از ساده‌ترین بازی‌هایی که می‌تواند به پرورش تفکر کمک کند، بازی واژه‌سازی است: سه حرف- مثلاً ز، م، ی به کودک می‌دهیم و از او می‌خواهیم از این حرف‌ها یک واژه بسازد. اگر دیدیم که با سه حرف به راحتی پاسخ را می‌دهد، به تدریج تعداد حرف‌ها را (یکی یکی) اضافه می‌کنیم تا کار ذهنی دشوارتر شود. خوب است گاه به گاه نقش دو طرف را عوض کنیم، از کودک بخواهیم چند حرف را نام ببرد تا ما از ترکیب مناسب آن‌ها، واژه‌ای بسازیم. تمام بازی باید شفاهی باشد، بدون استفاده از قلم و کاغذ، یعنی تمام جست‌وجوها و ترکیب حرف‌ها «در ذهن» انجام گیرد.

برای کودکانی که خواندن را یاد گرفته‌اند، بازی دیگری هم می‌توان ترتیب داد. واژه‌ای را به کودک بدهید که خیلی بزرگ نباشد، مثل «مار»، و از او بخواهید در ذهن خود واژه را معکوس کند و به شما بگوید. اگر می‌بینید کودک از عهده‌ی واژه‌های سه حرفی برمی‌آید، واژه‌های چهار حرفی به او پیشنهاد کنید. می‌توانید خودتان واژه را وارونه بیان کنید- مثلاً «نابز»- و از او بخواهید اصل واژه را پیدا کند. در این موارد، گاه به گاه استفاده از واژه‌هایی که خود و وارونه‌ی آن‌ها یکی است، مثل «نان» و «داماد»، بازی را برای کودک جالب‌تر می‌کند. ضمناً از کودک بخواهید خودش هم به دنبال چنین واژه‌هایی- البته در ذهن- بگردد.

چند نمونه مسئله برای تقویت تفکر در دانش‌آموزان

این مسئله‌ها در پایان سال به دانش‌آموزان داده شود:

برای کلاس اول

- سروش از سپیده خوش‌حال‌تر است. سروش از بهزاد خوش‌حال‌تر است. چه کسی از همه خوش‌حال‌تر است؟

این است که مستقیماً به موضوع‌های درسی بستگی ندارند و برای حل آن‌ها نمی‌توان تنها بر حافظه متکی شد و به ناچار باید از تفکر و استدلال بهره برد. این گونه مسئله‌ها، که به «مسئله‌های منطقی» معروف شده‌اند، برای تشخیص میزان درگیری کودک در نتیجه‌گیری و توانایی او در استنتاج درست، اهمیت زیادی دارند.

کودک بعد از شش هفت سالگی، استعداد ایجاد طرح ذهنی هر چیزی را، با همان هدفی که در زندگی دارد، پیدا می‌کند. کودک می‌تواند آنچه را دیده است، همراه با چیزهایی که در آن بوده است، بازسازی کند (مثل حادثه‌ای که در خیابان پیش آمده یا صحنه‌ی بازی یا نمایش). کودک قادر به طرح‌ریزی است و حتی می‌تواند چیزها و آدم‌ها را با علامت‌ها، و جابه‌جا شدن آن‌ها را، مثلاً با پیکان، نشان دهد.

رشد بچگی با تخیل

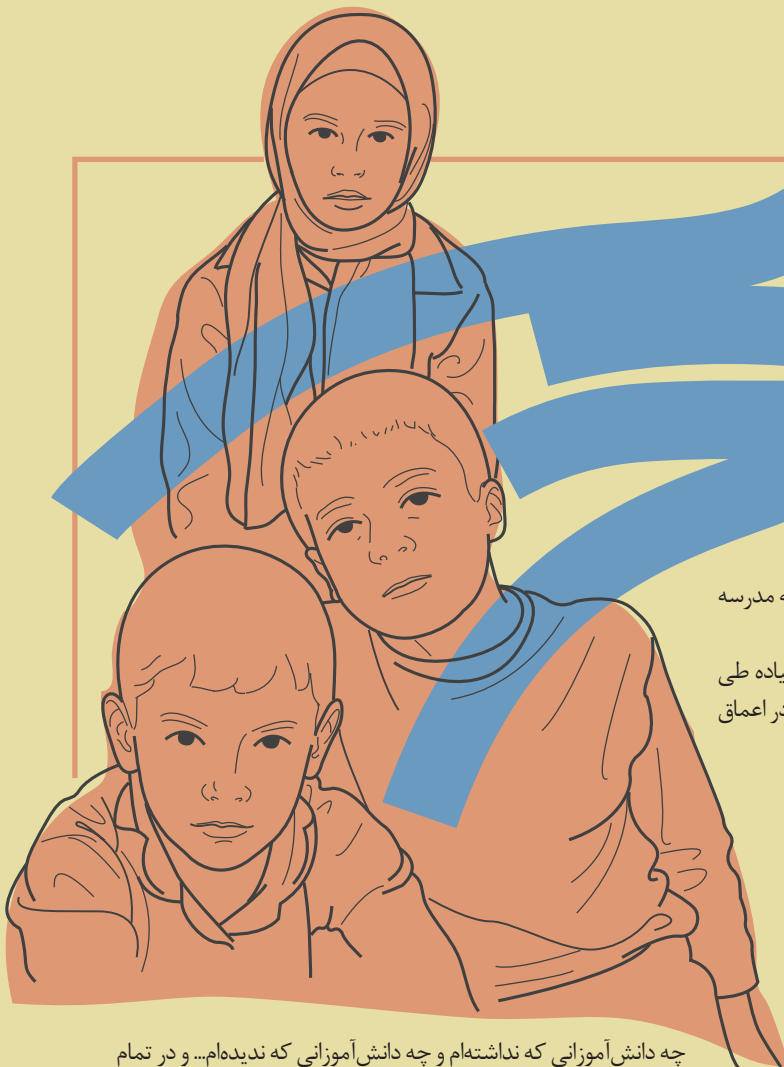
تصور و تخیل با رشد تفکر بستگی زیادی دارد. کودک قدرت تصور و تخیل زیادی دارد. با دشمن خیالی خود می‌جنگد و گاهی او را شکست می‌دهد و گاهی از او شکست می‌خورد. در خیال خود فوتبال بازی می‌کند یا به شنا می‌پردازد. وقتی به میز روبه‌روی خود یا تصویر آن در کتاب نگاه می‌کند، می‌تواند با تصور خود، آن را بزرگ‌تر یا کوچک‌تر، یا به قطعه‌هایی تقسیم کند. و برعکس، اگر قطعه‌های جداگانه‌ی یک چیز را ببیند، می‌تواند با تصور خود آن‌ها را ترکیب کند. می‌تواند خود را در حال پرش یا در حال پرواز تصور کند. ولی برای اینکه بتواند همه‌ی این‌ها را انجام دهد، باید استعداد تصور و کار ذهنی او به خوبی تکامل یافته باشد.

رشد استعداد و تفکر در مدرسه، به‌طور خود به خودی و طبیعی انجام نمی‌گیرد و معمولاً به برنامه‌ی خاصی نیاز دارد. اگر در کلاس‌های دبستان گاه به گاه دانش‌آموزان را به محاسبه‌ی ذهنی و جمله‌سازی (به نحوی که بتواند حالت معینی را نشان دهد و یا از پهلوی هم گذاشتن واژه‌های پراکنده‌ای درست شود و غیره) وادارند و اگر طراحی،

شیوهی رندان بلاکش

معصومه حسن پور

دبستان شهید مدنی، منطقه ۵ تهران



من آموزگار کلاس اولی‌ها هستم.

۲۵ سال است که هر روز با شوقی بیشتر از روز گذشته به مدرسه

می‌روم.

۲۵ سال است که هر روز نفس‌زنان راه خانه تا مدرسه را پیاده طی

می‌کنم و ۲۵ سال است که هر روز پیاده و نفس‌زنان این شعر را در اعماق

جانم زمزمه می‌کنم تا به مدرسه برسم:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

و ۲۵ سال است، وقتی در ذهنم به این بیت می‌رسم:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

دل‌م، دست‌م و تنم می‌لرزد. من می‌خواهم آدم باشم، می‌خواهم آدم باشم

و می‌خواهم مثل آدم زندگی کنم. آدم...

از روزی که معلم شدم، همیشه همین را از خودم خواستم و با خودم

تمرین کرده‌ام آدم بودن را، برای این تمرین چه روزهای سخت و چه

مصیبت‌ها که ندیده‌ام!

در گرمای کلاس‌های گرم تابستان، همپای نوآموزان کودکم، عرق‌ریزان،

آفتاب را تجربه کرده و آب خنک را بر خود حرام کرده‌ام تا نکند کودکی

تشنه باشد و من سیراب از خنکای لیوان آبی! ... در هر سرما و با بارش هر

برفی، از خانه تا مدرسه برف را هجی کرده‌ام تا سرمای سوزناک را بر خود

آسان سازم و در کلاس گرم باشم و سر حال، تا در عین حال که کودک

دانش‌آموزی که طعم فقر را می‌چشد و لباسی برای گرمایش ندارد، نداند

که من نیز تن‌پوش گرمی نیپوشیده‌ام، اما من حس آن کودک فقیر را به

خوبی بدانم!

وقتی اشک پسرکی را می‌دیدم که از آزارهای جاده‌های ناهموار رنج

می‌برد، پا به پای گونه‌های خیسش می‌گریستم و یا هنگامی که صورت

سیلی خورده از سرمای دخترک دانش‌آموز را مشاهده می‌کردم که در زیر

روسری آبی کوچکش پنهان می‌کرد تا راز دست تنگی‌اش فاش نشود،

به خود می‌لرزیدم. من دانش‌آموزی داشته‌ام که روزها بود حتی یک

سیب نخورده بود و رنگ رخسارهایش به زردی سیب بود. من دانش‌آموزی

داشته‌ام که دلش برای داشتن یک بستنی لک زده بود؛ دانش‌آموزی که

روزی هر روزش فقط یک لقمه نان خالی خشکیده بود. در این سال‌ها

چه دانش‌آموزانی که نداشته‌ام و چه دانش‌آموزانی که ندیده‌ام... و در تمام

این سال‌ها پا به پای رنج‌های آنان رنج کشیده‌ام، غصه خورده‌ام، اشک

ریخته‌ام، دویده‌ام و هر کاری از دستم بر می‌آمده انجام داده‌ام. پدران و

مادرانی را به وصل دوباره‌ی هم رسانده‌ام و شوق بخشیده‌ام. خنده بر لبان

کودکان معصوم آورده‌ام و مهربانی را که سال‌ها از آن‌ها آموخته‌ام، در راه

خودشان خرج کرده‌ام. بارها و بارها کودک خردسال خودم، در خانه تنها و

گریان چشم انتظار بازگشت من به خود می‌لرزید و من در پی آن بودم تا

اشکی را از دانش‌آموزی، به هر طریقی، به خنده‌ای تبدیل کنم.

این‌ها همه دل‌نوشته‌های من بود. به زبان آوردم تا خودم را سبک کنم

و به خودم یادآوری کنم که من هنوز پس از ۲۵ سال، آموزگارم، معلمم؛

معلم کلاس‌اولی‌ها.

هنوز با همان اشتیاق روز اول به کلاس می‌روم. هنوز مسافت خانه تا

مدرسه را از شوق می‌دوم و هنوز می‌خواهم زودتر از دانش‌آموزان معصوم

و فرشته‌ام در کلاس حاضر باشم.

من در این سال‌ها هیچ اعتراض آب و نان نکرده‌ام، چرا که هرگز کلاس‌م

را محل درآمد آب و نانم نمی‌دانم و به لقمه نانی قناعت کرده‌ام. من

هیچ‌گاه در این سال‌ها نه ناله کرده‌ام و نه شکایت. با هر شرایطی ساخته‌ام

و همه را به لبخند تلخی گذرانده‌ام. ای بسا توقعاتی که داشته‌ام و ای بسا

حرف‌هایی که از قلبم به لب نرسیده فراموش کردم و حتی دم برنیآوردم.

همه را به جان خریدم و اینک از پس سال‌ها هنوز آموزگار و معلمم و

چقدر خوشحال و چقدر خرسندم که به هزاران دانش‌آموز آموخته‌ام آدم

باشند و بخوانند و بنویسند: عاشقی شیوهی رندان بلاکش باشد.

اثر توصیف در ارزشیابی

خاطره‌ای از امیرمحمد نادری قشقایی استاد روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه کنت انگلستان

جعفر ربانی

می‌نوشت. مانده بودم برای من چی می‌نویسد؟ معلم با خطی زیبا نوشت: عالی!

باورم نمی‌شد. بعد از سه سال، این اولین کلمه‌ای بود که در تشویق من بیان شده بود. لبخندی زد و رد شد. سرم را روی دفترم گذاشتم و گریه کردم. به خودم گفتم، هرگز نمی‌گذارم بفهمد من تنبل کلاس. به خودم قول دادم بهترین باشم. آن سال با معدل بیست شاگرد اول شدم و همین‌طور سال‌های بعد. همیشه شاگرد اول بودم. وقتی کنکور دادم، در کشور نفر ششم کنکور شدم و به دانشگاه تهران رفتم. یک کلمه به آن کوچکی، سرنوشت مرا تغییر داد. چرا کلمات مثبت و زیبا را از دیگران دریغ می‌کنیم؟ به ویژه ما پدران، مادران، معلمان، استادان، مربیان، رؤسایان و ...

کلاس اول دبستان در شیراز بودم؛ سال ۱۳۴۰ وسط سال آمدیم اصفهان و در یک مدرسه اسمم را نوشتند. شهرستانی بودم، با لهجه‌ی غلیظ ترکی قشقایی، از شهری غریب. ما کتابمان دارا آذر بود، ولی اصفهان آب بابا معضلی بود برای من. هیچی نمی‌فهمیدم. البته تو شهر خودمان هم چنان خبری از شاگرد اول بودنم نبود، ولی با سختی و بدبختی درسکی می‌خواندم. تو اصفهان شدم شاگرد تنبل کلاس. معلم پیر و بی‌حوصله‌ای داشتیم که شد دشمن قسم خورده‌ی من. هر کس درس نمی‌خواند؛ می‌گفت: می‌خواهی بشوی فلائی و منظورش من بینوا بودم. با هزار زحمت رفتم کلاس دوم. آنجا هم از بخت بد من، این خانم شد معلممان. همیشه ته کلاس می‌نشستم و گاهی هم چوبی می‌خوردم که یادم نرود کی هستیم! دیگر خودم هم باورم شده بود که تا ابد شاگرد تنبلی هستم.

کلاس سوم یک معلم جوان و بانشاط آمد مدرسه‌مان. لباس‌های قشنگ می‌پوشید و خلاصه خیلی کار درست بود. من خودم از اول رفتم ته کلاس نشستم. می‌دانستم جایم آنجاست. او درس داد و مشق گفت تا برای فردا بیاوریم. آنقدر معلم به دلم نشست بود که مشقم را تمیز نوشتم. البته می‌دانستم نتیجه‌ی تنبل کلاس چیست. روز بعد که او آمد، یک خودنویس خوشگل گرفت دستش و شروع کرد به امضا کردن مشق‌ها. همگی شاخ در آورده بودیم. آخه مشق‌ها را یا خط می‌زدند یا پاره می‌کردند. وقتی به من رسید، با ناامیدی مشق‌هایم را نشان دادم. دستانم می‌لرزیدند و قلبم به شدت می‌زد. او زیر هر مشقی چیزی



آموزش ریاضی دبستان با رویکرد ریاضیات واقعیت مدار

بهناز ساویزی

دکترای آموزش ریاضی، دبیر منطقه‌ی یک تهران و مدرس دانشگاه

اشاره

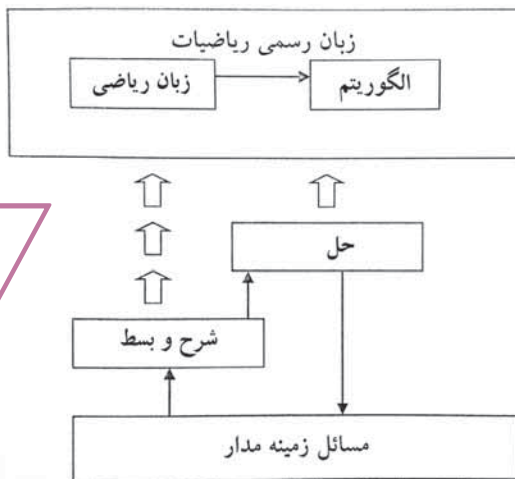
تغییرات کتاب‌های درسی ریاضی دبستان در سال‌های اخیر حاکی از تغییر نگاه برنامه‌ریزان آموزش ریاضی کشور به سمت رویکردهای نوین آموزشی است. ویژگی بیشتر رویکردهای نوین در آموزش ریاضی، آغاز آموزش از موقعیت‌های ملموس و آشنا، زمینه‌سازی برای ساخت ذهنی ریاضیات غیررسمی، حرکت تدریجی به سمت ریاضیات رسمی و تأکید بر مدل‌سازی از مسائل واقعی در زندگی روزمره است. معرفی رویکرد آموزش ریاضیات واقعیت مدار و آشنایی آموزگاران دوره‌ی دبستان با این رویکرد، می‌تواند گامی در جهت توسعه‌ی بهتر اهداف مورد تأکید برنامه‌ریزان آموزشی کشور باشد.

کلیدواژه‌ها: ریاضیات واقعیت مدار، ریاضی‌سازی تدریجی، آموزش ریاضیات

اصول و ویژگی‌های RME

۱. بازآفرینی هدایت شده (القا شده)
 ۲. سطوح مختلف یادگیری
 ۳. پدیدارشناسی آموزشی یا کاوش پدیدار شناسانه
 ۴. مدل‌سازی تدریجی
- از چهار اصل فوق، دو اصل رهیافتی بازآفرینی هدایت شده و مدل‌سازی تدریجی به اختصار توضیح داده می‌شوند.

بازآفرینی هدایت شده (ریاضی‌سازی تدریجی)
مقصود اصلی از بازآفرینی این است که دانش آموز دانش



آموزش ریاضیات واقعیت مدار^۱

آموزش ریاضیات واقعیت مدار (RME) یک نظریه‌ی تدریس و یادگیری است که اولین بار مؤسسه‌ی فرودنتال آن را مطرح کرد (Lange, ۱۹۹۶). RME بر مبنای دو دیدگاه هانس فرودنتال از آموزش ریاضی پدید آمده است: آموزش ریاضیات باید به واقعیت متصل باشد و ریاضیات یک فعالیت انسانی است (Lange, ۱۹۹۶). اگرچه در مورد کودکان، ارتباط ریاضیات با تجربیات زندگی روزمره تأکید شده است، ولی واقعیت مدار بودن آموزش ریاضیات همواره به معنای اتصال با دنیای خارج نیست. بسیاری از اوقات ریاضیات را می‌توان با دنیای واقعیات ذهنی دانش‌آموزان پیوند داد. به گفته‌ی ترفرز، ریاضی‌وار کردن (تدریجی)^۲، به معنای آغاز از موقعیت‌های غیررسمی (ولی منطبق با عقل سلیم) و نزدیک‌تر شدن (تدریجی) به ویژگی‌های اساسی ریاضی یعنی عمومیت، قطعیت، دقت و ایجاز است (Gravemeijer & Terwel). ترفرز دو نوع ریاضی‌سازی را معرفی می‌کند: ریاضی‌سازی افقی و ریاضی‌سازی عمودی (Freudenthal, 1991). ریاضی‌سازی افقی حرکت از جهان واقعی بیرونی به سمت دنیای ریاضیات است و ریاضی‌سازی عمودی

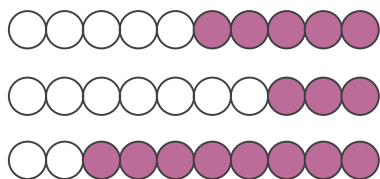


گرفته نشده است، بلکه به شدت با موضوع کسرها و اعداد گویا در هم تنیده است. در برنامه‌ی درسی کشور هلند و نیز در برنامه‌ی ریاضیات در زمینه، مسیر یادگیری درصد برای چند سال (پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی) طراحی شده است و طی سه مرحله توسعه می‌یابد (فن هویفل، ۲۰۰۳):

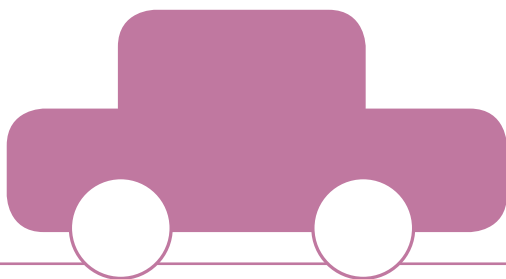
- مفهوم اولیه‌ی درصد در پایه‌ی پنجم
- ضرب کسرها در پایه‌ی ششم که شامل مفاهیم بیشتری از اعداد گویا، کسرها و اعشاری و درصد است.
- مفهوم کمتر و بیشتر در پایه‌ی ششم که شامل مفاهیم تکمیلی درصد، کسرها و کسرها اعشاری است.

در آموزش مفاهیم مرتبط با درصد از مدل نوار استفاده شده است. بر خلاف روش‌های سنتی، در این مسیر از همان ابتدا از معلومات غیررسمی دانش‌آموزان درباره‌ی درصد استفاده می‌شود. این مسیر از یک موقعیت کیفی شده و در نهایت کمی می‌شود. در مراحل توسعه‌ی مفهوم درصد، مدل نوار به تدریج از یک نمایش زمینه‌مدار و ملموس به یک مدل نمایشی انتزاعی تبدیل می‌شود که ابزاری برای تخمین زدن می‌شود و در نهایت به مدلی تبدیل می‌شود که محاسبات به‌وسیله‌ی آن امکان‌پذیر است (فن هویفل، ۲۰۰۳). در بخش آغازین، دانش‌آموزان دانش اولیه و غیررسمی خود را در رابطه با درصد با نقاشی و رسم شکل نمایش می‌دهند. برای مثال، موقعیتی شرح داده می‌شود که سه دوست، حمید، رضا و علی، هر یک ده توپ به سمت سید بسکتبال پرتاب می‌کنند (فن هویفل، ۲۰۰۳). حمید پنج توپ، رضا سه توپ و علی هشت توپ را گل می‌کند. آن تعداد از ده پرتاب را که گل شده است، با شکل نشان دهید. هر کدام چند درصد از پرتابشان گل شده است؟

شکل رسم شده می‌تواند به این صورت باشد:



مثال دیگر، پارکینگ اتومبیل‌هاست که در آن نمایش وضعیت قرار گرفتن اتومبیل‌ها به مدل نوازی تبدیل می‌شود. شکل زیر مراحل این مدل‌سازی را نشان می‌دهد (فن هویفل، ۲۰۰۳).



به‌وجود آمده در ذهن خویش را دانشی خودساخته تلقی و در قبال آن احساس مسئولیت کند. اجرای این اصل مستلزم جست‌وجو یا حدس مسیرهای بالقوه‌ی یادگیری و طراحی دنباله‌ای از تکالیف و فعالیت‌های هدفمند توسط برنامه‌ریز است (وایتنک و نیپینگ، ۲۰۰۲). شکل ۱ فرایند بازآفرینی را نشان می‌دهد که به‌طور توأم شامل ریاضی‌سازی عمودی و افقی است. فرایند یادگیری از مسائل زمینه‌مدار آغاز می‌شود. طی ریاضی‌سازی افقی (یا عمودی) دانش‌آموز یک مدل ریاضی رسمی یا غیررسمی به‌دست می‌آورد و سرانجام به حل ریاضی مسئله دست می‌یابد.

مدل‌سازی تدریجی

مدل‌سازی تدریجی از یک موقعیت واقعی شروع می‌شود و سپس به مدلی تعمیم‌یافته و کلی تبدیل می‌شود. در مدل‌سازی تدریجی، اصطلاحاً از «مدلی از» به «مدلی برای» تغییر وضعیت و یا انتقال صورت می‌گیرد. «مدلی از» پس‌تصویر یک واقعیت تمام شده است، ولی «مدلی برای»، پیش‌تصویر واقعیتی است که بعداً به وقوع خواهد پیوست (فروندنال، ۱۹۷۸؛ در فن هویفل، ۲۰۰۳).

آموزش ریاضیات واقعیت‌مدار در دبستان

مطالعات انجام گرفته در این زمینه حاکی است که زمینه‌ی حضور رویکرد ریاضیات واقعیت‌مدار در دوره‌ی دبستان و دوره‌ی متوسطه‌ی مقدماتی مهیاتر از پایه‌های بالاتر است. در این راستا می‌توان به برخی از اقدامات و مطالعات صورت گرفته در کشورهای دیگر، مانند «برنامه‌ی درسی ریاضی و تألیف کتب درسی دبستان در هلند» بر مبنای این رویکرد (۱۹۹۸)، پروژه‌ی «ریاضیات در زمینه» و چاپ کتاب‌های درسی بر مبنای این رویکرد در آمریکا (از سال ۱۹۹۶ تا کنون، پروژه‌ی «ویسکوباس»، پروژه‌ی «IRME» در اندونزی، «خریداری و اجرای برنامه‌ی آموزشی ریاضیات در زمینه توسط انگلستان در سال ۲۰۰۳، پروژه‌ی «معنادار کردن ریاضیات» سال ۲۰۰۷ در انگلستان، مطالعه‌ی صورت گرفته در موضوعات کسرها، نسبت تناسب و درصد و محور اعداد خالی اشاره کرد (دیکسون و هاگ ۲۰۱۲). (فن هویفل، ۲۰۰۳). در ادامه، موضوع تدریس «درصد» با رویکرد ریاضیات واقعیت‌مدار و به کمک مدل‌سازی تدریجی شرح داده می‌شود (فن هویفل، ۲۰۰۳).

مسیر یادگیری درصد

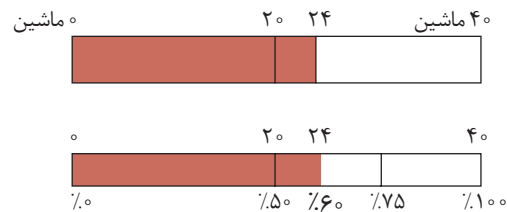
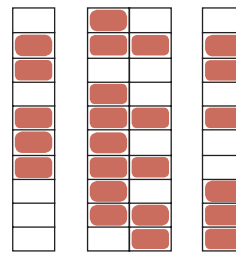
مسیر یادگیری درصد بر مبنای ریاضیات واقعیت‌مدار، اول بار در پروژه‌ی ریاضیات در زمینه طراحی شد. به گفته‌ی فن هویفل، در این برنامه، درصد به‌عنوان موضوعی جداگانه در نظر



شبکه‌ی اعداد و خواص و روابط بین اعداد» در سطوح پایین‌تر
اتفاق می‌افتد (فن هوپفل، ۲۰۰۳).

نوار به‌عنوان یک مدل برای تخمین زدن

در مثال بالا، تابلوی گنجایش پارکینگ به تدریج به یک نوار افقی صاف تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، انتقال از «مدلی از» به «مدلی برای» را داریم. انتقال مهم‌تر در ذهن دانش‌آموزان رخ می‌دهد. «مدلی برای» دیگر به زمینه‌ای که از آن ایجاد شده بود، یعنی موقعیت پارکینگ، وابسته نیست و می‌تواند برای موقعیت‌های دیگر مانند درصد توپ‌های گل شده از چندین پرتاب به کار گرفته شود (فن هوپفل، ۲۰۰۳).



جمع‌بندی

ریاضیات واقعیت‌مدار ویژگی‌های رویکرد آموزشی پویا و منعطف را دارد. با توجه به اصول راهبردی این رویکرد و نتایج مطالعات جهانی مبنی بر نتیجه بخش بودن به‌کارگیری آن در کشورهای مختلف، استفاده از آن در نظام آموزش ریاضی کشور می‌تواند مفید باشد.

در این مثال، گنجایش کل پارکینگ ۴۰ اتومبیل است و ۲۴ اتومبیل در پارکینگ قرار دارند. با توجه به مکان تقریبی وسط نوار حدود ۶۰ درصد پارکینگ پر است. دانش‌آموزان در انتخاب راهبردهای خود برای حدس زدن درصد آزادند. برای مثال، در قسمت الف، از ۶۰ پارکینگ، ۴۰ تای آن‌ها اشغال است که با چهار قسمت کردن کل نوار جواب حدوداً ۷۵ درصد تعیین شده

پی‌نوشت

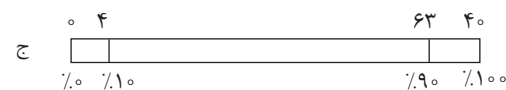
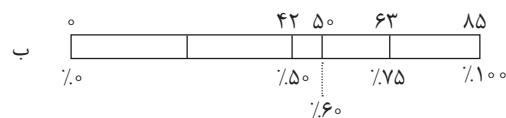
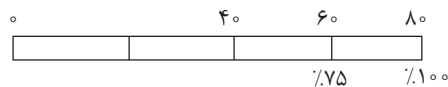
1. Realistic Mathematics Education
2. Progressive Mathematizing

منابع

1. Freudenthal, H. (1991). *Revisiting Mathematics Education, China Lectures*. Kluwer Academic.
2. Freudenthal, H. (1999). *Didactical Phenomenology of Mathematical Structure*. Kluwer Academic.
3. Gravemeijer, K., & Terwel, J. (n.d.). Hans Freudenthal, a Mathematician on Didactics and Curriculum theory.
4. Lange, J. (1996). Using and Applying Mathematics in Education in A.J Bishop, et al(ds) *International Handbook of Mathematics Education*.
5. Van den Heuvel Panhuizen, M. (2003). The Didactical use of Models in Realistic Mathematics Education: An Example from a Longitudinal Trajectory on Percentage. (549-35).
6. Whitenak, W., & Knipping, N. (n.d.). Argumentation, Instructional Design Theory and Students' Mathematical Learning: a case of coordinating interpretive lenses. (21,441-5).
7. Zulkardi. (n.d.). How to Design Mathematical Lessons Based on Realistic Mathematics Education.

۸. سناویزی، ب. (۱۳۸۸). گزارش مدرسه‌ی تابستانی آموزش علوم و ریاضیات، ۱۸ تا ۲۲ آگوست دانشگاه اوترخت، هلند. رشد آموزش ریاضی. دوره‌ی ۲۶. شماره‌ی ۴.

$$\frac{۶۰}{۸۰} = \frac{۳}{۴}$$



است. در قسمت ب از ۸۵ جای پارک، ۵۰ تای آن‌ها اشغال است که از راهبرد نصف کردن‌های متوالی استفاده شده است و در قسمت ج از ۴۰ جای پارک ۳۶ تا اشغال است که دانش‌آموز ابتدا ده درصد ۴۰ را محاسبه کرده است (۴) و سپس مکان تقریبی ۳۶ و مقدار ۹۰ درصد را یافته است (فن هوپفل، ۲۰۰۳). استفاده از مدل‌سازی تدریجی این حسن را دارد که یکی از اهداف سطح بالای مهارت ریاضی یعنی «استفاده‌ی منعطف از



موزه‌ی علوم طبیعی بهاباد

اشاره

در شماره‌های گذشته مطالب یا عکس‌هایی از موزه‌ها و مکان‌های تاریخی و دیدنی ملاحظه کردید. در این شماره نیز از موزه‌ی علوم طبیعی بهاباد در یزد صحبت خواهیم کرد. در همین زمینه، رضا زینعلی، مسئول موزه، اطلاعات مفیدی ارائه کرده است.



مشاهده‌ی

طبیعت شگرف و لذت

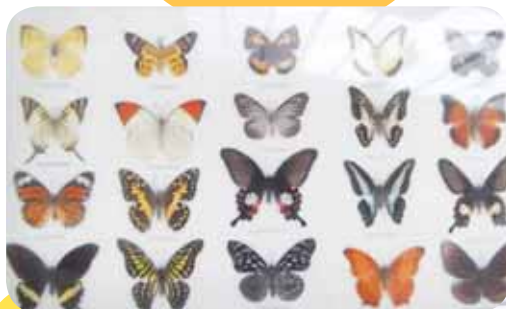
آموزش عینی

موزه‌ی علوم طبیعی بهاباد، از مراکز مهم علمی، فرهنگی و گردشگری استان یزد، در سال ۱۳۷۷ به همت اداره‌ی آموزش و پرورش بهاباد تأسیس شده است. موزه در چهار زمینه فعالیت می‌کند: جانورشناسی؛ گیاهشناسی؛ سنگ، فسیل و مینرال؛ میکروسکوپی. به این ترتیب، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها امکان مشاهده‌ی شگرف و لذت‌بخش را به دست می‌آورند.

هماهنگی

کنپند

آموزگاران و دانش‌آموزان همه‌ی شهرها می‌توانند با هماهنگی قبلی از موزه دیدن کنند. شاخصه‌های آموزش عینی و درک تجربی و خروج از فضای انتزاعی آموزشی ارزش آن را دارد که به بهایی اندک از موزه دیدن کنید.



این موزه به‌عنوان یک مرکز تفریحی و علمی جاذبه‌ی گردشگری دارد و عموم می‌توانند با پژوهش‌های میدانی در زمینه‌ی گیاهشناسی و دیرین‌شناسی در منطقه‌ی غنی بهاباد آشنا شوند. بخش آبیان موزه‌ی بهاباد غنی‌ترین موزه‌ی کشور به‌شمار می‌آید. این موزه در فضای مجازی نیز قابل دسترسی است.

<http://bahabad.museum.com>

آموزگار من تلفیقی از زمین و آسمان

دکتر پریسا ایران نژاد - دکتر نیره شاه محمدی

معلمی متفاوت و تأثیر گذار

وقتی صدای پای خانم ملکی از راهروی مدرسه به سمت کلاس به گوش می‌رسید، تمام دانش‌آموزان منتظر ورود او بودند. هنگام ورود ضربه‌ای به در میزد و با لیخندی وارد می‌شد. شخصیتی دوست‌داشتنی و جذاب داشت. بارها دانش‌آموزان درباره‌ی شخصیتش با یکدیگر صحبت می‌کردند و تمام حرکات او را زیر نظر داشتند. به‌راستی او چه شخصیتی داشت؟ چگونه با دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کرد؟

خانم ملکی، علاوه بر ظاهر و پوشش مناسب و هماهنگ، رفتار موقر و متین داشت. او هر زمان که به کلاس می‌آمد، بر کاری که در آن جلسه قرار بود انجام شود، تسلط و آمادگی کامل داشت. چنان با دانش‌آموزان رفتار می‌کرد، گویی با تعدادی افراد سرشناس و مهم وقت ملاقات دارد. در بدو کلاس، زمان کوتاهی را به آمادگی بچه‌ها اختصاص می‌داد و آن‌ها را حضور و غیاب می‌کرد. اسم هر کس را می‌خواند، نگاه عمیقی به چشمان وی می‌افکند و وضعیت جسمی و روانی‌اش را بررسی می‌کرد و در صورت تشخیص مشکل، از حال او جویا می‌شد. هیچ کس از نگاه دقیق او جا نمی‌ماند. البته همیشه در هر کلاسی افرادی وجود دارند که با رفتارهای ناپسند خود معلم را آزرده می‌کنند. او بسیار زیرکانه و مؤدبانه با آن‌ها برخورد می‌کرد و با ذکر مثال یا داستانی ادبی، به‌طور غیرمستقیم رفتار ناپسند را گوشزد می‌کرد. ولی هیچ‌گاه شخصیت افراد را لگد مال نمی‌کرد. رفتارهای مثبت و پسندیده را نیز آشکارا در کلاس تشویق می‌کرد.

اشاره

گاهی در خاطرات یا خواب‌های خود به دوران تحصیل باز می‌گردیم و صحنه‌های شیرین و دلچسب یا غمناکی را از معلمانی به‌یاد می‌آوریم که با گفتار و کردارشان بر جسم و روح ما تأثیر گذاشتند. به‌راستی، معلمان تأثیرگذار چه کسانی هستند؟ تأثیر آن‌ها در زندگی ما چه نقشی بر جای گذاشته است؟ اگر معلم بداند تا چه حد گفتار، کردار و شخصیتش در سرنوشت دانش‌آموزان مؤثر است، قطعاً حرفه‌ی معلمی را جدی‌تر خواهد انگاشت.

این گوش است یا علامت سؤال

فاطمه دهقانی فیروز آبادی
دبستان بنت‌الهدی صدر خانقاه
میبد یزد



آیا تاکنون دریا را دیده‌ای؟
این جمله‌ای است که دانش‌آموزان
در کتاب فارسی پایه‌ی اول، در درس دریا آن را
می‌بینند. سپس برای آن‌ها توضیح داده می‌شود که وقتی
می‌خواهیم از کسی سؤال کنیم، این علامت (?) را در آخر جمله
می‌آوریم.

یک روز که مشغول درس دادن بودم، یکی از بچه‌ها گفت: «این علامت
مثل گوش است.» گفتم: «آفرین عزیزم، درست شکل گوش را دارد، اما
یک نقطه هم زیر آن قرار دارد.»
دانش‌آموز در ادامه گفت: «پس این نقطه هم سوراخ گوش است.» بچه‌ها
خندیدند و گفتند: «راست می‌گویی. می‌توان گوشواره هم برایش
گذاشت.»

آن روز، با این مثال، درس به خوبی داده شد و بچه‌ها همه
خوشحال شدند. آن‌ها هرگز شکل علامت سؤال و
شباهت آن با گوش را فراموش نخواهند کرد.

طرح درس او در عین حال که به تمام جزئیات و
فعالیت‌های قبل، ضمن و پس از تدریس اشاره داشت،
طرح درس زندگی نیز بود. به‌طوری که دانش‌آموزان
را برای جایگاه بالاتر و موقعیتی فراتر از زمان خود
آماده می‌کرد. در کلاس او، نه تنها بچه‌ها با جدیدترین
مفاهیم آشنا می‌شدند، بلکه هویت خود را نیز شناسایی
می‌کردند. خانم ملکی اطلاعاتی بیش از مطالب کتاب
داشت. او هر مفهوم درسی را در ارتباط با مثالی بیان
می‌کرد، به گونه‌ای که هیچ‌گاه از یاد ما نمی‌رفت.

گویی صحنه‌های آن کلاس همیشه زنده است و
در بعضی از شرایط زندگی به کار می‌آید. او برای نقش
بستن تدریس حتی از ساده‌ترین ابزارها مانند چوب
کبریت استفاده می‌کرد. از این طریق می‌توانست
به راحتی مفاهیم را منتقل سازد.

کلاس او همواره پر از شور و هیجان بود، چرا که
می‌دانستیم قرار است لحظات هیجان‌آوری را با
او سپری کنیم. هر چند در آن کلاس دانش‌آموزان
هوشیارانه منتظر شروع فعالیت‌های معلم بودند، ولی
کمی هم اضطراب داشتند، چرا که خود نیز باید فعال
می‌بودند. همه حق اظهار نظر داشتند و به سؤال‌های
همه حتی سؤال‌های عجیب و غریب نیز پاسخ داده
می‌شد. بنابراین، همه علاقه داشتند ببینند کلاس
چگونه ادامه می‌یابد. خانم ملکی عادت داشت هر دفعه
روش تدریس خود را تغییر دهد. با توجه به نوع درس
روش خاصی را در پیش می‌گرفت و هر دفعه وقایع
تازه‌ای از درس را به کمک بچه‌ها به نمایش می‌گذاشت.
گویی هر دفعه ماجرایایی برای تعریف کردن دارد؛
ماجرایایی شیرین و جذاب که پایان خوش یادگیری را به
همراه دارد. او نیز مانند سایر معلمان مشکلاتی داشت و
گاهی بیمار می‌شد، ولی کسی از بیماری او خوش حال
نمی‌شد، چرا که در صورت غیبت ایشان، دانش‌آموزان
ماجرایویی خود را از دست می‌دادند.

آنچه ما در این کلاس و پای درس «ملکی»‌ها
داشتیم، انگیزه‌ای بود برای بیشتر دانستن دانشی
که نیاز واقعی ما را پاسخ می‌داد. می‌توانستیم مسئله
حل کنیم و کسی باشد که به ما بگوید استعدادمان
خوب است. ما دوست داشتیم معلمان توانایی‌های ما را
بشناسند، تشویق و حمایت کنند چگونه یادگرفتن را
به ما بیاموزند و خانم ملکی کسی بود که سبک‌های
یادگیری را به ما آموزش داد، به گونه‌ای که توانستیم
هر کدام راهبردهای مناسب با هوش‌های هفت‌گانه‌ی
خویش را بیابیم.

سفرنامه نویسی

چگونه تجربه‌ی شیرین سفر را به اشتراک بگذاریم؟

ناصر نادری

انواع سفرنامه

۱ سفرنامه‌ی واقعی

شرح مشاهدات و خاطرات سفری است که واقعاً انجام شده است؛ مانند سفرنامه‌ی ناصر خسرو یا سفرنامه‌ی «خسی در میقات» جلال آل احمد.

۲ سفرنامه‌ی خیالی

سفرنامه‌ای که نویسنده در خیال خود به چنین سفری رفته است و معمولاً به قصد طرح واقعیات جامعه و انتقاد از نابسامانی‌ها نوشته می‌شود. مانند سفرنامه‌ی «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیک».

۳ سفرنامه‌ی تمثیلی

سفرنامه‌ای است که نویسنده‌ی آن در حالتی رویایی به جهان دیگر سفر می‌کند؛ جهانی که در عالم واقع امکان سفر به آن وجود ندارد؛ مانند سفر به بهشت و جهنم. کتاب «کمدی الهی» اثر دانته و کتاب «سیاحت غرب» نوشته‌ی آقا نجفی قوچانی مهم‌ترین کتاب‌ها در این نوع هستند.

اشاره

همه‌ی ما در زندگی تجربه‌ی مسافرت را داشته‌ایم. یکی از قالب‌های نوشتاری «سفرنامه‌نویسی» است؛ یعنی نوشتن دیده‌ها و شنیده‌های مسافر در طول سفر. جالب است بدانید، سفرنامه‌نویسی یکی از فصول زیبا و دلکش ادبیات هر ملتی را تشکیل می‌دهد و سفرنامه‌ها همیشه در ردیف خواندنی‌ترین آثار، خوانندگان را به سوی خود جلب کرده‌اند. هنر نوشتن این شماره به رموز سفرنامه‌نویسی اختصاص دارد. با ما همراه شوید تا تجربه‌ی شیرین سفرهای خود را در قالب «سفرنامه» به معرض دید دیگران بگذارید!

سفرنامه چیست؟

سفرنامه در واقع در دل «خاطره» قرار می‌گیرد. سفرنامه آن دسته از خاطره‌های شخصی است که به واسطه‌ی سفر در ذهن و دل فرد حک می‌شود. البته سفرنامه، با اینکه نوعی خاطره است و تقریباً همه‌ی ویژگی‌های آن را داراست، پوسته‌ی «شخصی بودن» را می‌درد و کاربرد عمومی پیدا می‌کند. یعنی سفرنامه مانند خاطره به ثبت وقایع جزئی و کلی زندگی فرد با استفاده از شگردهای ادبی و عواطف و احساسات می‌پردازد؛ البته کاربرد خاطره، به جز در موارد استثنایی، شخصی است.

اینکه سفرنامه کاربرد وسیع‌تری دارد، به دلیل خاصیت سفر و وارد شدن به فضای تازه‌ای است که نویسنده سعی می‌کند اطلاعات تازه‌ای درباره‌ی فرهنگ و رسوم، روحیه، خلیات و اعتقادات، اقتصاد و کسب و کار مردم و شرایط محیطی و طبیعی آن بدهد. ثبت این موارد می‌تواند برای دیگران هم جالب باشد. گاهی سفرنامه با صحنه‌های تخیلی و ساختمان قصه‌وار نوشته می‌شود. مانند «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیک» نوشته‌ی زین العابدین مراغه‌ای و یا سفرنامه‌ی «پنج روز در نیمروز» نوشته‌ی محمد کاظم مزینانی یا سفرنامه‌ی «هامون، زهک‌لوت و آن حوالی» نوشته‌ی زنده‌یاد امیرحسین فردی. در این گونه سفرنامه‌ها نگاه و بیان نویسنده‌ی سفرنامه هنری و حس‌برانگیز است.

چگونه سفرنامه بنویسیم؟

قبل از سفر

۱ درباره‌ی مقصد سفر اطلاعات کسب کنیم.

۲ وسایل لازم سفر را آماده کنیم؛ مخصوصاً دوربین عکاسی، وسیله‌ای برای ضبط صدا، دفترچه‌ی یادداشت و خودکار.

در سفر

۱ نگاه دقیق و جزئی‌نگر داشته باشیم.

۲ دیده‌ها و شنیده‌ها را در دفتر یادداشت ثبت کنیم.

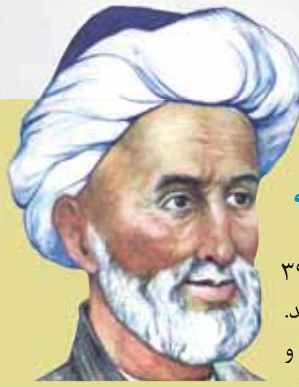
۳ از موضوعات عکاسی کنیم.

۴ در محل و زمان مناسب، یادداشت‌ها را مرور و اصلاح کنیم.

پس از سفر

۱ یادداشت‌ها را بازنویسی و اصلاح نهایی کنیم.

۲ سفرنامه را به چند نفر کارشناس بدهیم تا نظر بدهند.



گزیده‌ای از چند سفرنامه

سفرنامه‌ی ناصر خسرو

حکیم ناصر خسرو در سال ۳۹۴ هجری قمری در بلخ به دنیا آمد. تا ۴۳ سالگی در شغل دیوانی و دبیری بود، ولی به ناگاه آهنگ سفر حج کرد و علاوه بر زیارت خانه‌ی خدا، از سرزمین‌ها و شهرهای بسیاری دیدن کرد. وی در بازگشت از سفر، ۵۰ ساله بود.

«چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی، به دیوانگان مانده بودیم و سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم و خواستم که در گرمابه روم. باشد که گرم شوم. که هوا سرد بود و جامه نبود. و من و برادرم هر یک لنگی کهنه پوشیده بودیم و پلاس پارهای در پشت بسته، از سرما. گفتیم اکنون ما را در حمام که گذارد؟ خرچینکی بود که کتاب در آن می‌نهادم. بفروختم و از بهای آن درمکی چند سیاه در کاغذی کردم که به گرمابه‌بان دهم تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنم. چون آن درمک‌ها پیش او نهادم، در ما نگریست. پنداشت که ما دیوانه‌ایم. گفت: «بروید که هم‌اکنون مردم از گرمابه بیرون می‌آیند.» و نگذاشت که ما به گرمابه در رویم. از آنجا با خجالت بیرون آمدیم و به شتاب برفتیم. کودکان بر در گرمابه بازی می‌کردند و پنداشتند که ما دیوانگانیم. در پی ما افتادند و سنگ می‌انداختند و بانگ می‌کردند. ما به گوشه‌ای باز شدیم و به تعجب در کار دنیا می‌نگریستیم!»

مهمی به‌شمار می‌رود. یک نوع پارچه‌ی ابریشمی و طلایی در آنجا بافته می‌شود که موسوم است به «پارچه‌ی یزدی» و به همه‌جای دنیا صادر می‌شود. ساکنین آن مسلمان‌اند. در صورتی که بخواهید از شهر خارج شوید و به مسافرت بروید، باید هشت روز تمام از صحرایی بگذرید که در آن فقط سه محل برای اتراق مسافر وجود دارد. جاده از وسط بیشه‌های بزرگ نخل عبور می‌کند. در این نخلستان‌ها همه جور شکار از قبیله آهو، کبک و بلدرچین وجود دارد و مسافرانی که به شکار علاقه دارند، می‌توانند در اینجا، در ضمن مسافرت، به ورزش مورد علاقه‌ی خود بپردازند.»

سفرنامه‌ی ابن بطوطه

وی در سال ۷۰۳ هجری قمری در شهر «طنجه» (از شهرهای کشور مراکش) به دنیا آمد. سفرش را در سال ۷۲۵ به قصد زیارت قبر پیغمبر (ص) و حج آغاز کرد. در آن زمان فقط بیست و دو سال داشت. این سفر تا سال ۷۵۳ تقریباً سی سال تمام طول کشید و وی علاوه بر زیارت خانه‌ی خدا، از سرزمین‌های دیگر همچون چین، بیزانس و ... دیدن کرد.

«روز پنجشنبه، دوم ماه رجب سال ۷۲۵، به قصد حج و زیارت قبر پیغمبر (ص)، یکه و تنها از زادگاه خود، طنجه، بیرون آمدم. نه رفیقی بود که با او دمساز باشم و نه کاروانی که با آن همراه گردم. میل شدید باطنی و اشتیاقی که برای زیارت آن مکان متبر که در اعماق جانم جایگزین بود، مرا بدین سفر برانگیخت. دل بر هجران یاران نهادم و بسان مرغی که از آشیان خود جدا افتد، از وطن دوری گزیدم.»



سفرنامه‌ی جلال آل احمد

جلال آل احمد، نویسنده‌ی ایرانی، در سال ۱۳۰۲ در تهران به دنیا آمد. آثار متعددی از وی به یادگار مانده است. برخی آثارش از جمله «خسی در میقات»، «سفر روس» و «خارک در یتیم خلیج فارس»، حاصل سفرها و مشاهدات اوست. گزیده‌ی زیر مربوط به سفر جلال به روسیه برای حضور در هفتمین کنگره مردم‌شناسی در شهر مسکو است:

وصف شهر باکو

«باکو از دور پیدا شد. با عمارتی سخت بزرگ و سنگی وسط شهر نشسته. اول گمان می‌کردم دو طرف دریا دکل‌های نفت است. اما می‌بینم که یک سمت است؛ شمال شرقی شهر. دوشنبه، جزیره‌ی باکو. اسمش؟ گمانم «آبشوران» و حالا مستقیم داریم می‌رویم به داخل خلیجی که شهر بر ساحلش از دامنه‌ی قوس‌مانند بالا رفته. تپه‌ی قرمزی بالای شهر است و مختصر آفتابی بر آن افتاده.»



سفرنامه‌ی مارکوپولو

مارکوپولو در سال ۱۲۵۴ میلادی در ونیز ایتالیا به دنیا آمد. دو سفر به چین داشته است و علاوه بر تجارت، در سفرهایش هدف مذهبی نیز وجود داشت. گوشه‌ای از سفرنامه‌ی مارکوپولو را که ترجمه شده است، بخوانید:

وصف شهر یزد

«یزد شهر بزرگی است که از لحاظ تجارت و رفت‌وآمد نقطه‌ی



فرهنگ آموزش روش‌های جلب توجه دانش‌آموزان

ابوالفضل بختیاری - انسیه رمضان پور

اشاره

مربیان تربیتی علاقه‌مندند دانش‌آموزان را به آموزش و یادگیری بهتر سوق دهند، ولی غالباً در این راه با مشکل مواجه می‌شوند، فرایند یادگیری نمی‌تواند بدون تمرکز حواس و توجه لازم انجام پذیرد. در برنامه‌های آموزشی جلب توجه کودکان و دانش‌آموزان، قبل و حین آموزش، از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های مربیان است. دراین نوشتار برآنیم به روش‌های جلب‌توجه دانش‌آموزان بپردازیم که امکان هم دارد در درس‌های مختلف اشتراک شیوه داشته باشند.

یک هدف به هدف دیگر است.» (seidman,2006:466 - 485). تشخیص اجزای توجه از چند جنبه مشکل‌ساز است. اول آنکه توجه معمولاً در ارتباط با برخی از فعالیت‌ها ارزیابی می‌شود و اندازه‌گیری آن مشکل است. دوم اینکه بخش‌های متعدد مغز در پردازش توجه اثر دارند با این حال، مبانی نظری اجزای توجه را شامل تنظیم برانگیختگی و مراقبت توجه انتخابی، توجه پایدار، فراخانی توجه با توجه تقسیم شده، بازدارندگی و کنترل رفتار می‌دانند (Duaglas, 1983, 280-329; Barkley, 1997;65).

کارکردهای اجرایی و توجه، از سایر کارکردهای ذهنی (مانند ادراک و حافظه) متمایزند. با این حال، با برخی از عناصر یادگیری و حافظه، به‌خصوص فرایندهای کدگذاری و بازیابی، هم‌پوشانی قابل توجهی دارند (Dennington, ozonoff, 1996: 51 -87).

روش‌های جلب توجه دانش‌آموزان

یک سؤال جالب فکری بپرسید. تصویری نشان دهید. یک داستان کوتاه بیان کنید تا بحث رخ دهد و نسبت به درس جدید علاقه ایجاد شود.

- سرگرمی، تفریح و کمی نمایش (استفاده از وسایل نمایش و داستان‌گویی) را برای جلب توجه و ایجاد علاقه امتحان کنید.
- از داستان‌گویی بهره بگیرید. دانش‌آموزان در هر سنی به

یکی از قابلیت‌های ذهنی انسان ظرفیت توجه است. توجه قادر است ابعاد زندگی، رفتار و خصوصیات شخصی را متأثر کند. یافته‌هایی در دست هستند که نشان می‌دهند ظرفیت بالای توجه می‌تواند به افزایش بازده آموزشی و ارتقای موفقیت‌های تحصیلی منجر شود (آصفی، ۱۳۸۹).

بندورا تأکید می‌کند که مرحله‌ی ابتدایی هر یادگیری با توجه آغاز می‌شود. «توجه به مجموعه‌ای از عملیات پیچیده‌ی ذهنی اطلاق می‌شود که شامل تمرکز کردن بر هدف یا درگیر شدن با آن، نگه‌داشتن یا تحمل کردن و گوش به زنگ بودن در یک زمان طولانی، رمزگردانی ویژگی‌های محرک و تغییر تمرکز از

شنیدن داستان، به خصوص داستان‌هایی که جنبه‌ی شخصی دارند، علاقه‌ی بسیار دارند.

- قضیه را کمی معماگونه کنید. شیئی را در ارتباط با درس جدید، درون یک جعبه، کیف یا روبالشتی خود بیاورید. این شیوه‌ای است مسرت‌بخش برای ایجاد پیشگویی و می‌تواند به فعالیت‌های مباحثاتی یا نوشتاری بسیار خوبی بینجامد.

- به‌طور شنیداری به دانش‌آموزان علامت دهید. زنگی را به صدا در آورید، یک علامت‌دهنده‌ی صوتی یا یک زمان‌سنج به کار ببرید. - تن صدای خود را تغییر دهید؛ بلند، ملایم و نجواگونه. سعی کنید با صدای بلندتر فرمان بدهید. سپس پیش از ادامه دادن با صدایی عادی و معمولی، یعنی دادن فرمان بعد، چند ثانیه سکوت کنید. - از علامات دیداری بهره بگیرید. چراغ‌ها را خاموش و روشن کنید یا دستتان را بالا ببرید.

- شئی قابل دیدن را که می‌خواهید دانش‌آموزان روی آن متمرکز شوند، با دستتان یا با یک قاب رنگی که دور آن قرار می‌دهید، مشخص کنید.

- به صورت واضح علامت بدهید: همه ... آماده!

- رنگ در جلب توجه بسیار مؤثر است. از ماژیک رنگی روی تخته، ماژیک رنگی پروژکتوری برای فرآینمایی، و از پروژکتور نوع اورهد و نیز از کاغذهای رنگی برای مشخص کردن واژه‌ها، عبارات و روش‌های حل مسئله و تکرار الگوها و مانند آن‌ها استفاده کنید. - علاقه، اشتیاق و هیجان را نسبت به درس آینده ایجاد کنید.

- چشم در چشم باشید. بهتر است وقتی سخن می‌گویید، به‌خصوص هنگام آموزش و یاد دادن (تدریس)، دانش‌آموزان رو در روی شما باشند. اگر دانش‌آموزان کنار هم نشسته‌اند، شما رو در روی آن‌ها قرار نگیرید، بلکه آن‌ها باید بعد از مورد اشاره قرار گرفتن، صندلی‌هایشان و خودشان را بچرخانند تا رو در روی شما قرار بگیرند.

روش‌های متمرکزسازی توجه دانش‌آموزان

- هنگام دادن دستورات و ارائه‌ی درس، شیوه‌های مهارتی چند حسی را به کار ببرید و همه‌ی حواس دانش‌آموزان را به کار بگیرید. - صدای خود را طنین‌انداز کنید و مطمئن شوید همه‌ی دانش‌آموزان صدای شما را به وضوح می‌شنوند.

- متوجه صداهای مزاحم موجود در اتاق، مانند سر و صدای گرم‌کننده‌ها یا دستگاه تهویه‌ی هوا باشید.

- دانش‌آموزان را به گونه‌ای مستقر کنید که بتوانند تخته یا پرده‌ی نمایش را ببینند.

- هدف از موضوع مورد تدریس را برای جلب نظر دانش‌آموزان توضیح دهید.

- هر زمان که ممکن است بیانات و اظهارات دانش‌آموزان را در تدریس دخیل کنید؛ البته بعد از آنکه دست خود را برای اجازه گرفتن بلند کردند. کلاس را به شنیدن نظرات آن‌ها فرا بخوانید. - از یک اشاره‌گر نوری یا لیزری استفاده کنید، چراغ را

خاموش کنید و توجه دانش‌آموزان را با انداختن نور، روی اشیاء یا افراد جلب نمایید.

- از جورچین (پازل) بهره بگیرید. به این صورت که وقتی شما در حال ارائه‌ی درس یا ایراد سخنرانی هستید، دانش‌آموزان جای خالی کلمات را بر طبق آنچه می‌گویید یا روی تخته می‌نویسید پر کنند.

- از فیلم، عکس، نقشه و... که قابل رؤیت هستند استفاده کنید. هنگام ارائه‌ی مطالب سر وازه‌ها یا تصاویر عمده را روی تخته نشان دهید.

- شکل بکشید. اگر طراحی شما برای کشیدن شکل در هنگام ارائه‌ی مطالب خوب نیست، ایرادی ندارد، به خود دانش‌آموزان این اجازه و جرئت را بدهید که شکل بکشند. حتی اگر مهارت این کار را ندارند.

تذکر: ویدئو پروژکشن بهترین ابزار برای متمرکزسازی نظر دانش‌آموزان در کلاس است. شما می‌توانید اطلاعات را به‌صورت رنگی بنویسید، بدون آنکه نیازی باشد به دانش‌آموزان پشت کنید. به این صورت مدیریت کلاس بهتر خواهد بود و مشکلات رفتاری کمتر. در این نوع از پروژکتور، می‌توانید به راحتی با الگوسازی اطلاعات مهم را مشخص کنید. در این روش، فرآینمایی، با صرفه‌جویی در وقت، در حد عالی قابل اجراست. سپس بخشی از آن قابل پوشش می‌شود و هر عامل حواس‌پرتی و محرک‌های دیداری روی پرده قابل رفع.

- مودی را که نمی‌خواهید دانش‌آموزان از نظر دیداری روی آن متمرکز شوند، با پوشاندن یا خارج کردن، از میدان دید محو کنید. عامل حواس‌پرتی را از روی تخته یا پرده‌ی نمایش برطرف سازید. - در طی آموزش و یاد دهی (تدریس) از دانش‌آموزان بخواهید خلاصه‌برداری کنند یا نکات کلیدی را به تصویر بکشند. - میدان دید خود را حفظ کنید. برای حفظ میدان دید خود در کلاس گشت بزنید.

- مطلب را به شیوه‌ای با روح و نشاط‌بخش آموزش دهید.

- آماده باشید و از تأخیر اجتناب کنید (آرین، ۱۳۸۶).

منابع

۱. آصفی، امین. (۱۳۸۹). راهبردهای مدیریت کلاس درس فرایندمدار. قلم علم. تهران.
۲. آرین، فهیمه. (۱۳۸۶). راهنمای مدرسان برای جلب توجه دانش‌آموزان. ماهنامه‌ی اطلاعات علمی. شماره‌ی ۵. پایب ۳۴۲.
3. Seidman, L. J. (2006). Neuropsychological functioning in people with ADHD across the lifespan. Clinical psychology review, 26 (4).
4. Barkley, R. A. (1997). Behavioral inhibition, sustained attention, and executive functions: constructing a unifying theory of ADHD. Psychological bulletin, 121(1).
5. Pennington, B.F., & Ozonoff, S. (1996). Executive function and developmental psychopathology. Journal of child psychology and psychiatry, 37(1).
6. Douglas, V. I. (1983). Attentional and cognitive problems. Developmental neuropsychiatry.
7. Hartman, J; Hunfalvay, T. (2002). Effect of attentional focus of learning the basic cusp for fly fishing. Journal of motor Behavior, 200.



مدیریت کلاس درس تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی

محسن وحدانی - نجمه رضاسلطانی

اشاره

مدیریت کلاس درس تربیت بدنی، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان و آموزگاران تربیت بدنی بوده است. چرا که در این دوره هنوز شخصیت و رفتار دانش‌آموزان به خوبی شکل نگرفته است. در این مقاله، فنونی را بررسی می‌کنیم که به آموزگاران تربیت بدنی کمک می‌کند بتوانند کلاس درس را بهتر مدیریت کنند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت تربیت بدنی، فنون کلامی و غیر کلامی، طرح درس ورزشی

روش‌ها و فنون

امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزش و پرورش و تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، بعضی از آموزگاران در رویارویی با مسائل آموزشی توانایی‌های اساسی ندارند و از روش‌های قدیم و مهارت‌های سنتی و انفرادی برای اداره‌ی کلاس خود استفاده می‌کنند. مهم‌ترین دغدغه‌ی بسیاری از معلمان مبتدی درس تربیت بدنی، از مدیریت اداره‌ی کلاس درس ناشی می‌شود. برقراری نظم و کنترل کلاس و تدریس موفق، مجموعه نگرانی‌های این‌گونه آموزگاران است. بنابراین، توجه به مدیریت کلاس در درس تربیت بدنی که دانش‌آموزان آن از هیجان بالا برخوردارند، حائز اهمیت است. برای بهبود مدیریت کلاس درس برخی فنون نیاز است که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم.

فنون کلامی: به منظور جلب توجه شاگردان به معلم، وی نباید با صدای یکنواخت صحبت کند. بهتر است نوسانات صدای خود را کم و زیاد کند تا دانش‌آموزان شنوندگان فعالی شوند. به‌کار بردن عباراتی مثل «نگاه کنید و دقت کنید» خیلی مهم است. تکرار بعضی افعال و کلمات از جمله نکاتی هستند که به خاطر تأکید، توجه شاگردان را جلب می‌کنند. یاد گرفتن اسامی دانش‌آموزان نیز باعث می‌شود فکر کنند به آنان اهمیت می‌دهید. معلم تربیت بدنی باید تا می‌تواند در اجرای فعالیت‌های ورزشی کمتر از سوت خود استفاده کند. در مواردی لازم است سوت بلند و سریع بزند که دانش‌آموزان را به اطاعت از دستور وادارد. اگر دانش‌آموزان از سنین پایین به صدای سوت توجه کنند و احترام بگذارند، اول اینکه این کار موجب ایجاد نظم بین آنان خواهد شد و ثانیاً یادگیری احترام به صدای سوت، در آینده از اتلاف وقت جلوگیری خواهد کرد. سوت فقط برای متوقف کردن فعالیت ورزشی باید به صدا درآید. معنی صدای سوت این است که «بایستند و به مربی چشم بدوزند و به فرمان او گوش کنند».

فنون غیر کلامی: با توجه به هدف درس تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی که توسعه‌ی مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی در دانش‌آموزان است، ارائه‌های غیر کلامی بیشتر از ارائه‌های کلامی اهمیت دارند. بعضی از ایماها و اشارات معلم باعث دقت بیشتر شاگردان می‌شود؛ حرکات دست، چشم، ابرو، دهان، انگشتان و



سر، مشتمل بر این حرکات است.

فعالیت‌های ورزشی را که جنبه‌ی مسابقه‌ای ندارند، می‌توان با علامت‌های دست هدایت کرد. با توجه به وسعت کلاس درس تربیت‌بدنی، هنگام نرمش و حرکات کششی، برای اینکه توجه دانش‌آموز را جلب کنیم، باید بین آن‌ها حرکت کنیم و حرکت صحیح را به آن‌ها آموزش دهیم. این حرکت و توجه به دانش‌آموزان، ضمن کنترل همه‌جانبه، به افزایش انگیزه و عزت‌نفس دانش‌آموزان نیز منجر می‌شود.

سیستم پاداش و ایجاد انگیزه: یکی از روش‌های مناسب برای اینکه دانش‌آموزان توجه بیشتری به کلاس داشته باشند و از بی‌انضباطی بپرهیزند، ارائه‌ی بازخورد مناسب و ایجاد انگیزه در آنان است. معلم تربیت‌بدنی می‌تواند در ازای هر چند حرکت صحیح دانش‌آموزان، آنان را به صورت انفرادی یا جمعی تشویق کند تا انگیزه‌ی آنان افزایش یابد.

تدوین قانون و مقررات کلاس: تدوین و تشریح قوانین کلاسی و آگاهی دادن به دانش‌آموزان باعث ایجاد نگرش می‌شود و در نهایت عملکرد مثبت فردی و گروهی را در پی دارد. از جمله اینکه از ابتدا دانش‌آموزان را ملزم به آوردن کفش و لباس ورزشی کنیم.

طرح درس: اداره‌ی صحیح فعالیت‌های ورزشی مستلزم داشتن طرح درس قبلی است، به‌طوری که معلم قبل از اجرای فعالیت‌های ورزشی باید بداند چه باید بکند تا با توجه به وقت موجود بتواند حداکثر استفاده را به دانش‌آموزان برساند. همچنین، باید طرح درس به گونه‌ای طراحی شود که هم متناسب با برنامه‌ی درسی ملی و اهداف درس

تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی باشد و هم از تنوع تمرین و فعالیت برخوردار باشد. در ورزش باید از بازی‌ها و شیرین‌کاری‌ها و مسابقه‌ها به موقع استفاده کرد تا فعالیت ورزشی یکنواخت نباشد. استفاده از بازی‌هایی همراه با شعر و آهنگ و استفاده از بازی‌های گروهی و رقابتی می‌تواند کمک شایانی به مدیریت کلاس کند.

سازمان‌دهی: کلاس‌های درس تربیت‌بدنی عموماً شلوغ و پرازدحام هستند. کمبود فضا، وقت، و وسایل و تجهیزات ورزشی، به همراه زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان، مشکلات بزرگی را برای آموزگاران تربیت‌بدنی ایجاد می‌کند. انتخاب بهترین روش سازمان‌دهی کلاس نتایج مفیدی به همراه خواهد داشت. در دوره‌ی ابتدایی، دادن مسئولیت بیشتر به دانش‌آموزان، ضمن توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی در آنان، به مدیریت بهتر کلاس منجر می‌شود. سازمان‌دهی مناسب کلاس به دانش‌آموزان کمک می‌کند احساس امنیت کنند. باید به دانش‌آموزان یاد داد که به هنگام فرمان معلم، سریعاً در گروه‌های دلخواه مستقر شوند. گروه‌ها یا تیم‌های ۶ تا ۸ نفره معمولاً بهترین انتخاب هستند.

استقرار هر گروه برای پوشش کامل زمین به معلم امکان می‌دهد کل نفرات کلاس را به‌طور مؤثر زیر نظر بگیرد. استقرار صفی مناسب افراد مبتدی و فعالیت‌های پرتابی است که به رعایت نوبت صف نیاز دارند. استقرار دایره‌ای مناسب فعالیت‌هایی است که در آن سرگروه در وسط قرار دارد و نحوه‌ی صحیح حرکت را به هم گروه‌های خود بازخورد می‌دهد. استقرار زیگزاگی برای ضربات فوتبال و والیبال مناسب است. استقرار نیم‌دایره برای انجام حرکات کششی مناسب است تا همه‌ی کلاس تحت کنترل معلم باشند. استقرار مربعی یا مستطیلی برای بازی‌هایی مناسب است که دانش‌آموزان هر ضلع حرکتی مشابه داشته باشند. استقرار پراکنده به صورت تصادفی انجام می‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند در هر جا که مایل‌اند بایستند یا بنشینند.

منابع

۱. بتاریس، اس و فنی مور (۱۳۸۱). مدیریت کلاس درس مبتنی بر دانش‌آموزمحوری. ترجمه‌ی کیانوش هاشمیان. دانشگاه الزهراء. تهران.
۲. بولتون، رابرت (۱۳۸۱). روان‌شناسی روابط انسانی. حمیدرضا بهرامی. انتشارات رشد. تهران.
۳. پرداختچی، محمدحسین (۱۳۷۸). نقش نظارت و راهنمایی آموزشی در بهبود کیفیت آموزش عمومی. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت. شماره‌ی ۴۷.
۴. تاج‌الدین، ضیاء. مدیریت کلاس درس. رشد تکنولوژی آموزشی. دوره‌ی تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲. ش ۵.
۵. جی‌کارنلج، جی اف میلیون (۱۳۷۲). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. محمدحسین نظری‌نژاد. آستان قدس رضوی.
۶. دادگران، محمد (۱۳۷۹). مبانی ارتباطات جمعی. ویرایش سوم. فیروزه.
۷. راگ، ادوارد کنراد (۱۳۸۲). مدیریت کلاس درس در دبستان. علیرضا کیامتش. انتشارات رشد. تهران.
۸. رؤفی، محمدحسین (۱۳۷۷). مدیریت رفتار کلاس. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.



حکم

شکوه تقدیسیان



خوشبختی خود را یافته بود.

یادش آمد که روز معلم، شاخه‌های گل بود که برایش هدیه می‌آوردند. یادش آمد که هدیه‌ی معصومه از همه‌ی هدیه‌ها ارزنده‌تر بود. او برایش شعر گفته بود. شعر معصومه در دفتر خاطراتش ماندنی شد. شعر معصومه پژواک مهربانی‌های خودش بود. همان ترانه‌ی جاویدانی که دست سرنوشت از روز اول برایش ساخته بود و نماد زندگی پر بار و پر برکت او بود. در چنین روزهایی، بچه‌ها سرور و شادمانی را با پرتو نگاه‌های پاک و مهربانشان نثارش می‌کردند و برایش صدها خاطره می‌آفریدند.

کنار میز رئیس کارگزینی ایستاده بود و از خاطره‌هایش سان می‌دید و در روای شیرین گذشته‌اش سیر می‌کرد.

حکم بازنشستگی را گرفت، به زور لیخندی زد و تشکر کرد. به او تبریک گفتند. مدرسه برایش مراسمی بر پا کرد. از او و خدماتش تقدیر کردند. شنید که گفته‌اند به بازنشسته‌ها پاداش خدمت می‌دهند. خوش حال شد: فکر کرد با این پول می‌تواند بعضی گودال‌های تعهداتش را پر کند، اما نه همه را! همه‌ی گودال‌ها که با این وجوه پر نمی‌شوند!

همچنان سعی می‌کرد ذهن آشفته‌اش را سر و سامان دهد. به آینده فکر می‌کرد. آینده برای او روشن بود؛ بازتابی از گذشته و مستلزم کاریابی و تلاشی مجدد برای پر کردن چاله‌هایی که در نهایت قناعت و شکیبایی، اجازه نداده بود کسی از وجودشان آگاه شود. نشستن و ماندن در خانه چیزی نبود که رضایت او را جلب کند. رضایت او در انتقال دانش و مهارت سی ساله‌اش در تربیت و آموزش بچه‌های دبستانی بود؛ همان‌ها که سال‌ها بعد، با عناوین هنرمند، بازرگان، دکتر، مهندس، معمار و ناشر فعال می‌شدند و نیازهای جامعه را تأمین می‌کردند. قدم‌زنان به خانه رسید. خوش حال بود که با دست پر به خانه برمی‌گردد. با حکم بازنشستگی، با تقدیرنامه‌ی مدرسه و با شعر معصومه!

چهره‌اش حکایت از نجابت، قناعت و ایثار داشت. وقتی در کارگزینی اداره‌ی آموزش و پرورش حکم بازنشستگی را به دستش دادند، هنوز هم جوان بود، با کوله‌باری از تجربه و چهره‌ای مصمم برای ادامه‌ی کار. به مدت سی سال قیل و قال کلاس‌ها و های و هوی مدرسه را دیده بود؛ با فراز و نشیب‌های حرفه‌ای و اداری و برخورد‌های تلخ و شیرین اولیا و مسئولان. اما خودباوری و صبوری نهادینه شده‌ای که ذاتاً در او وجود داشت، مددکارش بود و مسائل را حل می‌کرد.

از دست‌هایش هنوز عطر مهربانی و عطوفت نسبت به کودکان تراوش می‌کرد؛ دست‌هایی که با نرمی و زبری گچ و سختی و سستی تخته‌های کلاس خو گرفته بودند. سینه‌اش مخزن رمز و راز فرهنگی بود که او مسئولیت انتقال غنای خدشه‌ناپذیرش را به عهده داشت. و دهانش آن پنجره‌ی جادویی بود که سال‌ها با لطف و مهربانی، دورنمای باشکوه دانستن و فهمیدن را روی نوجوانان گشوده بود. چشم‌هایش نگاهی آرام و مهربان داشت؛ از جنس نگاهی که کودکان در مادر می‌بینند و او مادرانه سال‌ها خط ممتد سرنوشت شاگردان خود را تعقیب کرده بود.

هنوز نگران بچه‌ها بود. آیا احمد مادرش را می‌بیند؟ حسن چطور؟ دیکته‌ی شب او را چه کسی تصحیح می‌کند. سهراب با نامادری چه کرده است و چه می‌کند؟ و در عین رضایت درونی، فکر می‌کرد ریاضی مسعود خیلی بهتر شده است! چه کسی با او «فوق برنامه» کار خواهد کرد. با حضورش در کلاس، خودش را فراموش می‌کرد. او خودش را در وجود بچه‌های کلاس می‌دید؛ کودکانی که سی سال با آن‌ها زندگی کرده بود. با خنده‌هایشان خندیده بود و در تبسم‌های معصومشان

سنگ تراش

فاطمه مریدی

دبستان دخترانه‌ی مهدیه، سیرجان

اشاره

شنیده‌ایم، وقتی از میکِل آنژ، مجسمه‌ساز بزرگ ایتالیایی، پرسیده بودند چگونه از سنگ‌های سخت چنان مجسمه‌های زیبا و لطیفی می‌سازد، در جواب گفته بود: من مجسمه نمی‌سازم، فقط مجسمه‌هایی را که در سنگ بوده‌اند، بیرون می‌آورم. واضح است که این مفهوم حکیمانه قرابت زیادی با کار معلمی دارد. تنها فرقی که در این است که ما با انسان طرف هستیم؛ انسان با همه‌ی قابلیت‌ها و محدودیت‌هایش. انسان‌هایی که هر کدام عالمی دارند. ما به‌عنوان معلم کلاس باید در هر موضوع درسی شیوه‌هایی را به کار گیریم که بتوانیم شاگردان را به موضوع علاقه‌مند کنیم و از هر کلاس درس با موضوع‌های متفاوت استفاده‌ی کامل کنیم. موضوعی که پیش‌روی شماست، به احیای زنگ انشا در مدارس می‌پردازد.

یک تجربه در کلاس انشا

در زمینه‌ی احیای انشا به‌عنوان آموزگار چند شیوه را در پیش گرفته‌ام. به جنبه‌ی عملی آن توجه کرده‌ام و موضوع‌های انتزاعی را انتخاب نمی‌کنم. به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنم درباره‌ی اشیای ملموس اطراف خود مطلبی بنویسند. یعنی هر چه را در اطراف آن‌هاست با دقت ببینند و آن را وصف کنند؛ مثلاً کمدی که در کلاس درس آن‌هاست یا تخته‌ی کلاسشان. به آن‌ها می‌گویم درباره‌ی موضوعی که می‌خواهند بنویسند، سؤال طرح کنند. مثلاً جای کمد در کلاس کجاست؟ چه رنگی دارد؟ به چه عنوان از آن استفاده می‌کنند؟ در آخر

هم سؤالات را مرتب کنند. به این ترتیب، انشایی کوتاه در مورد آن موضوع به دست می‌آید.

این روش، تا حدودی مشکلات انشانویسی را رفع می‌کند و بچه‌ها با اشتیاق بیشتر در کلاس حاضر می‌شوند. همه در این زنگ فعال هستند و کسی احساس خستگی نمی‌کند. روش دیگری که به کار گرفته‌ام، این است که داستانی ناتمام، در حد سن آن‌ها، روی تخته می‌نویسم و به کمک آن‌ها آن را کامل می‌کنم. این روش بازی خلاقانه‌ای است که همه‌ی بچه‌ها در آن مشارکت دارند. کامل کردن داستان خلاقیت است. روش دیگر که برای فعال کردن زنگ انشا به کار می‌برم، این است که برای خود دفتری دارم که بهترین انشاهای بچه‌ها را در آن بازنویسی می‌کنم. نوشتن انشا را همیشه به زنگ اول اختصاص می‌دهم. هنگام ورود به کلاس، چند موضوع را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسم و درباره‌ی آن‌ها چند دقیقه صحبت می‌کنم. بعد بچه‌ها را موظف می‌کنم موضوع را در کلاس بنویسند. به تجربه دریافته‌ام، در خانه از دیگران کمک می‌گیرند.

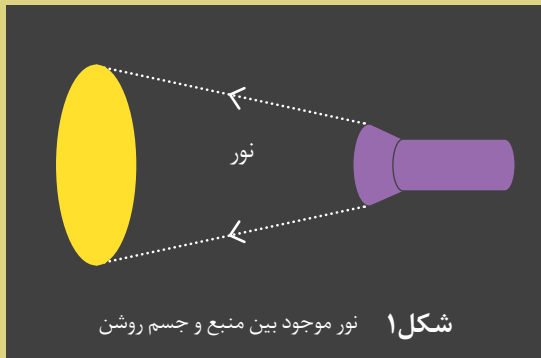
در آخر کار همه‌ی دفترها را جمع می‌کنم، به منزل می‌برم و با دقت کامل آن‌ها را می‌خوانم و اشتباهات بچه‌ها را یادداشت می‌کنم. در جلسه‌ی بعد موضوع را در کلاس طرح می‌کنم و اشکالات آن‌ها را می‌گویم. بعد هم بهترین موضوع‌ها را به کمک بچه‌ها انتخاب می‌کنم. هر دانش‌آموزی که انشای خود را در دفتر من می‌نویسد، عکسی هم از خودش کنار آن می‌چسباند. این کار بچه‌ها را تشویق می‌کند در نوشتن دقت کنند و حس نویسندگی خود را تقویت کنند تا انشای آن‌ها به دفتر من راه پیدا کند.



کج فهمی‌های دانش‌آموزان درباره‌ی نور

پریوا صفری

هنوز نور وجود دارد؟». در نتیجه‌ی چنین گفتمانی، کودکان تصور می‌کنند که نور از ویژگی‌های عمومی یک محل است. این امر با دید علمی رایج درباره‌ی نور مخالف است که در آن نور نوعی انرژی تلقی می‌شود و از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر حرکت می‌کند. (Galili & hazan, 2000:57-880)



در شکل ۱، یک چراغ قوه نشان داده شده است که یک قسمت مسطح از اتاقی تاریک را روشن کرده است. بسیاری از کودکان باور دارند نور تنها در منبع نور (چراغ قوه) و سطح روشن وجود دارد، زیرا این‌ها تنها جاهایی هستند که به صورت روشن دیده می‌شوند؛ در واقع، چون نور از چراغ قوه تا سطح روشن حرکت می‌کند، اما باید توجه داشت که به علت زیاد بودن سرعت حرکت نور و دیده نشدن پرتو نور در بین مسیر، کودکان دچار این کج فهمی می‌شوند.

کج فهمی دیگر کودکان در رابطه با حرکت نور این است که نور در شب حرکت نمی‌کند و به همین دلیل است که تاریکی اتفاق می‌افتد. برعکس، برخی از کودکان فکر می‌کنند نور در شب

اشاره

یکی از مفاهیم اساسی در علم فیزیک، نورشناسی است. انسان‌ها غالباً اطلاعات پیرامون خود را از طریق حس بینایی و به کمک نور دریافت می‌کنند. بنابراین، شناخت هرچه دقیق‌تر رفتار نور و پدیده‌های مرتبط با نورشناسی، جایگاه ویژه‌ای در علم فیزیک دارد. در این مطالعه، میزان درک دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی درباره‌ی نور و مفاهیم مرتبط و همچنین کج فهمی‌های احتمالی بررسی شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که برای آموزش اثربخش مفاهیم مرتبط با نور در دوره‌ی ابتدایی، باید از روش‌های تدریس ویژه‌ای استفاده کرد تا از بروز کج فهمی جلوگیری به عمل آید.

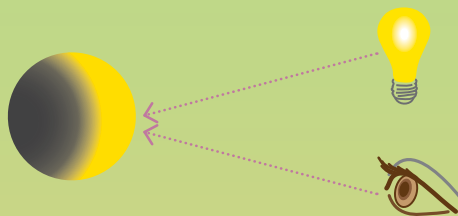
کلیدواژه‌ها: کج فهمی، نور، دانش‌آموزان دبستان

دانش‌آموزان قبل از ورود به کلاس درس، فرصت‌های بسیاری در اختیار دارند تا درباره‌ی دنیای اطراف خود و انواع پدیده‌های علمی تصورات و الگوهای ذهنی گوناگونی بسازند. بیشتر اوقات تصورات دانش‌آموزان در رابطه با برخی مفاهیم و پدیده‌های علمی، برخلاف نظریه‌های علمی پذیرفته شده هستند. پژوهشگران در توصیف این تصورات اشتباه علمی، از واژه‌های گوناگونی نظیر کج فهمی، تصورات خام، و یا پیش تصورات استفاده می‌کنند (Allen, 2010). بسیاری از تصورات ذهنی دانش‌آموزان نتیجه‌ی تجربه‌های روزانه، مشاهده‌ی پدیده‌های علمی و کاربرد علم و فناوری در زندگی انسان‌هاست و زمانی که در کلاس درس درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌شود، می‌تواند به عنوان پیش تصور یا یادگیری پیشین نمایان شود و بر فرایند یاددهی - یادگیری تأثیر بگذارد. (stavy: 1990:501-512)

کج فهمی کودکان در زمینه‌ی محل حضور نور

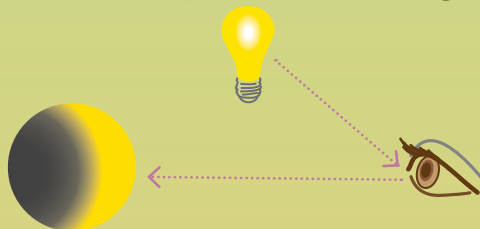
بسیاری از دانش‌آموزان معتقدند که نور فقط در محیط‌های روشن یافت می‌شود. این کج فهمی در تجربه‌های پیشین و گفت‌وگوهای روزمره ریشه دارد. در گفت‌وگوهای عامیانه می‌توان هر محیط روشن را مترادف با نور تعریف کرد. به عنوان مثال، «ما در اینجا به نور بیشتری احتیاج داریم؛ آیا در بیرون

آن‌ها نگاه می‌کنیم.



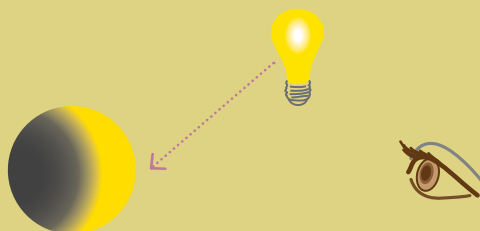
مدل نگاه کردن به اجسام

ب) کودک بر این باور است که چشم ما برای دیدن اجسام به روشنایی نیاز دارد تا پرتوهای نور را به جسم بفرستد تا بتواند آن را ببیند.



مدل انعکاس نور توسط چشم

پ) شکل زیر نشان می‌دهد که جسم روشن است، اما پرتو نوری از آن خارج نمی‌شود. این امر نشان‌دهنده این کج‌فهمی است که نور تنها در نواحی روشن وجود دارد. یعنی دانش آموز اعتقادی ندارد که پرتو نور از جسم به سمت چشم گسیل شده است؛ بلکه به واسطه دریافت نور از منبع و روشن شدن جسم، می‌توان آن را دید.



مدل وجود نور فقط در نواحی روشن

برای رفع این کج‌فهمی‌ها بهتر است هنگام آموزش مفاهیم نور، کودکان را عادت دهید تا هر جا که مناسب است منبع نور را نیز در شکل‌های پرتو نوری که رسم می‌کنند، لحاظ کنند. این امر کمک می‌کند کودکان درک کنند علت دیدن اجسام این است که نور تابیده شده از منبع نور توسط جسم باز می‌تابد و به چشم ما می‌رسد. در این حالت، دیدن جسم اتفاق می‌افتد.

منابع

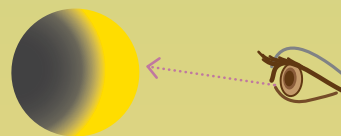
1. Allen, M. (2010). Misconceptions in primary science, Open University Press, McGraw-Hill Education, Berkshire, England.
2. Stavy R., (1990). Pupils' problems in understanding conservation of matter, International Journal of Science Education, Vol. 12.
3. Galili, I. and Hazan, A., (2000). Learners' knowledge in optics: Interpretation, structure and analysis. International Journal of Science Education, Vol. 12.

بیشتر حرکت می‌کند و به همین خاطر است که در روز، نور چراغ اتومبیل یا چراغ قوه‌ی روشن به خوبی دیده نمی‌شود.

بهترین شیوه برای اصلاح کج‌فهمی‌های اشاره شده، انجام آزمایش است. آزمایش‌هایی که با حرکت نور مرتبط هستند، به یک اتاق کاملاً تاریک نیاز دارند. کودکان می‌توانند با پاشیدن اندکی آرد یا گچ در ناحیه‌ی بین چراغ قوه و سطح روشن، پرتوهای نور را قابل رؤیت سازند. معلمان نیز می‌توانند با جایگزین کردن چراغ قوه با قلم لیزری، باریکه‌ی نور را به دانش‌آموزان نشان دهند. این فعالیت‌ها می‌توانند برای اثبات حرکت نور از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر شروع خوبی باشند.

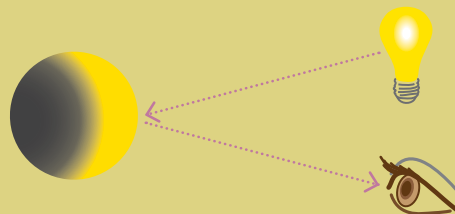
کج‌فهمی کودکان در زمینه‌ی چگونگی دیدن اجسام

بسیاری از کودکان معتقدند برای دیدن اجسام باید نور از چشم به جسم بتابد. آن‌ها معمولاً در نقاشی‌های خود شکل پرتوها را طوری رسم می‌کنند که نشان می‌دهد برای اینکه چیزی دیده شود، باید نور از چشم آن‌ها حرکت کند و به آن برسد.



نور از چشم به اجسام می‌تابد

در واقع، عکس این بیان درست است. ما اجسام را به این دلیل می‌بینیم که چشم قادر است پرتوهای نور منعکس شده از اجسام را ببیند. این کج‌فهمی سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. در یونان باستان، عقیده بر این بود که نور از چشم به سمت اجسام می‌تابد و بازتاب آن باعث دیدن و دیده شدن می‌شود. اما **ابن هیثم**، پدر علم نورشناسی، در قرن پنجم هجری رساله‌ای درباره‌ی نورشناسی نوشت و ثابت کرد که هنگام دیدن اجسام، نور از یک منبع نور بر جسم می‌تابد و پس از رسیدن انعکاس آن به چشم، عمل دیدن اتفاق می‌افتد.



انواع دیگری از کج‌فهمی‌های رایج در زمینه‌ی فرایند دیدن وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) بیان روزمره «نگاه کردن به چیزها» منجر به این باور می‌شود که تنها زمانی چیزها را می‌بینیم که به‌طور آگاهانه به

فرصتی برای شناخت دانش‌آموزان نیست با آموزگاران دبستان مبعث درباره‌ی طرح چند معلمی

سمانه آزاد

اشاره

طرح چند معلمی یا تدریس تخصصی به‌منظور افزایش کارایی تدریس آموزگاران و ایجاد تناسب در تعداد معلمان ابتدایی در پایه‌های پنجم و ششم اجرا می‌شود. این طرح که امسال شاهد اجرای سراسری آن هستیم، مانند بسیاری دیگر از برنامه‌ها، موافقان، مخالفان و نیز محاسن و معایبی دارد که آموزگاران بهتر از هر کسی متوجه آن می‌شوند. معلمان دبستان مبعث در ناحیه‌ی یک کرج از جمله آموزگاران هستند که هم سال گذشته به‌صورت آزمایشی و هم امسال طرح چند معلمی را اجرا کرده‌اند و می‌توانند نظرات قابل توجهی درباره‌ی کاستی‌ها و نقاط قوت این طرح اظهار کنند.

است. روزه در این باره می‌گوید: «یکی از معایب این طرح قضاوت خانواده‌ها براساس درسی است که معلم تدریس می‌کند. برای مثال، خانواده‌ها گمان می‌کنند اگر معلمی ریاضی را به‌طور تخصصی تدریس می‌کند، پس حتماً توانایی و سواد بیشتری دارد. قضاوت خانواده‌ها بر نگرش دانش‌آموزان هم تأثیرگذار است. از این‌رو، ما در کلاس‌های درس با آسیب‌های این نوع نگاه روبه‌رو هستیم. اگر قرار است براساس چنین معیاری سنجیده شویم، ترجیح می‌دهیم مانند گذشته همه‌ی درس‌ها را آموزش دهیم.»

هنگامه احتشامی هم در این باره می‌گوید: «وقتی اولیا برای بررسی وضعیت فرزندشان به مدرسه می‌آیند، فقط سراغ معلم ریاضی و در نهایت علوم می‌روند. بقیه‌ی درس‌ها برایشان اهمیت چندانی ندارد. البته از سوی دیگر، این طرح باعث می‌شود معلم درس‌هایی مانند املا، انشا و فارسی که به هم مربوط‌اند، متفاوت باشد. این موضوع باعث ایجاد دوگانگی در آموزش دانش‌آموزان می‌شود.»

معلمان مدرسه هم با این محاسن موافق‌اند. **زهرا روزه**، آموزگار پایه‌ی پنجم که درس علوم را به‌طور تخصصی تدریس می‌کند، معتقد است: «تمی‌توان به‌طور کامل



مریم امیریزدانی مدیر دبستان مبعث معتقد است، طرح چند معلمی محاسن و معایبی دارد، اما هنوز معلوم نیست کدام کفه سنگین‌تر است: «یکی از بهترین آثار این طرح آن است که از مهارت آموزگاران در رشته و درسی که تخصص دارند استفاده می‌شود تا همه‌ی دانش‌آموزان از توانایی او بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان هم با فضای چند معلمی دوره‌ی بعدی آشنا می‌شوند و در نتیجه با چالشی جدی مواجه نخواهند شد.» وی معتقد است، حساسیت و نگرانی خانواده‌ها در انتخاب معلم دوره‌ی ابتدایی بیشتر است، اما این طرح از نگرانی خانواده‌ها می‌کاهد، چرا که معلمان توانمند در همه‌ی کلاس‌ها حضور دارند.

گفت این طرح مثبت است یا منفی، اما تجربه نشان می‌دهد هر طرحی هم معایبی دارد و هم مزایایی. نخستین حسن این طرح آن است که معلم طبق رشته و تخصص خود تدریس می‌کند. بنابراین، دانش‌آموزان بهره‌ی بیشتری از دانش او خواهند برد. علاوه بر این، اگر معلم بنا بر هر دلیلی، نتواند یک روز در کلاس حاضر شود، دانش‌آموزان همه‌ی روز را از دست نمی‌دهند.»

قضاوت خانواده‌ها

با وجود این محاسن، اشکالاتی هم در میان





مشکل همیشگی کمبود وقت

مریم معزی، معلم پایه‌ی ششم هم به تشدید معضلات ناشی از کمبود وقت اشاره می‌کند: «شاید این طرح برای دوره‌ی متوسطه‌ی دوم که زنگ‌ها طولانی‌ترند مناسب باشد! در دوره‌ی ابتدایی که هر زنگ ۴۵ دقیقه است، فرصت کافی برای اجرای این طرح وجود ندارد. در واقع نیمه تمام ماندن درس به دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی لطمه می‌زند.» همین کم بودن فرصت باعث شده است معلمان در بازه‌ی زمانی طولانی‌تری به شناخت دانش‌آموزان دست پیدا کنند. معزی در این باره می‌گوید: «معلم دوره‌ی ابتدایی باید روحیات دانش‌آموزان را بشناسد و بر این اساس از آن‌ها انتظار داشته باشد. اما وقتی با چند کلاس سروکار داریم، مدت‌ها طول می‌کشد که ما فقط نام دانش‌آموزان را حفظ کنیم. در نتیجه دیگر فرصتی برای شناخت روحیات و مشکلات دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند. برای تدریس هم با کمبود وقت مواجهیم. ما نمی‌توانیم درسی مانند ریاضی را طبق بوجه‌بندی پیش ببریم. در نتیجه، دانش‌آموزان هم، آن‌طور که باید، ریاضی را یاد نمی‌گیرند. تا پیش از اجرای این طرح، اگر در درس‌های دیگر وقت اضافه داشتیم، آن را برای درس‌های دیگر اختصاص می‌دادیم، اما اکنون دیگر نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم.»

صمیمت از دست رفته

اکرم ایوبی، آموزگار دیگر مدرسه، بر کم‌رنگ شدن صمیمت میان معلم و دانش‌آموز تأکید می‌کند: «در دوره‌ی ابتدایی معلم و دانش‌آموز باید ارتباط صمیمانه‌ای با

هم داشته باشند، اما در این طرح، به‌دلیل زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان، باید زمان



زیادی صرف برقراری ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان کنیم. ضمناً اگر قرار بود دانش‌آموزان پایه‌ی ششم هم با روش چند معلمی روبه‌رو شوند، حضورشان در دوره‌ی متوسطه‌ی اول با توجه به سنشان بهتر بود.»

مریم نظری هم به برقرار نشدن ارتباط صمیمانه با دانش‌آموزان اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی با یک معلم سروکار داشته باشد، رابطه‌ی عمیق‌تری بینشان ایجاد می‌شود. از این‌رو، تأثیرگذاری معلم هم بیشتر خواهد بود.»



امیریزدانی که هم با معلمان و دانش‌آموزان و هم با خانواده‌ها در ارتباط است، اعتقاد دارد گاهی برخی دانش‌آموزان معلمان دیگر را نمی‌پذیرند و این باعث بروز مشکلاتی شده است: «در دوره‌ی ابتدایی دانش‌آموزان نسبت به معلم خود علاقه و حتی تعصب خاصی دارند و معلمان دیگر را نمی‌پذیرند. می‌توان گفت، حتی خیلی سخت معلم

دیگری را در کلاس پذیرا می‌شوند.»

باید چه کرد؟

روزبه معتقد است، ابتدا باید زمینه‌های طرح را فراهم کرد، از جمله کارگاه برای هر درس، تراکم کم دانش‌آموزان و تدریس تخصصی معلمان: «باید برای هر درسی کلاس‌ها به‌صورت کارگاهی برگزار شوند. دوم آنکه درس‌ها کاملاً به‌طور تخصصی تدریس شوند. یعنی معلمان این دو پایه متخصص رشته‌های درسی باشند. از سوی دیگر، نباید در کلاس‌بندی‌ها به معلم اجحاف شود. گاهی تحت فشار خانواده‌ها، همه‌ی دانش‌آموزانی که توانایی بهتری دارند، در کلاس یک معلم قرار می‌گیرند و همه‌ی دانش‌آموزان سطح پایین‌تر در کلاس دیگر جمع می‌شوند. در این صورت همه‌ی فشارها بر دوش یک معلم خواهد بود.»

ایوبی هم با همکار خود موافق است: «به‌نظر من باید تدریس درس‌ها با توجه به علاقه‌های معلمان و به‌صورت تخصصی صورت بگیرد. به این ترتیب که معلم درس مورد علاقه‌ی خود را که در آن مهارت دارد انتخاب کند و دوره‌های ضمن خدمتی را در این زمینه بگذراند تا با دست پر وارد کلاس شود. اجباری شدن تدریس برخی درس‌ها در این طرح خوشایند نیست.»

معزی نیز تدریس تخصصی درس‌ها را یکی از راهکارهای موفقیت این طرح می‌داند: «اگر قرار است درس‌ها به‌صورت تخصصی تدریس شوند، معلم باید دوره‌ی آن را گذرانده باشد و از سوی اداره با ابلاغ معلم تخصصی یک درس و یک پایه وارد مدرسه شود. معلمی که درسی را به اجبار تدریس می‌کند، تا آخر سال حس خوبی نخواهد داشت و این به معلم و دانش‌آموز لطمه می‌زند.»

با آنچه معلمان مدرسه‌ی میثع گفتند، به‌نظر می‌رسد هنوز طرح چند معلمی آن‌طور که باید آثار خود را نشان نداده است. برقرار نشدن ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان، کمبود وقت، قضاوت نابجای خانواده‌ها و... آن‌ها را به این نتیجه رسانده است که یا رومی روم یا زنگی زنگ. یا تدریس تخصصی به‌طور کامل یا حذف طرح چند معلمی!

نگاه یکپارچه با رویکرد تعالی بخش

ارتقای توانمندی‌های آموزگاران



در دوره‌ی ابتدایی؛

– کاهش افت تحصیلی و تکرار پایه؛

بر همین اساس، انتظار می‌رود اجرای این طرح پیامدهای زیر را به دنبال داشته باشد:

– ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای آموزگاران در اجرای برنامه‌های درسی، با کاهش تعداد عنوان‌های درسی و تمرکز فرصت‌های آموزشی و مطالعاتی آنان بر موضوعات مشخص؛

– افزایش تناسب دوره‌ی ابتدایی از جهت اختصاص آموزگار؛

– استفاده‌ی بهتر از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تخصصی آموزگاران علاقه‌مند سایر دوره‌ها...

البته در سال‌های گذشته، بعضی از مدارس در تعدادی از استان‌ها در دوره‌ی دوم ابتدایی از چند آموزگار استفاده کرده‌اند. تجربه‌های حاصل از اجرای محدود نشان می‌دهد، آموزگاران از آن استقبال خوبی داشته‌اند و مسئولان نیز اجرای آن را رضایت‌بخش اعلام کرده‌اند. ملاحظات مورد تأکید معاونت آموزش ابتدایی در استفاده از چند آموزگار در پایه‌های پنجم و ششم:

– در مدرسی که در دوره‌ی دوم ابتدایی، از هر پایه فقط یک کلاس داشته باشند، این طرح با چرخش آموزگاران کلاس پنجم و ششم اجرا می‌شود و کلاس چهارم به صورت تک آموزگاری باقی می‌ماند. – در مدرسی که از هر پایه‌ی تحصیلی دو کلاس داشته باشند، فقط با استفاده از آموزگاران همان پایه، به ترتیب اولویت از پایه‌ی ششم اجرا می‌شود.

– در مدرسی که تعداد کلاس‌های دایر پایه‌های پنجم و ششم فرد باشد، این طرح با ترکیبی از بندهای فوق اجرا انجام می‌شود؛ – مدرسی که کلاس‌های چندپایه دارند از اجرای این طرح معاف هستند؛ – دادن ابلاغ موظف در دو مدرسه به آموزگاران ممنوع است. – تقسیم درس‌ها به دو گروه، با نظر آموزگاران و نظارت مدیر در هر مدرسه انجام می‌شود؛

– از آنجا که این طرح به دنبال تخصصی کردن آموزش درس‌ها نیست، توصیه‌ی اکید می‌شود از اختصاص عنوان‌هایی چون درس‌های پایه و انسانی به هر یک از گروه‌های درسی پرهیز شود.

محمد دیمه‌رور نیز درباره‌ی طرح چند آموزگاری در دبستان توضیحاتی داده است. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش براساس راهبرد سند تحول چنین توضیح می‌دهد:

با استناد به راهبرد کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنی بر نهادینه کردن نگاه یکپارچه به فرایند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی بخشی در کلیه‌ی مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (راهبرد ۲) و تقویت زمینه‌های دستیابی به انتظارات نظام آموزشی جدید و تمهید شرایط برای برآورده شدن انتظارات جامعه، به ویژه اولیا، و در نهایت، حرکت در مسیر اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، معاونت‌های مختلف آموزش و پرورش باید سیاست‌های اجرایی لازم در جهت تحقق موارد فوق را پیش‌بینی و با تنظیم برنامه‌های لازم آن را اجرا کنند. در این راستا، با اضافه شدن پایه‌ی ششم به دوره‌ی ابتدایی، افزایش تعداد عنوان‌های درسی، تغییر رویکردهای برنامه‌های درسی و محتوای یادگیری و ... دغدغه‌هایی جدی در میان آموزگاران این دوره به وجود آمده است. لذا طرح اختصاص چند آموزگار به دوره‌ی دوم ابتدایی (با اولویت پایه‌ی ششم) به عنوان سازوکاری در تحقق کاهش برخی از آن دغدغه‌ها، با اهداف زیر تدوین شد: – ایجاد تناسب در اختصاص آموزگار به پایه‌ها و دوره‌های مختلف تحصیلی، متناسب با شرایط و اقتضائات هر دوره؛

– تسهیل شرایط ارائه‌ی آموزش‌های حرفه‌ای به آموزگاران در اجرای مطلوب برنامه‌های درسی؛

– ایجاد احساس رضایت شغلی بیشتر در آموزگاران پایه‌های دوره‌ی دوم ابتدایی؛

– کمک به سامان‌دهی بهینه‌ی آموزگاران دارای تقلیل ساعت؛

– استفاده از همه‌ی ظرفیت دبیران تربیت‌بدنی؛

– پاسخگویی مناسب به مطالبه‌ی آموزگاران دوره‌ی دوم ابتدایی؛

– استفاده از توان و ظرفیت‌های آموزگاران علاقه‌مند برای فعالیت

هر کسی کار خودش!

اندر حکایت طرح چند معلمی دبستان



مصطفی محمدی
آموزگار پایه‌ی پنجم، ناحیه‌ی دو کرمان

والدین، بیماری آن‌ها و مرگ و میر یکی از عزیزانشان را با معلم خود در میان می‌گذارند و معلم با آن‌ها صحبت می‌کند تا آرامشان کند. باید یادآور شویم، معلم در دبستان باید درس خود را به نقطه‌ای خاص برساند؛ تعیین تکلیف کند و بعد رها کند. ولی با اجرای این طرح، در اکثر اوقات، درس‌ها، مخصوصاً ریاضیات، تمام نمی‌شوند و چون معلم باید به کلاس دیگر برود، نمی‌تواند درس خود را تمام کند و روز دیگر هم نمی‌تواند دنباله‌ی درس قبل را ادامه دهد، بلکه باید دوباره از ابتدا درس را توضیح دهد و دیگر وقتی برای صحبت‌های دوستانه و آموزش مهارت‌های زندگی نمی‌ماند.

مشکل دیگر طرح جدید این است که معلم تسلطی به نظم و انضباط کلاس نخواهد داشت. دانش‌آموزان در سنی هستند که معلم باید برای جلوگیری از آسیب‌های جسمی، روحی، روانی و عاطفی با همه‌ی خصوصیات روحی و روانی آنان و مشکلات خانوادگی‌شان آشنا باشد تا بتواند در مواقع خاص درست تصمیم بگیرد و این طرح مانع از این شناخت می‌شود.

معمولاً تکالیف در دبستان هدفدار هستند و معلم نوع و حجم تکلیف را با توجه به وضع کلاس تعیین می‌کند. این طرح به چگونگی تکلیف دادن به بچه‌ها نیز صدمه می‌زند.

برخی از موافقان این طرح می‌گویند، اجرای آن باعث تخصص آموزگاران می‌شود. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا یک دکترای ریاضیات بهتر از یک معلم دبستان ریاضی را تدریس می‌کند؟ باید گفت، معلم دبستان فقط باید روش‌های تدریس و راه چگونگی برقراری ارتباط با کودکان را بلد باشد تا بتواند به آن‌ها آموزش دهد.

دوره‌ی دبستان پایه و اساس آموزش و پرورش کشور است و آموزش بقای کشور را تضمین می‌کند. حال در اکثر کشورهای پیشرفته‌ی دنیا، وقتی معلمی استخدام می‌شود، در ابتدا از او در دوره‌های بالا استفاده می‌کنند و بعد از چند سالی که تجربه کسب کرد و به نوعی جا افتاد، آن هم بعد از گذر از فیلترهای متعدد اخلاقی و علمی، با حقوق عالی او را به دوره‌ی دبستان می‌فرستند. ولی ...

چند سالی بود هر معلمی که مدرک کارشناسی و بالاتر می‌گرفت، او را از دبستان به دوره‌های بالاتر می‌فرستادند تا در آنجا هفته‌ای سه روز تدریس کند، دو بار در سال امتحان بگیرد و حقوقش نیز از معلمان دبستان بیشتر باشد. حالا بعد از مدتی که دوره‌ی ابتدایی دچار کمبود نیرو شده است، می‌خواهند آن‌ها را به دبستان برگردانند، چون در چند سال گذشته، نیروهایی که از دوره‌ی متوسطه به دبستان آمده‌اند، کارایی لازم را نداشتند. برای کاستن از شدت این موضوع، طرح تخصصی کردن دروس در دبستان اجرا می‌شود. تصمیم انتقال این عزیزان به متوسطه چندان درست نبود. همان‌طور که می‌دانیم، دانش‌آموزان دبستانی کودکانی هستند به شدت عاطفی که به سرعت به معلم خود دل می‌بندند و او را دوست می‌دارند. بنابراین، آموزگار دبستان باید نقش پدیری و مادری و معلمی را هم‌زمان ایفا کند. طرح دو معلمی کردن باعث دوری بچه‌ها از معلم می‌شود و به احساس پاک آن‌ها صدمه می‌زند. زیرا به علت کمی وقت و جابه‌جاشدن معلمان، دانش‌آموزان دیگر نمی‌توانند مثل قبل با معلم خود درد دل کنند و رابطه‌ی عاطفی عمیق نمی‌شود، در حالی که دانش‌آموزان دبستانی معمولاً مشکلاتی از قبیل مشاجره‌ی

خط مرغوب استفاده‌ی نامربوط

بررسی مختصر خط نستعلیق و تحریری
در کتاب‌های ابتدایی

خسرو شیرچی

اشاره

زبان فارسی به سان موجودی پویا و زیبا هنرمندان خوش‌نویس را وامی‌دارد تا همواره و هر روز بر آن لباسی بدیع و نو به نام «خط» ببوشانند و به چشمان منتظر زیبایی‌شناسان عرضه دارند. اما خط در کتاب‌های درسی داستانی دارد. این سیر را از منظر دو آموزگار بررسی می‌کنیم.

خسرو شیرچی، متولد ۱۳۴۹، معلمی را از بابل شروع کرده است. ۲۴ سال است که هنر تدریس می‌کند و خط می‌آموزد. مهدی غنی یارسا از اسدآباد نیز با ۲۸ سال سابقه‌ی تدریس هنر، مؤلف کتاب «زبان‌نویسی، خوانان‌نویسی» است و پژوهش کوتاهی درباره‌ی خط کتاب‌های درسی دارد که تقدیم می‌شود.

چرا خوش خطی؟

از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین ابداعات بشر خط است و به نظرم خط از عجایب چندگانه‌ی جهان است. و خداوند در قرآن به قلم و هر آنچه می‌نگارد قسم یاد کرده است. خط زیبا جذبه‌ای سرشار از حس مثبت و هارمونی و هندسه‌ی روحانی است.

از نوابغ خط در عالم حضرت علی (ع) است؛ از نخستین لحظات طلوع خطوط عربی و اسلامی اشارات و سفارشات آن حضرت در باب خوش‌نویسی، آن هم در چنان دوره‌ای، جالب‌توجه و تأمل برانگیز است. «الخط لسان الید و بهجة الضمیر»؛ خط زبان دست و روشنی و صفای باطن است.

داند آن کس که آشنای دل است که صفای خط از صفای دل است «خواجه میرعلی هروی»

خط زیبا جلادهنده و روشنی‌بخش وجود آدمی است؛ ادبا و عرفای ما اکثراً نسبت به تربیت معنوی و زنگار زدایی از آیینی جان حساس بوده‌اند، به همین دلیل و به دلیل برخورداری از ذخایر بی‌شمار معنوی از جمله شعر، عرفان و قرآن، خط زیبا روح تغزل و تقدس دارد. خط زیبا داشتن، اعتمادبه‌نفس و تعادل روحی و فکری می‌آورد و این خود تولید حضور مثبت و سازنده‌ی اجتماعی است (حس اعتمادبه‌نفس).

به هر حال، خط زیبا علاوه بر ابلاغ رسانی پیام، تقویت‌کننده‌ی حس زیبا شناختی و هنری در فرد است.

ملاصدرا حکیمانه در این باره فرموده است: «خط نماینده‌ی اخلاق صانع خود است»

خط زیبا از این جهت که هنر دست و ذهن و ذوق است، موجب تازگی و طراوت سلول‌های مغز می‌شود. امروزه دانشمندان یکی از عوامل بازدارنده‌ی پیری مغز و آلزایمر را فعالیت‌های ذوقی و هنری قلمداد می‌کنند. بی‌گمان خلاقیت‌های هنری، از هر جنسی که باشد، در پویایی و عملکرد مغز تأثیر بسزایی دارد. آموزه‌های هنری به سلول‌های مغز نشاط و طراوت می‌بخشند. پس یادتان باشد، خط خوش در همه‌ی ادوار عمر با ما همراه است و فقط به دوران تحصیل محدود نیست.

خط ایرانی اعم از نستعلیق و شکسته نستعلیق و ... در تمام موزه‌های معروف دنیا بازتاب دارد.

و اینک با کلام حضرت علی (ع) به نتایج بحث و جمع‌بندی می‌رسیم: «ای صاحبان ادب، خط بیاموزید، زیرا که زیبایی خط برای اهل ادب زینت است. برای ثروتمندان جمال «معنویت باطنی و جمال ظاهری» و برای فقرا کلید رزق و روزی است. کلام نیکو صید دل‌های مردم

کند و خط نیکو تفرج و روشنی چشم‌هاست. درست و زیبا نوشتن و خوانا نوشتن باید از اهداف برجسته‌ی تحصیلی ما باشد.

و در پایان بار دیگر مرور می‌کنیم تأثیر خط خوب و زیبا را:

۱. تقویت احساس و تلطیف آن
۲. فراگیری هنر زیبا دیدن
۳. هماهنگی دست و ذهن و چشم. «نوعی تسلط بر اعصاب چندگانه‌ی حسی، حرکتی، بینایی و ...»
۴. تقویت دیکته و انشای فارسی
۵. تأثیر در فصاحت و بلاغت ادبی؛ «زیبا سخن گفتن»
۶. تقویت تمرکز به عنوان یک نیروی باطنی و فردی برای پیشرفت‌های زندگی و بندگی خدا
۷. تقویت حس اعتمادبه‌نفس و رضایت روانی
۸. تقویت حس خودشناسی و احساس رضایت درونی
۹. توجه و التزام به موارد هنری نیاکان و گذشتگان.

خوش‌نویسی
هنر گمشده‌ی
نظام آموزشی کشور

مهدی غنی یارسا

در سال ۱۲۱۷ هجری شمسی نخستین

مدرسه به شیوهی امروزی، به همت **میرزا حسن خان رشديه**، در ارومیه و سال بعد در تبریز کار خود را آغاز کرد و در سال ۱۲۳۱ هجری شمسی با تلاش **میرزا تقی خان امیر کبیر** و بنیان‌گذاری دارالفنون در تهران و همچنین تأسیس وزارت معارف^۱ در سال ۱۲۳۲، تألیف کتاب‌های درسی یکسان نیز آغاز شد.^۲ با آنکه کتاب‌های درسی اولیه با خط زیبای نستعلیق نگاشته می‌شد و به چاپ می‌رسید، اما با گسترش صنعت چاپ و به کارگیری حروف سربی در چاپ آن‌ها، قدم‌های اولیهی افول خط زیبای نستعلیق برداشته شد و این مسئله با گسترش حروف چینی رایانه‌ای^۳ به اوج خود رسید (به ویژه فونت‌هایی که به دور از ساختار خطوط رایج ایرانی یعنی نستعلیق، نسخ و ثلث، طراحی شده و بیشتر به ساختار خشک و تناسبات غربی نزدیک شده‌اند)^۴

متن بیشتر کتاب‌های درسی، از جمله دوره‌ی ابتدایی، در دهه‌های نخستین قرن حاضر، به دست استادان بزرگ خوش‌نویسی و به نستعلیق نگاشته شده و سپس در دهه‌های بعد، گاهی کتاب‌هایی به این شیوه یا در کتاب‌های فارسی و ادبیات دوره‌های گوناگون، درس‌های منظوم و منثور به شیوهی نستعلیق، آن هم به دست توانای استادان بزرگی چون **عمادالکتاب**، **محمد احصایی**، **محمد سلحشور**، **جواد شریفی** و **عباس اخوین** به زیور طبع آراسته شده است. در این کتاب‌ها، علاوه بر اینکه از ابتدا مبنای آموزش شکل حروف بر نستعلیق گذاشته شده بود و چشم دانش‌آموزان را با این خط زیبا آشنا می‌کرد (مشق دیداری)، در انتهای هر درس - به ویژه فارسی - به تمرین عملی خوش‌نویسی نیز پرداخته می‌شد. با تغییراتی که در کتاب فارسی اول ابتدایی در ابتدای دهه‌ی ۴۰ شمسی صورت گرفت، خطی بسیار خشک و هندسی برای آموزش حروف و الفبای فارسی در نظر گرفته شد و پیچش‌ها و انعطاف‌های زیبای نستعلیق جای خود را به ساختاری زاویه‌دار و تیز دادند؛ هر چند این شیوه پیش‌تر نیز کم و بیش استفاده می‌شد و یادگیری را آسان می‌کرد، اما نتیجه‌ی آن کاملاً مشخص بود و در پی آن متن سایر کتاب‌ها نیز - به جز مواردی اندک در کتاب‌های فارسی - دیگر به خط نستعلیق نوشته نشد و حروف جدید - به اصطلاح نسخ کتابی (روزنامه‌ای) - جای آن را گرفت. در سال‌های اخیر با ایجاد فونت رایانه‌ای نستعلیق و به کارگیری آن در بعضی کتاب‌های فارسی، بارقه‌های امید روشن شد، اما این رهاورد جدید نه تنها به سایر کتاب‌ها راه پیدا نکرد، در همان موارد اندک نیز دارای مشکلات فنی بسیاری بود. این مشکلات را در کامل نبودن برخی فونت‌های طراحی شده (نرم‌افزارها) و بی‌اطلاعی بعضی حروف چین‌ها و صفحه‌آرایی از شیوهی نگارش خط نستعلیق می‌توان جست‌وجو کرد، چرا که زیبایی این خط در گرو قواعدی است که زیبایی شکل حروف

تنها یکی از آن‌هاست و باید هنگام نگارش (تایپ) اصول دیگری از جمله انتخاب حرف و محل مناسب برای کشیده، جایگاه مناسب کلمه نسبت به سطر و سایر حروف و کلمات، فاصله‌ی حروف و کلمات نسبت به هم یا سطر بعدی و ... را رعایت کرد. نکته‌ی حائز اهمیت در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی جدید که با تغییرات کلی ارائه شده است، به کارگیری خط نستعلیق تحریری است که کار بسیار تأثیرگذاری است و بیشتر دانش‌آموزان را در همان پایه‌ی اول با استخوان‌بندی خط نستعلیق آشنا می‌کند. در نگارش این کتاب‌ها نیز دیگر آن فرم خشک و هندسی کتاب‌های قدیمی کمتر مشاهده می‌شود. موضوع دیگر، به کارگیری خطی دیگر در کنار خط نستعلیق تحریری است (فونت کودک) که در مقدمه‌ی کتاب فارسی بدان عنوان «خط خواندن» و به نستعلیق تحریری عنوان «خط نوشتن» داده شده و هدف از این کار آشنایی دانش‌آموزان با خط خوش و زبان‌نویسی و پرورش سواد دیداری^۵، عنوان شده است. با اینکه این نگرش در مقایسه با کتاب‌های قدیمی عالمانه است، اما خالی از اشکال نیست، چرا که در نهایت بیشتر دانش‌آموزان به جهت ارتباط دیداری دائمی در رسانه‌های گوناگون (کتاب‌های درسی و غیردرسی، نشریات و تلویزیون و ...) در این دو راهی انتخاب بین دو خط خواندن (فونت کودک) و نوشتن (نستعلیق تحریری) به خط خواندن (فونت) گرایش می‌یابند و به جهت نگارش آسان‌تر، این خط را به عنوان دست‌خط خود انتخاب می‌کنند و در پایه‌ی دوم و پایه‌های بعدی کم‌کم به همان عارضه‌ی نسل‌های قبلی (بدخطی) دچار می‌شوند. آنچه به نظر منطقی می‌رسد، این است که در پایه‌ی اول فقط یک خط، آن هم «نستعلیق تحریری»، مبنای آموزش باشد و آشنایی با سایر خطوط به پایه‌های بالاتر و به کتاب‌های غیر فارسی (علوم، ریاضی و ...) موکول شود.

پی‌نوشت

۱. سال ۱۳۳۲: اولین بار وزارتخانه‌ای با نام وزارت علوم پدید آمد که مأموریت اصلی آن نظم دادن به امور آموزش و پرورش کشور به سبک جدید بود.
۲. پیش‌تر دولت و سازمان‌های دولتی هیچ‌گونه نظارتی بر آن‌ها نداشتند و مواد درسی که بدون برنامه‌ای مدون تدریس می‌شدند، عبارت بود از: خواندن، نوشتن، حساب، خط، قرآن و صرف و نحو عربی.
۳. در اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی.
۴. در مقدمه‌ی کتاب فارسی پایه‌ی اول سال ۱۳۹۰ به این نکته اشاره شده است.
۵. مقدمه‌ی کتاب‌های فارسی اول ابتدایی، چاپ ۱۳۹۰.

منابع

۱. برداشتی از مجله‌ی ماه هنر (ماهنامه)، ص ۱۵. فروردین ۱۳۷۹.
۲. مقاله‌ی دکتر فرید فدایی، هفته‌نامه‌ی سلامت، ۱۳۷۶.
۳. رساله‌ی مدادالخطوط، میرعلی هروی.
۴. رشد دانش‌آموز، فروردین ۸۳، سعید کفایتی.
۵. فصل‌نامه‌ی چلیپا، شماره‌ی ۱۰۲، سال ۱۳۷۰.
۶. کتاب‌های درسی مقاطع و پایه‌های گوناگون
۷. کارنامه‌ها و برنامه‌های درسی سال‌های مختلف

من و کلاس هوشمند

محمد صادق اسماعیلی فر
نادیا غلامی پور



پروژه‌ی مربوط با درس ریاضی پایه‌ی سوم، مرتبط با فعالیت‌های الگویابی را پیاده‌سازی می‌کنیم. این برنامه را طوری طراحی می‌کنیم که الگوهای متنوع عددی را تا هر اندازه که بخواهیم (مثلاً برای هر دانش‌آموز) برآیمان تولید کند. از دانش‌آموزان می‌خواهیم گام بعدی الگوی تولیدشده را روی تخته‌ی تعاملی بنویسند. مراحل زیر را انجام می‌دهیم:

۱. براساس آنچه قبلاً گفته شد، پروژه‌ای جدید را آغاز می‌کنیم.

۲. روی صفحه‌ی مقابل، دو بار کلیک می‌کنیم تا پنجره‌ی ویژگی‌های مربوط به این صفحه باز شود. برای تغییر رنگ صفحه‌ی حاضر، در بخش Background روی گزینه‌ی Use Custom Setting کلیک و با Solid Color رنگ دلخواه‌مان را انتخاب می‌کنیم (شکل ۱).

(Page) و شیء (object) است. از دیگر مواردی که شما با شروع کار در این برنامه با آن‌ها سروکار خواهید داشت، دو پنجره‌ی ویژگی‌ها (properties) و کاوشگر پروژه (Project Explorer) است. در پنجره‌ی کاوشگر پروژه، فهرستی از صفحات و اشیای مربوط به پروژه‌ی خود را می‌بینید که با کلیک روی هر یک نظیر نام، رنگ و اندازه‌ی فونت، محل قرارگیری شیء، رنگ پس‌زمینه و اندازه می‌توانید تنظیمات مورد نظر را اعمال کنید. نوار ابزار Autoplay از ابزارها و اشیای متعددی مانند درج دکمه تصویر، برچسب **Abc**، متن، فیلم، فلش، و پی‌دی‌اف تشکیل شده است.

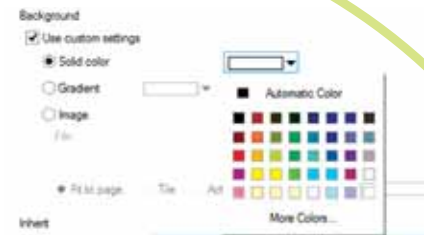
برای اینکه درک بهتری از ساخت یک برنامه در Autoplay داشته باشیم، یک

همه‌ی ما می‌دانیم، تکرار و تمرین در تثبیت و تسهیل یادگیری جایگاه و اهمیت شایان توجهی دارد. در کلاس، مباحث پیچیده و دشوار، پس از حل چند تمرین مناسب، به مباحثی ساده و شیرین تبدیل می‌شوند. تمرین‌های متنوع علاوه بر افزایش قدرت درک دانش‌آموزان، مهارت حل مسئله را نیز در آنان بهبود می‌بخشند. اما گاه اتفاق می‌افتد که برای طراحی تمرینات با تعداد زیاد، به دقت و وقت فراوان نیاز داریم. اکنون نوبت به رایانه و نرم‌افزارهای تولید محتوا می‌رسند تا به کمک ما بیایند و با سرعت و دقت بالا، در چند لحظه تعداد زیادی سؤال را طراحی کنند و به ما تحویل دهند.

نرم‌افزار Autoplay یکی از قوی‌ترین‌ها و ساده‌ترین‌ها در ساخت برنامه‌های چندرسانه‌ای و آموزشی است. به وسیله‌ی این نرم‌افزار می‌توانید برای کلاس خود درس‌افزار، فرهنگ لغت، آزمون‌ساز، بازی و ... تهیه و تولید کنید. پس از نصب Autoplay و اجرای آن، به طور پیش‌فرض با صفحه‌ی خوش‌آمدی با سه گزینه روبه‌رو می‌شویم. با استفاده از گزینه‌ی Create a New project به صفحه‌ای با انتخاب‌های متعدد هدایت می‌شویم. در این مرحله، گزینه‌ی Blank project را برمی‌گزینیم و با انتخاب یک نام برای پروژه، کار خود را آغاز می‌کنیم. قبل از هر فعالیتی باید بدانیم که هر برنامه در Autoplay متشکل از تعدادی صفحه



شکل ۱. انتخاب رنگ



۳. از نوار ابزار بالای صفحه، روی کلیک می‌کنیم تا برچسبی در صفحه ظاهر شود. اگر برچسب ایجاد شده را انتخاب کنیم، از پنجره‌ی ویژگی‌های می‌توانیم تنظیماتی روی آن انجام دهیم. به عنوان مثال، مقدار مربوط به Text را به ۱۴! تبدیل کرده و اندازه‌ی فونت را از قسمت Font Size به ۱۴ افزایش می‌دهیم. ۵. برچسب ایجاد شده را به مکان مناسب در صفحه منتقل می‌کنیم.

۶. از آنجا که قرار است در الگوی ما چهار گام مشخص باشد و گام پنجم را دانش‌آموز بیاورد، لذا چهار برچسب دیگر به همین روش ایجاد می‌کنیم و آن‌ها را در کنار برچسب قبلی قرار می‌دهیم.

۷. به همین شیوه، برچسب جدیدی که در مقدار Text آن عبارت «عدد بعدی چند است؟» نوشته شده است، ایجاد می‌کنیم و آن را در قسمت بالای صفحه می‌گذاریم.

۸. اکنون نیاز است شیء مربوط به وارد کردن پاسخ را در صفحه قرار دهیم. برای این کار از نوار ابزار،  را انتخاب می‌کنیم و آن را در جای مناسبی از صفحه قرار می‌دهیم.

چیزی شبیه  در صفحه‌ی پروژه ایجاد می‌شود.

۹. پس از درج محل پاسخ‌گویی، باید دکمه‌ای را در صفحه قرار دهیم تا با فشردن آن، جواب ثبت شود. از نوار ابزار  را انتخاب می‌کنیم و از میان دهه‌ها دکمه‌ی از پیش طراحی شده‌ی برنامه، یکی را برمی‌گزینیم.

۱۰. دکمه‌ی ایجاد شده را انتخاب می‌کنیم و از پنجره‌ی ویژگی‌ها و در قسمت Text، عبارت «پاسخ» را درج می‌کنیم.

اکنون دکمه‌ای شبیه  در صفحه خواهیم داشت.

۱۱. به همان ترتیبی که در گام‌های ۸ و ۹ توضیح داده شد، دکمه‌هایی با عناوین «شروع» و «پایان» ایجاد می‌کنیم.

شکل ۲. طراحی دکمه‌ی پاسخ



تا اینجا شکل ظاهری برنامه‌ی ما ایجاد شده است. قرار است با هر بار فشردن دکمه‌ی شروع، چهار گام از یک الگوی عددی در صفحه ظاهر شود. دانش‌آموز باید گام پنجم را بیاورد و پاسخ خود را در مکان موردنظر درج کند و سپس دکمه‌ی پاسخ را بفشارد. در صورت پاسخ درست، پیام «آفرین عزیزم» و در صورت پاسخ نادرست، پیام «بیشتر فکر کن» به جای برچسب «عدد بعدی چند است؟» روی صفحه نمایش داده می‌شود. بدین منظور باید کدهای ساده‌ای را که در مراحل بعدی شرح می‌دهیم، در قسمت‌های مختلف وارد کنیم.

۱۲. برای اینکه با فشردن دکمه‌ی «شروع»، یک الگوی تصادفی با آغاز از یک عدد دو رقمی و گام‌های کوچک‌تر از ۱۰ ایجاد کنیم، ابتدا روی دکمه‌ی شروع دو بار کلیک می‌کنیم و از پنجره‌ی باز شده به سربرگ Script می‌رویم. این سربرگ خود شامل زیرسربرگ‌هایی با عناوین On Leave، On Right-Click، On Enter، On Click، On Click است که ما فعلاً با Click سروکار داریم. تمام کدهایی که در این سربرگ نوشته شوند، هنگام فشردن دکمه‌ی «شروع» اجرا خواهند شد. کدهایی را که در شکل زیر می‌بینید به همان صورتی که هست وارد کنید.



براساس کدهای فوق، ابتدا مقدار برچسب شماره‌ی ۶ (یعنی همان برچسب مربوط به نمایش عبارت «عدد بعدی چند است؟») تعیین می‌شود. سپس دو عدد تصادفی، یکی از بازه‌ی ۱ تا ۹ و دیگری از بازه‌ی ۱۰ تا ۹۹

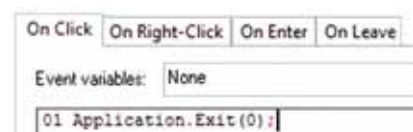
تولید می‌شوند. در نهایت، مقادیر مربوط به چهار برچسب اول، براساس این دو عدد، تعیین می‌شوند.

۱۳. اکنون باید کدهایی را بنویسیم که هنگام پاسخ دانش‌آموز به سؤال، بازخورد مناسب را به وی نشان دهد. دوباره همانند دفعه‌ی قبل، با دو بار کلیک روی دکمه‌ی «پاسخ» به سربرگ Script می‌رویم و کدهای زیر را در زیرسربرگ On Click می‌نویسیم.



در خط اول این کد، ابتدا مقدار وارد شده توسط دانش‌آموز دریافت می‌شود و چون مقداری متنی است، در خط دوم، این مقدار متنی به عدد تبدیل می‌شود. از خط سوم به بعد، پاسخ دانش‌آموز بررسی می‌شود و در صورتی که پاسخ درست داده شده باشد، پیام «آفرین عزیزم» در برچسب شماره‌ی ۶ نمایش داده می‌شود و اگر پاسخ نادرستی وارد شود، پیغام «بیشتر فکر کن عزیزم» برای دانش‌آموز به نمایش درمی‌آید.

۱۴. در این مرحله نیاز است کدی برای دکمه‌ی «پایان» بنویسیم تا با فشردن آن، از برنامه خارج شویم. مانند مراحل قبل به بخش Script می‌رویم و سپس کد زیر را در آن می‌نویسیم.



اکنون برنامه‌ی ما کامل شده است و شما می‌توانید با فشردن هم‌زمان دکمه‌های Ctrl و S آن را ذخیره کنید. برای اجرای برنامه‌ی ساخته شده از درون نرم‌افزار Autoplay، کافی است دکمه‌ی F۵ را در صفحه‌ی کلید بفشارید. شما قادر خواهید بود از برنامه‌ای که ساختید، یک سی‌دی اتوران (خوداجرا) بسازید. برای ساخت این سی‌دی، کافی است دکمه‌ی F۷ صفحه‌ی کلید را بفشارید و مراحل مربوطه را با چند کلیک ساده پییمایید.

آموزگار فراموش نشدنی اقلید

خلیل مختاری
آموزگاری بی ادعا
که در دفاع از
دانش آموزانش
جان باخت

کشاورزی می کرد. و وقتی در سال ۱۳۴۵ دوران دانش سرا را با موفقیت پشت سر نهاد، هم در درس و هم در کار موفق و زبانزد شد. خلیل با گذشت و مردم دار بود.

معلم فداکار شهرمان در بهمن سال ۱۳۶۳، وقتی مانند هر روز وارد مدرسه شد، صدایی شنید. گاو رم کرده و خشمگین وارد دبستان شهید ظهیری شده بود و خطری حتمی جان دانش آموزان را تهدید می کرد.

خلیل با دیدن این صحنه از پنجره ای کلاس بیرون پرید و خود را سپری کرد در مقابل بچه هایی که از ترس گوشه ای کز کرده بودند. و به این گونه، حیوان به این آموزگار بی باک حمله می کند و با ضربات شاخ خود او را که به دفاع از کودکان بی پناه آمده بود، از پای درمی آورد.

نویسنده در بخشی از مطلب خود پرسیده بود: «چرا باید فداکاری او فراموش شود؟»

ما در اینجا به خانواده و دوستان خلیل می گوئیم، نام خلیل مختاری و درسی که او داده است فراموش نمی شود، زیرا شما نگذاشتید او گمنام بماند.

اشاره

در خردادماه سال جاری نامه ای از خانم **خدیجه قدکی** به دستمان رسید که ما را به سال های دور برد؛ سال هایی که به سختی بر خانواده ی یک آموزگار فداکار و گمنام گذشته است. در این نامه آمده است: «اکنون بیش از ۳۰ سال است از فوت همسر فداکارم مرحوم خلیل مختاری می گذرد. او **ریزعلی** گمنامی است که جان شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشت تا به شاگردانش آسیبی نرسد. از نظر من، او با دیگر شهیدان تفاوتی ندارد، چرا که برای دفاع از جان عده ای دیگر جان خود را از دست داد؛ با این تفاوت که هیچ کس در هیچ محفلی یادی از او نکرد.»

خلیل مختاری، آموزگار فراموش نشدنی

خلیل مختاری از اهالی اقلید فارس بود. **فاطمه مسعودی** در سایت اقلید نیوز در بهار ۱۳۸۴ در متنی مختصر درباره ی این آموزگار از جان گذشته می نویسد:

«خلیل مختاری در سال ۱۳۳۷ دوران ابتدایی را در دبستان بزرگمهر به پایان رساند. او ضمن درس خواندن، در کنار پدرش

بتول راد
آموزگار ناحیه‌ی ۱ مشهد



دل‌نوشته‌ای برای معلمان دیروز

الگو گرفتیم!

آن روزها از پوشه کارهای رنگ‌ووارنگ، طرح مهارت و جابربن حیان، شهر بهشت، یاور برق، همیار پلیس، بازیافت در مدرسه و... هزاران طرح و برنامه که گاهی اوقات خودمان هم سر از آن‌ها در نمی‌آوریم، خبری نبود، اما چه زیبا و دوست‌داشتنی آداب زندگی اسلامی را آموختی! نام کوچکت سوسن بود، سوسن.

یادم هست، خوب هم یادم هست قرآن و عربی درس می‌دادی. چقدر معرفت داشتی، مثل مادری دلسوز می‌گفتی وقتی تخته‌ی دلت با اندیشه‌های منفی سیاه شد، با آیه‌های سفید پاکش کن! دعای فرجی را که تو تلاوت می‌کردی، از یاد نمی‌برم. سجاده‌ام را که می‌گشایم، جماعت‌هایی که با تو به جا آورده‌ام از آینده‌ی ذهنم عبور می‌کنند!

نمی‌دانم اکنون چه احساسی داری؟ خدا کند از آن انرژی که به پای دیگران گذاشتی و تربیت فرزند دل‌بند خودت را به دیگران سپردی، پشیمان نباشی، اما مطمئن باش و یقین داشته باش که در پس‌گیرودار زندگی و بدو بدو کردن‌های بشر امروزی، این آیه‌الکرسی و یس که تو به من آموختی، فریادرسم خواهد بود. هر کجا که هستی، در زیر سقف آسمان بلند سلامتی و توفیق تو را از خداوند بزرگ می‌خواهم. ایمان داشته باش که دعای خیرم بدرقه‌ی راحت است تا زنده‌ام.

چه زود ثانیه‌ها به دقیقه‌ها تبدیل شدند و اندک اندک ماهی در پی سالی و بهاری در پی زمستانی آمدند و رفتند. انگار همین دیروز بود که با ورودت به کلاس، می‌خکوب نیمکت چوبی می‌شدم. مدادگلی‌های دیروز چه عطر خوبی داشتند! نخود و کشمش‌های جیب خانم معلم هم طعمی دیگر داشت! نمی‌دانم چقدر در خاطرت مانده، صف بستن بچه‌ها جلوی در ورودی مدرسه، چشمان منتظر و قلب‌های ایستاده به احترام آوازه‌ات!

صدایت در همین نزدیکی است. انگار قصه‌ها را همین دیروز برایمان خواندی. آن روزها که غبار گچ تخته پاک‌کن صد تکه را هزاران بار خوردی، من بچه بودم و ناپخته. و تو با تمام شیطننت من و دوستانم مدارا کردی. یادش بخیر، تو از تفریق گنجشکان روی شاخه‌ی درخت و جمع شدن کفش‌دوزک‌های روی برگ، دماوند، حسسنگ کجایی و باز باران با ترانه با گهرهای فراوان می‌خورد بر بام خانه، می‌گفتی و من در حال و هوای بازی یک قل و دو قل و گرگم به هوا سیر می‌کردم!

تصمیم کبری را که درس می‌دادی، من آخرش نفهمیدم کبری چه تصمیمی گرفت، ولی من تصمیم گرفتیم معلم شوم؛ معلم دبستان! زمزمه‌ی مهربان صد دانه یاقوت، دسته به دسته با نظم و ترتیب یک‌جا نشسته را که شنیدم، نظم و ترتیب را سرلوحه‌ی کارم قرار دادم! ساده‌بستی را از کوکب خانمی که تو درس دادی، سرمشق گرفتیم و فداکاری را از رفتار تو در آتش گرفتن کلاست

پاک‌کن‌های تقویتی

تجربه‌هایی برای تقویت حافظه‌ی خلاق

مهتاب مجردی
منطقه‌ی ۴ تهران

اشاره

تجربه‌ها و پژوهش‌های مهتاب مجردی در خصوص تقویت حافظه‌ی خلاق با به کارگیری انواع روش‌های یادگیری فعال و مشارکتی دانش‌آموزان انجام شده است. بدون حافظه، یادگیری مفهومی نخواهد داشت و حافظه‌ی خلاق در طبقه‌بندی حافظه‌هایی قرار می‌گیرد که مورد توجه متخصصان آموزشی و پرورشی است (سیف، روان‌شناسی پرورشی). وی پس از جمع‌آوری شواهدی که نشان از ضعف دانش‌آموزان در مهارت‌های دست‌ورزی داشت، به استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی و فعال روی آورده است. در این روش‌ها، شاگرد در جریان یادگیری، خودش تجربه می‌کند.

۲. جذاب شدن محیط کلاسی در جهت تقویت خلاقیت؛ ۳. جلوگیری از خسته شدن دانش‌آموزان؛ ۴. تقویت مهارت‌های اجتماعی و زندگی در دانش‌آموزان.

شیوه‌های ابداعی آموزگار

۱. تغییر در روش تدریس و به کارگیری روش‌های فعال و مشارکتی در کلاس
۲. تهیه‌ی پیام ماهانه برای دادن اطلاعات جدید در جلسات اولیا
۳. برپایی اتاق و کارگاه خلاقیت یا انتخاب بچه‌ها به عنوان کمک معلم
۴. نمایش مجموعه داستان‌ها و حکایت‌های کللیله و دمنه
۵. ساخت کارهای هنری در زنگ خلاقیت
۶. ساخت طرح‌های کاشی زیبا در زنگ خلاقیت با برش‌ها و گره‌های معروف کاشی‌کاری ایرانی
۷. تبدیل کلاس به آزمایشگاه
۸. طراحی یک جدول با ستون‌های رنگی برای درک بهتر جمع و تفریق
۹. پرورش قوه‌ی خلاقیت کودکان با تشویق به داستان‌گویی و ساخت وسیله‌ای که بتواند دست‌ورزی آنان را بالا ببرد.



اهداف پژوهش

- عبارتند از:
۱. شکوفا کردن استعداد دانش‌آموزان و ایجاد فضا برای ابراز وجود آنان؛
- تقویت حافظه‌ی خلاق دانش‌آموزان هدف اصلی است و اهداف جزئی‌تر آن

اجرای راه‌حل‌ها و نظارت بر آن

با اجرای راه‌حل‌هایی که در ذهن داشتیم، مهم بود که در این روش‌ها شرایط زیر وجود داشته باشند:

تقویت خلاقیت در دانش‌آموزان را مفید دانست و نمونه طرح‌های کاشی‌های سنتی ایرانی را به‌خاطر هم‌سو بودن با مبحث تقارن ریاضی کلاسش از من الگو گرفت.

پیشنهادهای

چند پیشنهاد برای معلمان عزیز دارم:
۱. عقاید غیرعادی باید مورد احترام قرار گیرند و ارزش آن‌ها برای کودکان روشن شود.
۲. اندیشه‌ی دیگران را ارزشمند بدانید و به آن توجه نشان دهید.

۳. جسارت در بیان اندیشه را با پرهیز از بی‌احترامی به دیگران آموزش دهید.
۴. درباره‌ی کاربردهای متفاوت یک ابزار یا ماده با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنید.

چند پیشنهاد برای اولیای عزیز:

۱. بپذیرید که اشتباه کردن بهتر از پذیرش کورکورانه است.
۲. به جای پر کردن ذهن از اندیشه‌های گوناگون، روش‌های ارزیابی اندیشه‌ها را آموزش دهید.
۳. مهارت‌های حسی (مانند دقت در نگریستن) و ذهنی (مانند توانایی مقایسه) را پرورش دهید.
۴. با آن‌ها بازی کنید. برای کودکان کتاب بخوانید و با آن‌ها کاردستی درست کنید.
۵. کودک را به‌خاطر ناتوانی در انجام دادن امور سرزنش نکنید.



ساخت کارهای هنری در زنگ خلاقیت: با هدف توانایی حل مسئله، نشان دادن خلاقیت بیشتر، مسئولیت‌پذیری بیشتر، رشد شخصیت و بالا بردن میزان مشارکت دانش‌آموزان، برقراری ارتباط دوستانه بین معلم و دانش‌آموز، رشد قدرت بیان و استدلال، یکی از زنگ‌های هنر را به نام زنگ خلاقیت نام‌گذاری کردم مثلاً با کمک گواش و تهِ بطری نوشابه و دکمه، برش‌های کاغذ باطله، ساخت کاردستی، تقویت مهارت دست‌ورزی بچه‌ها، هماهنگی چشم و دست و... را در پی دارد.

اعتباربخشی راه‌حل‌های مورد نظر

مدیر مدرسه اولین فردی بود که راه‌حل‌ها را با او در میان گذاشتم. پس از آن، راه‌حل‌ها را با کمک معاونان که خودشان قبلاً آموزگار بودند بررسی کردم. با آموزگاران هم‌پایه نیز درباره‌ی راه‌حل‌ها به مشورت نشستیم. همکاران از راه‌حل تشکیل گروه در تلگرام استقبال کردند و آن‌ها هم جمعی برای انجام کارهای تحقیقی دانش‌آموزانشان تشکیل دادند. از نظر چند نفر از دوستانم که تحصیلات ارشد روان‌شناسی کودک داشتند برای تأیید راه‌حل‌ها کمک گرفتم. آن‌ها نیز با توجه به نیاز امروز بچه‌ها به مهارت آموزی، موافق اجرای این راه‌حل‌ها در کلاس درس بودند. همکار پایه‌ی اول نیز که دانشجوی دکترای روان‌شناسی است،

- قدرت بیان و استدلال دانش‌آموزان رشد کند.

- آموزش برای شاگرد دلچسب باشد.
- دانش‌آموزان در حل مسائل توانایی بیشتر و تعاون داشته باشند.
- ارتباط بین آموزش و شاگرد و شاگرد با شاگرد برقرار باشد.
- انتقال دانش صرف مدنظر نباشد.

انتخاب بچه‌ها به‌عنوان کمک معلم: با هدف مسئولیت‌پذیری بیشتر، رشد قدرت بیان، رشد شخصیت در ابعاد مختلف، همکاری و مشارکت بیشتر، ارتباط بیشتر بین آموزش و دانش‌آموز و دلچسب و لذت‌بخش کردن آموزش، در کلاس اول ۳۱ خودکار با رنگ‌های زیبا تهیه کردم و در اختیار بچه‌ها قرار دادم. روی خودکارها برچسب کمک معلم زدم. حس معلم شدن و بررسی تکالیف کلاسی دوستان، اعتمادبه‌نفس بچه‌ها را بالاتر برد و به بیشتر شدن میزان مشارکتشان در کارهای کلاسی کمک کرد. بچه‌ها می‌دانند که همیشه فرصت ابراز وجود در کلاس درس را دارند.

پاک‌کن‌ها

تعداد ۹۰ پاک‌کن مثلث شکل خریدم و با در اختیار بچه‌ها قرار دادن آن‌ها و گروه‌بندی دانش‌آموزان، از آن‌ها خواستم هر گروه، از مجموعه‌ی این پاک‌کن‌ها شکل زیبایی بسازد. از این پاک‌کن‌ها در درس‌های بعدی و برای تدریس بهتر شمارش ۲ تا ۳ و ۳ تا ۳ نیز استفاده کردم. ابزار ملموس و ابتدایی، اما کارآمدی بود.

همراهان ما

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان

در آخرین شماره از مجله

در دوره‌ی ۱۹، هم‌چنان سعی ما بر آن بود تا به بیشتر نامه‌ها و آثار رسیده از خوانندگان پاسخ دهیم. در این مدت، همکاران گرامی لطف خود را با فرستادن نامه یا ایمیل ابراز کردند. تا دیداری دیگر در دوره‌ی بیستم، شما را به خداوند بزرگ می‌سپاریم و همانند گذشته در انتظار نامه‌ها و تماس‌های تلفنی شما هستیم

جوادالائمه، شهر جدید پرسند: «طرح مستندسازی تجربه‌های برتر».

چهارمحال و بختیاری

مینا رئیسی، فریده ملک‌پور دهکردی، دبستان معرفت سودجان، شهرکرد لاران: «عدم عدالت آموزشی اضطراب می‌آفریند».

بدری توفیقی بروجنی، دبستان شرف فرادبند، بروجن: «خاطرات معلمی من و همسر».

خراسان رضوی

مریم علیشاهی، آموزگار، سبزوار: «مجلات رشد در کلاس من زندگی می‌کنند».

بهاره افخمی، آموزگار دبستان کاظمیه، تبادکان، مشهد: «خشونت و راهکاری برای مقابله با آن...».

خراسان جنوبی

مرضیه رجبی گزیک، دبستان مریم: «تمرینی در خانه به جای تکلیف شب».

زنجان

داریوش سهرابی، آموزگار دبستان بدرمیانج، ماهنشان: «پوشه‌ی کار مجازی».

روح‌الله خانی، فاطمه فیضی، خداپنده: «بررسی راهکارهای افزایش خلاقیت...».

سمنان

طیبه ابراهیمی ملو، سعید علی‌نژاد، میامی: «تقویت مهارت خواندن با استفاده از حس لامسه».

فرزانه شاه‌رخیان، دبستان عدل، اصفهان، تصاویر ارسالی شما را دیدیم. منتظر آثار دیگر شما هستیم.

فرنوش السادات اولیایی، شهرضا: «تنبیه ذهنی...».

البرز

زهرا کرمی، دبستان شهید صدراله صادقیان: «غنچه‌ای که احیا شد».

ایلام

فریدون باقریان، دره‌شهر: «توجه به احتیاجات اساسی کودکان پایه...».

مهرانگیس میرزابیگی، دبستان المهدی (عج): «معلم مؤثر علم بیشتری منتقل می‌کند».

بوشهر

حسین باقری، دبستان امام خمینی (ره)، دوراهک: «پرورش خلاقیت».

تهران

منصوره کریمی قهی، دبیر منطقه‌ی ۱۴: «بررسی و نقد کتاب فارسی دوم دبستان».

میترا دقیقی ماسوله: «تشکر کودکان».

فاطمه ابراهیمی، آموزگار منطقه‌ی شهریار: «ضرب».

فریبا رئیسی، دبستان شکوفه‌های انقلاب، منطقه‌ی پنج: «توجه به هوش‌های چندگانه».

فاطمه اندرودی، منطقه‌ی ۱۴ تهران: «روش تقویت املا».

سعید عبداللهی، مدیر دبستان

آذربایجان شرقی

شهلا بهروز، آموزگار دبستان بلال، تبریز: «آدامس»، «عکس دسته‌جمعی».

فائزه عابدی، مدیر مرکز اختلالات یادگیری، ناحیه‌ی ۲، تبریز: «تعریف بازی».

فیروز عالی‌نژاد، کلیبر: «پروژه‌ی دانش آموزی...»، «تقویت عزت نفس».

اردبیل

سیدقاسم حسینی، آموزگار چند پایه، نیز: «بررسی آسیب‌های استفاده از تلفن همراه...».

مهری حطبی، دبستان سیلان، اردبیل: «بررسی راه‌های تقویت ارزش‌های اخلاقی در دانش‌آموزان».

اصفهان

مصطفی یشمی، دستگرد برخوار: «آموزش ابتدایی کودکان».

سمیه اسماعیلی، دبستان شهید مردانی، تودشک، کوهپایه: «اصلاح تصویر در علوم تجربی».

لطفاً چنین درخواست‌هایی را با مؤلفان و مسئولان کتاب‌های مربوطه در میان بگذارید.

فارس

کبری یوسفی، دبستان شهید مطهری، اقلید، سده: «صندلی صمیمیت».

کردستان

شیرین مخدومی، قروه: «چرا دانش آموز قلب می‌کند؟» «پیامدهای تنبیه»، «چگونه بین دانش آموزان رقابت مثبت ایجاد کنیم؟».

شرافت خرامانی، معاون پرورشی، سنندج: «خاطره‌ای اوایل خدمت». ژاله کریمی، معاون آموزگار روستای گادمه گتر، دیواندره: «هفت ساعت».

جمال بابایی، سروآباد، مریوان: «آنچه والدین در مورد فلورایدترایی فرزندان باید بدانند».

چیا شهبازی، آموزگار، سروآباد: «مار و پله برای ارزش‌یابی فراگیرندگان خجالتی...».

صلاح رشیدی، سردشت: «جدول ابتکاری ثبت فرایند عاطفی...».

فاطمه یوسفی‌پور، دبستان شاهد دختران، بروجرد: «مدرسه و چشم‌انداز هدایت تحصیلی».

کرمان

مصطفی محمدی، آموزگار دبستان معلم، کرمان: «تهاجم فرهنگی».

کرمانشاه

فیروز اسدی، آموزگار دبستان شاهد شیرزادی، ناحیه ۱، کرمانشاه: «چگونه فرزندانمان را به درس خواندن علاقه‌مند کنیم؟».

مهری اعظم، آموزگار دبستان طاهره، ناحیه ۱، کرمانشاه. ایشان از جزئیات حفر یک حلقه چاه به همت و هزینه خود در روستای امیرآباد در حدود سال ۱۳۸۳ نوشته‌اند. از همین جا به همت بلند و نگاه انسانی خانم مهری اعظم درود می‌فرستیم.

مازندران

توران کابلی قره‌تپه، بهشهر: «نعمت‌های خدا».

ابراهیم صالحی عمران، حمیده سلیم بهرامی، زهرا افراخته، ساری: «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اجرای نظام...».

فاطمه اسفندیاری، آموزگار دبستان حافظ، بابلسر: «برچسب میوه، تفریق با میوه‌ها».

معصومه عبادتی آبدان‌سری، معاون دبستان شهید ایرج تورانی، ساری: «درماندگی آموخته شده».

خدیدجه پناهی، دبستان قرآنی شهید احمد حق‌شناس، ناحیه ۲، ساری: «نقش راهبردی روش حل مسئله در کسر...».

زهرا کمشی کمر، معاون آموزشگاه شهید علی‌اکبر گوکلانی، علی‌آباد کتول: «سلام سلامتی میاره».

محمد نیکویی، چمستان: «آبر معلم».

مرکزی

فاطمه صابری، دبستان دکتر حسابی، تفرش: «راه‌های کاهش اضطراب...».

پرده‌نشین عتیقی، دبستان فاطمه‌زهرا(س)، تفرش: «روابط انسانی در مدارس و اصول ایجاد رابطه‌ی حسنه».

فاطمه حیدری، دبستان علی‌بن ابی‌طالب(ع)، تفرش: «تجربیات مدون».

منیر عبداللهی، آموزگار دبستان شاهد، محلات: «بازی ریاضی».

فرزانه رحیمی، آموزگار دبستان حضرت خدیجه(س)، آشتیان: «تقویت سواد خواندن و «خط و علل بدخطی»، «علل بی‌انضباطی».

عذرا قدبیگی، آموزگار دبستان شهید بختیاری، شازند: «نقش دعا در آموزش‌های دینی و اخلاقی دانش‌آموزان».

زهرا تقی‌پور، آموزگار، تفرش: «فعال‌سازی دانش‌آموزان در انشا».

معصومه قربانی، معاون دبستان علی‌بن ابی‌طالب(ع)، تفرش: «نارسایی در

خواندن».

نرگس حسینی کجگانی، آموزگار، شهر مهاجران: «انواع تکلیف شب».

حدیثه بیات، دبستان محدثه، شازند: «املا»، «اگر می‌خواهید سرزنده باشد».

مرضیه جباری، آموزگار، دبستان محدثه، شازند: «بازی و سرگرمی».

هرمزگان

لیلا پارسا پور، دبستان پسرانه‌ی دانش، بندرعباس: «با نشاط کردن زنگ قرآن».

مرضیه باقری‌زاده، بندرعباس: «بررسی جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت».

همدان

رقیه کاظمیان مهتاج، آموزگار، بخش قروه: «تحلیل محتوای خوانایی تعلیمات اجتماعی سال ششم».

فروش ظفری، نهاوند: «با دانش‌آموزان گستاخ چگونه برخورد کنیم؟»، «برای یادگیری بهتر ریاضیات چه باید کرد؟».

زهرا مالیر، همدان: «راه‌های آموزش مهارت‌ها برای معلمان...».

آثار این عزیزان نیز رسید:

سیدرضا تولایی، «تیز»، «بچه گربه». احمدصمدی، «یک توضیح ضرورت‌تالازم!». سارا صوفی دلگرم، «تهیه‌ی تقویم کار گروهی».

ندا ملکی، مدرسه‌ی ربانی: «نقش مدارس در آموزش سبک زندگی سالم به نوجوانان...».

امید علی‌اکبری، احمد محمودی، یعقوب لهرآبی: «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های معلمان دارای سوابق آموزشی دوره‌ی ابتدایی درباره‌ی تناسب محتوای آموزشی دوره‌های ضمن خدمت...».

زهرا هاشم‌زاده، فاطمه بابایی، طوبی صادقی، مریم میرشفیعی، سمانه یمینی، از مدرسه‌ی شهید یدالله‌پور: «تسهیل و تفهیم اثربخش حروف ناخوانا...».



هر دانش آموز یک سؤال برمی دارد و جواب می دهد. به او امتیاز می دهیم.

ببینید چگونه کلاسی شاد و پرنشاط و مسلماً پویا خواهیم داشت که میزان یادگیری هم در آن بالاست.

سعی کنید همه ی دانش آموزان امتیاز بگیرند تا حس مثبتی در آن ها ایجاد شود و انگیزه ی مشارکت و مطالعه و یادگیری کتاب در روز بعد را داشته باشند.

این کار را می توان در همه ی درس ها انجام داد. با این فعالیت دانش آموزان فرصت پیدا می کند به پاسخ ها و حرف های دیگران گوش کند و نیز یاد می گیرند چگونه سؤال طرح کنند یا جواب را مشخص کنند.

فرصت تابستان را از دانش آموزان نگیرید.

لطفاً هدفمند به آن ها برنامه دهید.

در تابستان، هر دانش آموزی یک اتفاق جالب، یک کتاب تازه و یک فیلم تازه را که در زندگی او تأثیرگذار است می بینند، می خوانند و یا تجربه می کند. یا صحبتی در جمع یا در محافل می شنود که برایش آموزنده است. عکس می گیرد و یا نقاشی می کشد که دنیایی حرف در آن وجود دارد. یا حرفی خنده دار می شنود، و یا گزارشی را از جایی که رفته است می نویسد.

از آن ها بخواهید همه ی تجربه هایشان را بنویسند، از روی نوشته ها، عکس ها، نقاشی ها کپی بگیرند و یک کتابچه ی کوچک با عنوان «من آموخته ام» در تابستان ... روزهای اول سال بعد می توانند آن را به کلاس بیاورند و در زنگ ادبیات یا انشا یا هر درسی که صلاح دانستید، مطالب آن را بخوانند. از این طریق خلاقیت کودکان پرورش پیدا می کند. آن ها می توانند کتابچه هایشان را مدتی به همدیگر بدهند.

ماه پایانی سال تحصیلی است و وقت آزمون برای رفتن دانش آموزان به کلاس بالاتر. حالا باید مروری بر درس ها داشته باشیم. این فعالیت، روزهای پایانی سال را برای دانش آموزان پرنشاط و پویا می سازد.

راه های زیادی برای پویا کردن کلاس وجود دارند که به موارد زیر اشاره می کنم:

۱ دانش آموزان باید شب قبل، با تقسیم بندی درس ها که قبلاً انجام شده است، آن ها را مرور کنند. سپس در کلاس از آن ها می خواهیم برگه های کوچکی بردارند و هر کدام سه سؤال روی آن بنویسند. بعد هر نفر با بغل دستی اش برگه اش را عوض کند. فرصت بدهیم سؤال ها را بخوانند و درباره ی پاسخ آن ها با هم گفت و گو کنند. بعد هر سؤال را در کلاس بلند بخوانند و پاسخ دهند. در آخر می توانید دوباره سؤال ها را در کلاس جابه جا کنید (به این ترتیب، یادگیری کامل تر در کلاس صورت می گیرد).

جعبه ی سؤال ها

چند جعبه ی کفش تهیه می کنیم. از دانش آموزان می خواهیم بعد از مرور درس در شب گذشته، یک سؤال را روی کاغذ کوچکی بنویسند و آن را داخل جعبه ی کفش بیندازند. مثلاً در یک کلاس ۳۵ نفری، ۳۵ سؤال طرح می شود و دانش آموزان آن ها را پاسخ می دهند. روز بعد همه ی سؤال ها را عوض می کنیم و سؤال های درس دیگر را داخل جعبه می ریزیم.



۳۵ سؤال
جغرافیا



۳۵ سؤال
علوم



۳۵ سؤال
فارسی



۳۵ سؤال
ریاضی

الحمد لله الرحمن الرحيم

من یارب نامم و ناما و خوش کس نام

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام

گویم سخن و ناما و ناما و ناما

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام

پندت بهم فراوان من یارب پند

من دوستی هنرمند یارب و نامم

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام

از من کسب غافل من یارب محبت نام

سرودی ناما و ناما و ناما و ناما

ایستاد و نامم و ناما و خوش کس نام



روایت سنگ و جنگ

حدود پنج سال است که مردم مسلمان سوریه درگیر جنگی ناخواسته هستند. در طول روزهایی که این شماره از مجله آمادسازی می‌شد، تلاش‌هایی برای صلح در جریان بود. متأسفانه مدارس و دانش‌آموزان در این میان بیشترین آسیب‌ها را می‌بینند.

در شماری پایانی این دوره، با آرزوی سلامتی برای همه‌ی دانش‌آموزان و آموزگاران، چند اثر از هنرمند سوری به نام نزار علی بدر را می‌بینید که با سنگ‌های کوچک و در ارتباط با حوادث سوریه ترسیم کرده است.

